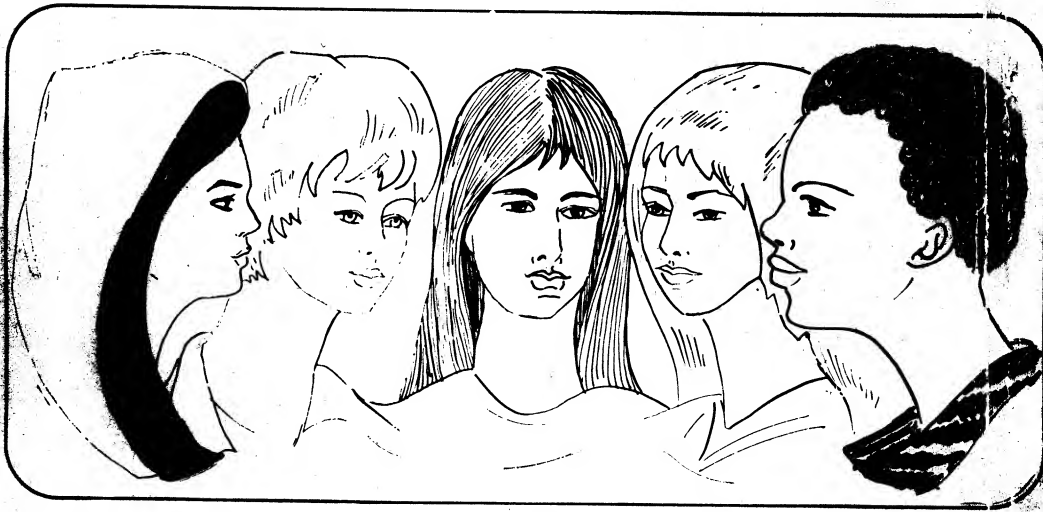


جنبش

دموکراتیک بین المللی زنان
در مرحله کنونی

مؤلف : نیلوفر





دکتور انا هیتا راتب زادرئیس ومو سس ساز مان رز منډه دمو کراتیک زنان افغانسته



جنبش

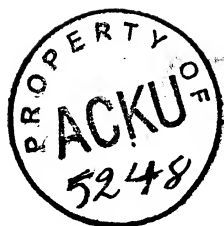
دموکراتیک بین المللی زنان

در مرحله کنونی

مؤلف : نیلوفر

فهرست مضامین

- پیشگفتار
- از ص ۱ - ۴
- ۱- هنداسیون دموکراتیک بین المللی زنان
- از ص ۵ - ۳۵
- ۲- بهمنابه یگانه سازمان وسیع و کتلوی زنان جهان ...
- ۳- مبارزه برای صلح و خلع سلاح بهمنابه یکی از وظایف عمده جنبش بین المللی زنان ...
- از ص ۳۶ - ۵۱
- ۴- حل مساله زن در کشور سو سیالیستی
- از ص ۵۳ - ۵۹
- ۵- در مثال: زن آزاد در اتحاد شوروی ...
- از ص ۶۰ - ۷۸
- ۶- مبارزه بغاظر سعادت کودکان ...
- از ص ۷۹ - ۸۳
- ۷- وضع زنان در کشورهای سرمایه داری ...
- از ص ۸۴ - ۹۳
- ۸- سهم زنان در مبارزات آزادی بخش ملی
- از ص ۹۴ - ۱۱۵
- ۹- خلقهای کشور های به استقلال رسیده ...
- ۱۰- سازمان دموکراتیک زنان افغانستان



پیشگفتار

رساله کنونی تحت عنوان «جنبش دموکراتیک بین‌المللی زنان در مرحله کنونی» نخستین اثر زبان دری است که ضمن آن وضع زنان در جهان مورد تحلیل قرار گرفته، حل مسأله زن در کشورهای متمدن، شرایط دشوار کاروندگی زنان در کشورهای سرمایه داری، بیکار رهایی بخش زنان کشورهای نوبه استقلال رسیده و در حال رشد، سهم بزرگ آنان در مبارزه به خاطر صلح، ترقی اجتماعی، دموکراسی و آینده مسعود کودکان بر مبنای ارقام و فاکت‌ها به طور همه جانبه ارزیابی گردیده است.

محتویات این کتاب را ماسایل مبهم و در دستور روز مرحله کنونی پروسه انقلابی جهانی یعنی پرابلمهای مربوط به عنصر متشکله این روند، جنبش دموکراتیک بین‌المللی زنان تشکیل می‌دهد.

یکی از مشخصات دوران ما ارتقای نقش جنبش دموکراتیک بین‌المللی زنان در جنبش خلقها به خاطر زندگی بهتر، صلح و رفاه محسوب می‌گردد که این بدیده خود زائیده تغییر چهره سیاسی جهان یعنی ایجاد سیستم جهانی سوسیالیستی، و پیرو زیمهای بی‌هم جنبش طبقه کارگر و نیرومندی موج جنبش آزاد ببخش ملی میباشد.

یک ثلث نعم مادی جهان با دستهای ظریف زنان ایجاد می‌گردد. نقش آنان در امر تکامل فرهنگ پر بها و وزین است.

ولی تناسب سهم‌گیری آنان در حیات اجتماعی همگون نیست و قبل از همه بنظم اجتماعی، میزان رشد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور های مختلف بستگی دارد.

زنان در کشور های پیشرو جهان آنجا که از تبعیض و استثمار اثری نیست عضو مساوی الحقوق جامعه بوده در کلیه بخشهای حیات اجتماعی فعالانه سهم گرفته از امکانات وسیع جهت تلفیق درست وظایف اجتماعی و مادی برخوردارند و خلاقانه در اعمار زندگی نوین شرکت می ورزند .

مثال زن آزادشوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی انگیزه نیرومند زنان در مبارزه به خاطر رهایی کامل و تا مین حقوق مساوی به حساب میرود . در کشور های سرمایه داری حقوق و آزادی های زنان فقط در چوکات قانون وجود دارد .

ولی در عمل جهان ازاد بهترین نمونه بهره کشی و محرومیت زنان است . جنبش زنان زحمتکش این کشورها به خاطر تامین برابری با مرد جزء مسأله جنبش های کارگری و دموکراتیک بوده به آن پیوند ارگانیک دارد .

یکی از مسایل حاد روند انقلابی در کشور های نوبه استقلال رسیده راحل مسأله زن ، جلب توده های وسیع زنان به پروسه تولید اجتماعی ارتقای سطح آگاهی و درجه تخصص و بهبود شرایط کار و زندگی آنان تشکیل میدهد . خلق های این کشورها منجمله زنان به خاطر مقاطعه با بقایای شوم تسلط نظا مهای استعماری و امپریالیستی ، رشد اقتصادی و فرهنگی بی امان میرزمند .

جنبش جهانی دموکراتیک زنان که موضوع این کتاب است عنصر لاینفک جنبش کارگری و نهضت رهایی بخش ملی میباشد .

فدرا سیون دموکراتیک بین المللی زنان به مثابه گردان متشکل کننده توده های ملیونی زنان جهان صرف نظر از عقاید سیاسی ، مذهبی ، نژادی و لسانی در سال ۱۹۴۵ ایجاد گردید .

و انعکاس دهنده خواستها و آرمان های دیرینه زنان بوده بر مبنای پروگرام و اساسنامه دموکراتیک خویش زنان جهان را در مبارزه به خاطر تامین برابری زن با مرد ، استقلال ملی ، صلح و دموکراسی بسیج میسازد و معتقد است که پیکار به خاطر مسأله زنان با مبارزه در راه استقلال ملی ، ترقی اجتماعی و حقوق قطعی کابو س جنگ پیوند فکستنی دارد .

قبل از ایجاد فدرا سیون دموکراتیک بین المللی زنان یک تعداد سازمانهای دیگر زنان در اواخر قرن ۱۹ و آغاز قرن

۲۰ وجود داشته اند ولی این ساز مانها ، زنان اشراف و متمول رادر صفوف خود گردآورده تلاش میورز یدند تاحل مسأله زن رادر چوکات نظم سرمایه داری امکان پذیر جلوهدهند .

به طور مثال شورای بین المللی زنان ، اتحادیه زنان به خاطر حقوق و وظایف مساوی ، اتحادیه جهانی ساز مانهای زنان کاتولیک ، لیگ بین المللی زنان به خاطر صلح و آزادی . این ساز مانها بنابر ماهیت خویش نمی توانستند توده های وسیع زنان را در صفوف خویش بسیج نمایند .

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان اولین ساز مان دموکراتیک متشکل و وسیع زنان است که مرکب از (۱۲۹) ساز مان از (۱۱۴) کشور جهان می باشد و در طول بیش از « ۳۵ » سال در پیشاپیش جنبش دموکراتیک بین المللی زنان قرار داشته است . فدراسیون مبارزات گسترده و دموکراتیک زنان را به خاطر تامین مساوات ، صلح ، دموکراسی ، ترقی اجتماعی و سعادت کودکان رهبری نموده با ساز مانهای جوانان ، اتحادیه های صنفی ، جنبش هوا داران صلح و اتحادیه های زنان همکاری مستقیم دارد .

در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد موقف مشورتی درجه اول و در شورای یونسکو و یونسف موقف درجه دوم را حایز است . سازمان دموکراتیک زنان افغانستان عضو فعال فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان بوده در تمام تدابیر و اقدامات آن سهم فعال دارد .

انقلاب ثور و بویژه مرحله نوین تکاملی آن افقهای وسیعی را در برابر زنان زحمتکش کشور محبوب ما گشوده برای اولین بار حمایه از زن به مثابه مادر و تبعه زحمتکش در سطح سیاست دولت مطرح گردیده و در اصول اساسی ج.د.ا تصریح شده است : علی الرغم دسایس و فتنه گریهای ارتجاع داخلی و خارجی و کوههایی از دشواریهای اقتصادی و اجتماعی که از گذشته برای ما بمیراث مانده است حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تدابیر عملی جهت تامین اشتراک فعالانه همه جانبه زنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور و سهم خلاق آنها در اعمار جامعه عادلانه نوین و تغییر بنیادی وضع زنان را همین اکنون بروی دست دارد .

همچنان درین رساله فعالیت های س . د . ز . ا . اهداف و وظایف آن در مرحله حساس و تاریخی کنونی انعکاس همه جانبه یافته است .

سازمان دموکراتیک زنان که گروپهای وسیع زنان کشور ما را در صفوف رزمنده خویش متشکل ساخته است از سیاست حزب و دولت ما پشتیبانی عمیق و قاطعانه نموده در راه انجام وظایفی که حزب در برابر مردم و منجمله زنان ما قرار میدهد با همه نیرو و انرژی تلاش میورزد و زنان را با روحیه عانی احساس مسوولیت در برابر وطن پرافتخار ما ، احترام به میراث فرهنگی و سنن و عنعنات پسندیده مردم ما پرورش نموده شرکت فعال آنان را در امر دفاع از فرایند انقلابی کشور ماثامین نموده و در تحقق پروگرامهای وسیع دولت انقلابی ما به خاطر بهبود شرایط زندگی زحمت کشان ، رشد اقتصاد ملی ، طرد عقب ماندگی و شگوفانی میهن آزاده ما اشتراک وسیع می ورزد .

پر معلوم است که این رساله مورد علاقمندی فراوان خوانندگان قرار گرفته و در امر پرورش سیاسی و ارتقای سطح آگاهی توده های زن نقش ارزنده و پراهمیتی را ایفا خواهد کرد .

خواندن این کتاب را به همه دوستان ، اعضای س . د . ز . افغانستان و روشندگان وطن توصیه مینماییم .

به امید موافقت های بعدی مولف در زمینه تهیه و نگارش چنین آثار مفید و پر ارزش .

دوکتورانه هیتا راتب زاد
رئیس س . د . ز . افغانستان

فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان بمشارکت یگانه سازمان وسیع و کتلوی زنان جهان

مشخصه عمده جنبش زن رادشرایط کنونی سهم هرچه فعالترآن در پیکارو جنبش عمومی خلقهای جهان بخاطر صلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی تشکیل می‌دهد . این جنبش جزء ارگانیک جبهه وسیع ضد امپریالیستی محسوب می‌گردد و در نبرد عادلانه بخاطر تحکیم صلح ، تشنج زدائی ، خلع سلاح ، دیتانتوتا مین امنیت دسته جمعی خلقها سهم ار زشمندی را دارا می‌باشد .

زیرا زنان جهان بخوبی تشخیص داده اند که در کشور های سرمایه داری و در حال رشد ، تأمین برابری در همه ساحات زندگی و ایجاد شرایط مساعد جهت رشد سالم و همه جانبه کودکان این وارثین آینده بشریت و تامین دو ران سرشار و مسعود کودکی برای آنان باین مبارزه عادلانه پیوند ناگسستنی دارد .

باید متذکر شد که قبل از جنگ دوم جهانی در هیچ کشوری سازمان وسیع توده‌ای دموکراتیک زنان وجود نداشته است .

تنها سازمانهای فیمنستی جداگانه بین‌المللی فعالیت داشتند که بنابر موجودیت وجوه مشترک در حرفه و مسلک ، عقاید مذهبی و مشخصات مشترک دیگر زنان را بسیج می‌ساختند . تعداد چنین سازمانها خیلی محدود بوده عمدتاً تلاش داشتند تا زنان را از مسائل سیاسی و مبارزه خلقها بخاطر آزادی‌های دموکراتیک و مساوات بدور نگه‌دارد . ولی در ایام جنگ دوم جهانی اکثریت این سازمانها منحل گردیدند . زیرا منعکس کننده خواستها و آرمانهای زنان نبودند و از طرف توده های وسیع زنان زحمتکش پشتیبانی نمی‌شدند . وزن و رالی معنوی و سیاسی این سازمانها خیلی ناچیز بود .

در سالهای جنگ دوم جهانی زنان هم‌دوش و هم‌پا با مردان علیه اشغالگران و آدمکشان فاشیست بی‌امان و قهرمانانه جنگیدند . آنان در جنبشهای مقاومت و پارتیزانی نقش ارزنده

را ایفا نمودند. تاریخ جنبش مقاومت ضدفاشیستی نامهای چون دانیل کا زانوا، ژیلبرت، البریخت از کشور فرانسه، مارگریت، فاند، گانا از پو لیند، ایلنا، لی لی، اپستولو از کشور یونان، آده، کیتچوا، پانیک از رومانیه، سمینوا، پیسکوا از کشور بلغاریا، زویا کو سمود یانسکا، لیزا، گرا هوا از کشورشورا هارا برای همیشه با خطزربین در قلب خود حک نموده است.

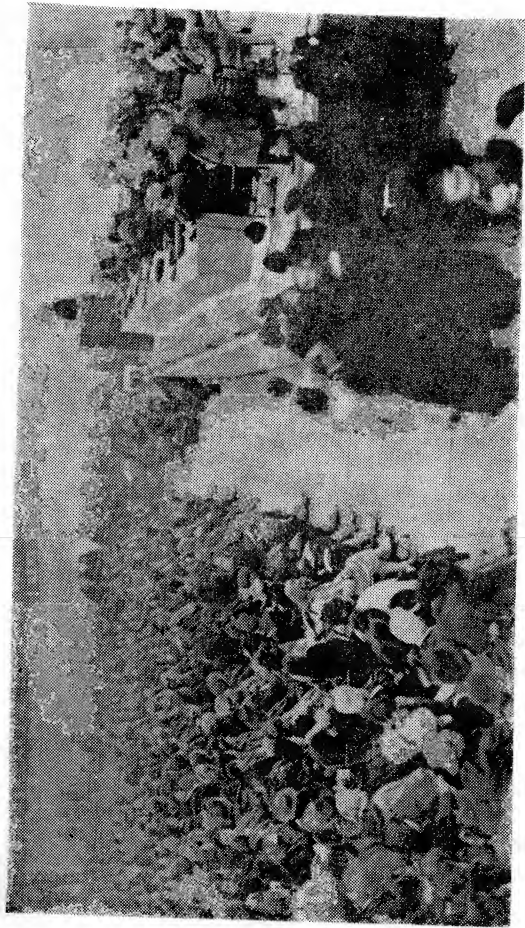
همچنان زنان کشور های آسیائی نیز فعالانه در بیکار مردمی ضد ملیتاریستی و ضد کلونیا لیستی شرکت و رزیده اند. بطور مثال زنان چین علیه اشغالگران جا پانی دست به اسلحه برده و مر دانه جنگیده اند. زنان و یتام علیه استعمار گران فرانسوی و امریکائی، همچنان زنان کو ریاعلیه اشغالگران جاپانی بپاخاسته اند. در پیشاپیش مبارزه ضد فاشیستی زنان جهان بخاطر دمو کراسی و ترقی، زنان کشورشورا ها قرار داشته است. نقش آنان در بیکار پیروز مند و قهر مانه خلق شوروی بخاطر سر کوب فاشیسم هیتلری و ملیتاریزم جاپان سترگ و بی نظیر است.

در اولین میتنگ ضد فاشیستی زنان شوروی که در سپتمبر ۱۹۴۱ دائر گردیده بود، پیام به زنان جهان تصویب گردید. ضمن این پیام زنان شوروی همه زنان جهان را صرف نظر از عقاید سیاسی، مذهبی، مو قف اجتماعی، تعلقات قومی و قبیله ای مخاطب قرار داده از آنان دعوت بعمل آوردند تا در برابر تمدن و سر نوشت بشریت، در برابر آزادی و سر نوشت اطفال شان بی تفاوت نمانند علیه فاشیسم خون آشام هیتلری بی امان بیکار کنند.

مبارزات زنان همزمان با تکامل جنبش رهایی بخش خلقها رشد و توسعه یافته در شراره های آتش جنگ دوم جهانی در کوره های سوزان جنبش مقاومت ضد فاشیستی سازمان های جدید زنان زاییده شدند که توحید و تشکل زنان را در بیکار همگانی علیه اشغالگران خارجی شعار خود قرار دادند.

بعد از در هم شکستن فاشیسم توسط اردوی نجات بخش سرخ شوروی ایجاد سیستم جهانی سوسیالیستی، رشد و نیرومندی جنبش های رهایی بخش ملی خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین نیرومندی و وسعت دامنه جنبش کارگری شرایط مساعد جهت مبارزات بعدی آزادی خواهی و انقلابی خلق های جهان تا مین شد. در چنین شرایطی امکانات جدید و کیفی جهت تحکیم و تشکل سازمانی و وحدت زنان دموکرات کشور های مختلف جهت حل پر اہلیم های جدید پدید آمد.

این اهداف عبارت بودند از: تلاش مشترک زنان دموکرات در مبارزه بخاطر جلو گیری بروز مجدد جنگ و احیای فاشیسم، بخاطر صلح و تحکیم دوستی بین خلقها، بخاطر آزادی، دمو کراسی، برابری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان، بخاطر آ یسنده مسعود کودکان.



نمایی از اولین تنگه تاریخی زنان که بنادینج ۳۶ نوامبر ۱۳۴۵ درپاریس ششایش یافت .

او لین کنگرس جهانی ز نان بتاریخ ۲۶ نوامبر سال ۱۹۴۵ در پاریس کار خویش را آغاز کرد .

شرکت کنندگان این گرد هم آئی باشکوه عمدتاً از سازمانهای نمایندگی می کردند که در آتش و شعله های جنگ در مبارزه علیه فاشیسم هتلری بوجود آمده بودند . در بین آنان چهره های برجسته جنبش انتی فاشیستی مادران ، خواهران و بیوه های قربانیان جنگ امپریالیستی ، کسانی که دوستان ، نزدیکان و عزیزان خویش را از دست داده هستی های ملی شان با پاشنه های جلادان هیتلری لگد مال گردیده بود ، شرکت ورزیده بودند . اشتراک کنندگان کنگرس در برا برشریت تعهد سپردند که بغاطر تحکیم صلح ، پشتیبانی از جنبش های ر هائی بخش ملی و تأمین حقوق مساوی برای زنان و سعادت کودکان ، به پیکار دامنه دار و خستگی ناپذیر دست زنند و از همه زنان جهان دعوت بعمل آوردند تا جهت تحقق این آر مان مقدس بسیج شوند .



اوژنی کوتون شخصیت برجسته اجتماعی فرانسه و اولین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان .

بتاریخ اول د سا مبر ۱۹۴۵ کنگرس سنڌی را بتصویب د سائید که براساس آن فدراسیون دموکراتیک بین المللی ز نان ایجاد گردید . ودر راس آن مبارز آ تشین جنبش مقا و مت ضد فاشیستی ، شخصیت بر جسته اجتماعی نماینده اتحادیه زنان فرانسه اوژنی کوتون برگزیده شد و تا سال ۱۹۶۷ بحیث پریزیدنت فدراسیون ایفای وظیفه نمود . او همه زندگی خویش را وقف مبارزه بغاطر امر صلح ، ترقی اجتماعی نموده و بطور خستگی نا پذیر همه نیرو وائر ژی خویش را سخا و تمندانه در خدمت جنبش دمو کراتیک بین المللی زنان گذاشت .

از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۴ رئیس فدراسیون شخصیت بر جسته اجتماعی کشور فنلند عفو هیئت ر ئیسه شورای صلح جهانی و مبارز استوار جنبش دمو کراتیک بین المللی



هیرته کوسی نین شخصیت بر جسته اجتماعی فنلند ، دومین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان .

زنان هیرته گوسی نین بوده است و از آن تاریخ تا امروز فریده براوون از کشورا طریش ریاست فدراسیون را بهمهله دارد .



فریده براوون سوهمین رئیس فدراسیون دهوگراتیک بین المللی زنان که تاکنون ریاست فدراسیون را بهمهله دارد .

عائیتین مقام فدراسیون کانگرس آن هیاشدکه هر پنج سال یکبار دایر می گردد . کانگرس رئیس فدراسیون را انتخاب و پروگرام فعالیتهای فدراسیون را تصویب نهوده و جهات فعالیت های بعدی آن را تعیین می کند و همچنان شورای اجراییه از طرف کانگرس انتخاب می شود که د فاصله بین دو کانگرس از امور فد را سیون واری می نماید . شورای ر هیری فدراسیون هر دو سال یکبار جلسه می نماید و مشتمل بر نمایندگان همه سازمانهای محلی ز نان است که افتخار عضویت فد راسیون را دارا می باشد .

تصمیم و فیصله های شورا را بورو درعمل پیاده می نماید که مر کب است از :
پریزیدنت، معاونین ، جنرال سکر تر و دیگر اعضا که از طرف شورا انتخاب می گردند.
ارگان اجراییه فدراسیون را دارالانشاء تشکیل میدهد . اعضای دارالانشاء عبادت
انداز : جنرال سکرتر، سکرترها و مسوول مالی .

ارگان نشراتی فدراسیون مجله زنان جهان و بو لتن اطلاعاتی است .
اگر تاریخ مبارزات فد راسیون را و ر ق ز نیم ، یکبار دیگر معتقد خواهیم شد که همه
فسائیت ها و عملکرد این ساز مان در جهت دفاع از منافع ز نان و کودکان و تا مین آینده
صلح آمیز برای آ نان بوده است .

فدراسیون که به ابتکار ساز مانهای مرقی زنان کشور های مختلف ایجاد شده به
اثبات رسانید که مبارزه بغاطر تحکیم مواضع صلح ، آزادی ، دمو کراسی و استقلال
ملی با یکبار بغاطر حل پر ابلم های اجتماعی زنان پیوند نا گسستنی دارد .

از همان بدو تاسیس فد راسیون بطور دوامدار نه تنها بغاطر تا مین حقوق مساوی
برای ز نان مبارزه می نماید بلکه بعد از تحلیل عمیق از وضع زنان و شرایط مشخص
هر کشور ، پروگرامهای عملی و مشخص را در جهت تجهیز و جلب پشتیبانی حلقه
های اجتماعی طرح ریزی می کند .

در طول حیات پر تپش خویش فد راسیون دمو کراتیک بین المللی ز نان توانسته است
توده های ملیونی زن را صرف نظر از وابستگی های نژادی ، لسانی ، ملیت ، عقاید مذهبی
و سیاسی در صفوف خویش بسیج سا زد ، و در وجود آ نان ایمان به فدای صلح آمیز
و عادلانه را ایجاد نموده و زنان را کمک نماید تا جای خویش را در جامعه
و در جنبش خلقها بغاطر صلح ، دمو کراسی و ترقی اجتماعی باز یابند .

در اکتوبر سال جاری جهان شاهد حادثه عظیم و پرا همیتی خواهد بود . هشتمین
کنگره متناوب جهانی زنان در پراگ پایتخت کشور چکو سلواکیا گشایش خواهد یافت.
در آستانه چنین حادثه پرا همیت لازم است تا به پس منظر تاریخی تدویر چنین کنگره
ها بر گردیم ، آ نگاه فعالیت خستگی نا پذیر و بارور فد راسیون دمو کراتیک بین المللی
زنان که همپا با دیگر سازمانهای بین المللی یکی از مبتکرین بر گزاری چنین گرد همایی ها
می باشد ، برو شنی در برابر مان ترسیم خواهد شد .

تدویر کنگره های جهانی زنان نقش با اهمیتی را در تکامل و تعمیق پرو سه جنبش دموکراتیک
جهانی زنان داشته است .

طی این گرد هم آبی ها ز نان از زوایا و نقاط مختلف جهان گرد آمده مسائل مبرم روز
ویر ابلم های حاد جنبش خلقها را بغاطر صلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی ارزیابی مینماید.
این کنگره ها پرو گرام مشخص عملکرد ساز مانهای ملی ز نان کشور های مختلف و

خطوط اساسی فعالیت های آنان را در جهت مبارزه بغاطر تأمین حقوق مساوی بامرد و حمایت مادر و طفل معین میسازد .

چگونه این کنگره ها بوجود آمدند و چه نقشی را در تشکّل توده های زن داشته اند ؟ و بطور فعالیت آنان را در جهت تأمین آینده مسعود برای کودکان و نسلهای آینده مسیر بخشیده اند ؟

در ماه جون ۱۹۴۵ در جریان کار کنگره اتحادیه زنان فرانسه ، مادام اوژنی کوتون رئیس اتحادیه زنان فرانسه ، شخصیت برجسته جامعه فرانسه و جنبش مقاومت ضد فاشیستی ، اندیشه تو حید و تشکّل زنان جهان را در یک سازمان واحد بین المللی مطرح ساخت .

شرکت کنندگان و نمایندگان کنگره و مهمانان از کشورهای اتحاد شوروی ، بریتانیا ، اسپانیا ، بلژیک ، چکوسلوواکیا ، یوگوسلاوی و یوگوسلاوی پشتیبانی خویش را از این پیشنهاد اعلام داشتند و کمیته تدارک و برگزاری اوّلین کنگره جهانی زنان ایجاد گردید که متشکل بود از نمایندگان هشت کشور : فرانسه ، اتحاد شوروی ، انگلستان ، بلژیک ، چین ، چکوسلوواکیا ، یوگوسلاوی و ایتالیا .

طرح تدویر کنگره جهانی زنان و ایجاد فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در بین توده های زنان انعکاس و سیع داشت .

کمیته تدارک و برگزاری اوّلین کنگره جهانی زنان طی سه بار جلسات خویش طرح ساختار تشکیلاتی و برنامه فدراسیون را تدوین نمود .

بتاریخ ۲۶ نوامبر سال ۱۹۴۵ در پاریس اوّلین کنگره جهانی زنان گشایش یافت هشتصد و پنجاه نماینده و مهمان از چهل کشور اروپا ، آسیا ، امریکا لاتین ، استرالیا که از یکصد و هشتاد سازمان ملی زنان کشورهای مختلف نمایندگی می کردند در کار کنگره اشتراک و رزیده بودند .

در سالون دوستی شهر پاریس زنان با رنگهای مختلف ، فرستادگان زنان امریکا ، هندوستان ، چین ، مصر و دیگران حاضر بودند . وبافر یاد طوفانهای خروش صدای میلیونها زن کارگر ، رنجبر ، دانشمند ، داکتر ، زنان خانه ، دادگر ، فروشنده و اهل کسبه را به گوش جهانیان رسانیدند .

اکثر شرکت کنندگان کنگره نشانهای فراوانی که سمبول تقدیر بشریت از شرکت حماسه آفرین آنان در جنبش مقاوم و رهائی بخش ضد فاشیستی است بر سینه داشتند .

اوژنی کوتون رئیس کمیته موقت تدارک و تدویر کنگره جهانی زنان در حالیکه اوّلین کنگره بین المللی زنان را می گشود چنین بیان داشت :

شعله احساس واحدی سرا پای همه ما رامی سو زانده . بیاد آورید قربانیان ما را ،
مجروحین و معیوبین ما را ، آنانی را که سعادت و آینده خویش را جا ویدانه در پای بشریت ریخته
اند .

بیانید دو ستان تابخاطر بزرگدا شت قهرمانی های آنان بپا خیزیم و سکوت
اختیار نمائیم ، بیانید به خون قربانیان راه آزادی بشریت از چنگال فاشیسم سو گند
یاد نمائیم که بخاطر ایجاد و اعمار د نیای جدید و زیبا مانند مشت پولادین یکپارچه
می شویم .

کلیه نمایندگان کنگره از قهرمانیها و حماسه آفرینی های زنان کشور های شان
سخن پرداختند و نقش پر ارج آنان را در شرایط داغ و استوار جبهه ترسیم نمودند .
از زن ، از رزمندگی های او ، از احساس و عشق پر شورش نسبت به کودک و آینده
کودکش ، از نیرو و توانایی او که همپا و همسنگر با مردان موضع دشمن را فرو
ریخته بود سخن در میان بود .

زنان که با قلب فراخ و تحمل مادی بیش از هر کسی دیگر مصیبت جنگ بر شانه
های شان گرانی میکرد شعار شان این بود « اگر سلاح داشته برای تان کفایت
نمی کند ما انواع جدید آنرا در جنگ بیامان بادشمن ، در شیوه های مردن بخاطر زندگی
جستجو خوا هیم کرد . »

در پیکار مرگ و زندگی در مبارزه بخاطر شکستن سنگر فاشیسم این هیو لای ننگین
قرن ما ، زنان کشور های مختلف نمونه های شهادت و فداکاری را بنام انسان و زندگی
ایجاد نمودند .

از کران تا کران ، آنجا در فرانسه و یوگوسلاویا ، پولند و ایتالیا ، دنمارک و سر -
زمین وسیع کشور شوراهای زنان در جنبش مقاومت پار تیزانی فعالانه شرکت داشتند
آنان سلاح پر دوش می جنگیدند ، بارسانیدن آب و نان ، تجهیزات نظامی و اطلاعات دقیق
از پلنهای دشمن ، نجات پراشو تستها و مخفی کردن پار تیزان ها افسانه ها آفریده
اند .

آنگاه که نینا با پوفه رئیس کمیته ضد فاشیستی ز نان شوروی عقب تریبون کنگره
قرار گرفت و واقعیت های افسانوی پیکار و شهادت ، و طنپرستی و رزمجویی ز نان
کشورش را بیان داشت ، همه نمایندگان به پا خاسته و چنین هیجان انگیز کف زدنهای شان احترام بزرگی
را در برابر زنان قهرمان شوروی افاده می نمود .

نینا با پوفه مثالهای فراوانی از دلاوری و شجاعت ز نان شوروی را در شرایط جبهه
و در عقب آن یاد آور گردید .

او از انا پولوا دختر جوان لنینگرادی سخن زد که در نبرد د شوارو یا روی با
دشمن مجهز و کثیر العده شرکت ورزیده بود .

وقتی فر ما ندار قوا مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت ، انا در پیشاپیش سپاهیان قرار گرفته آنرا بعقب خویش تا فتح و غلبه بردشمن گشاند . ولی قلب آکنده از عشق او نسبت به مادر و طنش نشستگاه گلوله دشمن شد و از طیش ماند . در یاد داشت های که از انا بجا مانده نوشته شده است :

« من به سرنوشت میهنم همواره می اندیشم ، تو گوئی که من و سر زمین موجود واحدی هستیم . سعادت و تبسم خویش را در سعادت و ظنم جستجو دارم ، آنگاه که صدای نفرین شده گلوله گوشم را می خراشد و یا نازیبا کا خپا و خانه های لیننگراد را ویران می کنند ، چنین می پندارم که گویا قلبم را نشان قرار داده اند و فریاد و جدانم را می شنوم که میگوید جسور و صادق باش و یکجا با سپاهیان و طن برزم . »

این کلمات ساده و لی با عظمت احساس وارده میلیونها زن شوروی را تجلی می دهد . شرکت کنندگان کنگره مسائل پر اهمیت و در دستور روز حیات زنان را اوزیابی نمودند و در برابر جهانیان تعهد سپردند که علیه فاشیسم ، بغاطر صلح و مدار و دموکراسی تاپای جان می رزمند و به آرمان های زنان و کودکان جهان و فادار اند و خواهند بود ، بغاطر تا مین مساوات زن با مرد در همه عرصه ها و ایجاد شرایط لازم جهت رشد همه جانبه کودکان مبارزه می کنند .

در فضای کنگره همه نداها با هم آمیخته و غرش توانمندی واحدی را بوجود آورده بود که بیانگر حکم و جدان شرکت کنندگان اینهم آیش بزرگ بود .

آنرا عشق و احساس واحدی بهم جوشیده بود ، نوای همگون قلب مادر و احساس نیرومند مادرانه . این است زبان مشترک و سلیس زنان جهان که بوسیله آن صرف نظر از تفاوت های رنگ ، پوست و فاصله های جغرافیایی ، عقاید مذهبی ، سیاسی و لسانی همدیگر را عمیقاً درک می کنند .

تأمین سعادت کودکان و آینده درخشان برای آنان انگیزه توانایی بود که زنان را از کرانه های دور دست به پاریس فراخوانده بود .

از تریبون اولین کنگره جهانی زنان سخنرانی های پر محبت ، صمیمانه و عینی در باره مسئله کودک و حل نهایی آن صورت گرفت ، از رنجها و مصیبت های کودکان از زنده بگور شدن و سرازیر شدن شان به کوره های آدم سوزی فاشیسم سخن بمیان آمد .

نمایندگان کنگره فاکتها وار قاطعانه به پیش کشیدند که نمونه های روشنی از تحقیق ، شکنجه و محرومیت اطفال بوده است .

در پیام کنگره خطاب به زنان جهان آمده است تا زنان سراسر جهان همه نیروی خویش را در جهت دفاع از صلح ، دموکراسی و علیه وحشت استعمار تجهیز نمایند .

کنگره در برابر سازمانهای دموکراتیک ملی زنان کشورهای مختلف جهان و نظیفه گذاشت تا بخاطر رسیدن بحقوق مساوی ، حق تحصیل ، حق کار ، استراحت ، کسپدست-مزد مساوی در برابر کار مساوی بامرد وحق استفاده از بیمه های اجتماعی و تقاعد، حق استفاده از شبکه های خدمات اجتماعی بطور دوامدار و بی امان بپرزمنند .
 قطعنامه در بارهٔ پرابلم های کودکان جای محوری را در جمع اسناد کنگره دارا می باشد .

اجتماع کنندگان اولین کنگره جهان نیز زنان تعهد سپردند تا بخاطر ایجاد فضای مساعد جهت رشد همه جانبه اطفال، دموکراتیزه ساختن سیستم آموزشی ، تامین امکان تحصیلات مجانی در تمام کشورهای هارشد و انکشاف تحصیلات عمومی و مسلکی ایجاد شبکه های خدمات برای اطفال قبل از سنین مکتب بطور خستگی ناپذیر مبارزه کنند .

بتاریخ اول دسامبر سال ۱۹۵۴ در آخرین روز کار کنگره اساننامه فد راسیون دمو - کراتیک بین المللی زنان به اتفاق آراء تصویب گردید . اوژنی گو تون دانشمند و فزیکدان ، شخصیت برجسته جنبش مقاومت ضد فاشیستی ، چهره شناخته شده جامعه فرانسه به حیث اولین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان برگزیده شد . او حیات خویش را وقف سعادت زنان و مبارزه بخاطر آینده مسعود کودکان نمود . و میری کلاودیو یان شخصیت محبوب «حزب کمونیست فرانسه عضو فعال جنبش مقاومت ضد فاشیستی که در شکنجه گاههای آشویتس و راونسبورگ مدت ها محبوس بود بحیث سکرتر جنرال فدراسیون انتخاب گردید .

ترکیب و زین و مترقی فد راسیون که در چهره سازمانهای ملی زنان کشورهای مختلف تجلی داشت ، افاده گر ماهیت عمیقاً مترقی و دموکراتیک سازمان جدید التاسیس جهانی زنان بود .

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان از همان آغاز موجودیت خویش انعکاس دهندهٔ راستین خواست ها و آرزوهای توده های گستردهٔ زنان بوده و ندای صلح خواهی زنان را بگوشه ها رسانیده است ، زیرا سرازین بمثابة مادر بیش از هر کسی دیگر تشنهٔ صلح است . این گرایش پر ارج و مقدس از عشق او نسبت به کودک خودش و دیگر نوهان بشریت سرچشمه می گیرد .

زنان معتقدند که صلح و آرامش گرانی مطمئن تا مین برابری زن با مرد ، سعادت کانون خانواده و دوران پر تبسم کودکی محسوب می گردد .

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان بمثابة حامل احساسات و خواست زنان حیثیت فاکتور موثر را در ایجاد مناسبات همکاری و تشریک مساعی بین سازمانهای مختلف بین المللی و ملی دارا است .

سه سال بعد از کنگره مؤسس در ماه دسامبر سال ۱۹۴۸ دومین گرد هم آیی جهانی ز نان در شهر بو دا پست دایر گردید.

در کنگره دوم جهانی ز نان نمایندگان ۳۸ کشور جهان شرکت داشت . در جریان کار این گرد هم آیی بزرگ فرستادگان زنان از مسائل بفرنج جنبش دمو گرا تیک بین المللی زنان ، تعمیق و رشد بعدی آن در کشور های آ سیائی و آفریقائی و امریکای لاتین پرابلم های کودکان ، وظایف زنان در مبارزه بخاطر صلح ، دمو کراسی و ترقی اجتماعی سخن زدند .

طنین نیرو مند ندای زنان که خوا ستار بهبود شرایط زندگی و کارزن ، تصویب قانون کار ، در یافت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی بودند ، فضای قاره هاراملو ساخته بود . کنگره ز نان را به مبارزه جهت تحکیم صفوف فشرده جنبش دموکراتیک زنان در کشور های آ سیائی و آفریقائی فرا خواند .

زنان کشور های مختلف در شرایطی گردآمده بودند که فضای بین المللی متشنج و مختنق گردیده ، امپریالیزم با زبان جنگ سرد ، ایجاد بلاکهای نظامی تجاوز کار ، پایگاه های متعدد ، احیای ملیتاریزم آلمان وده ها عمل شیطننت آ میز دیگر صلح جهانی را تهدید می کرد .

فریاد خشم و نفرت بین زنان علیه جنگ افروزان و نظا میگران درمانیست صلح مصوب این کنگره مظهر یافت . در سند آمده است : « هنوز ز خمهای سر نیزه های زهر آ گین و مرگ زای فاشییزم در قلبهاتازه است . شهر های ویران شده در جنگ هنوز مغروبه اند و لی سر دمداران معا صرحلقه های نظامیگر ونمایندگان سرمایه های بزرگ در ایالات متحده امریکا و انگلستان خیال افروختن جنگ جدید جهانی را درس می پروراندند و می خواهند خلقها را در فاجعه نظامی و هشتناک بگشانند ، آ نان بشریت را با سلاح و حشیانه تجاوز یعنی بمب جهنمی ذروی تهدید می نمایند . »

مانیفست زنان را به دفاع فعال از مواضع صلح طلبید .

زنان جهان !

تاریخ ، بشریت و خلقهای مان مسوولیت عظیمی را بر دوش ما گذاشته است . یبائید در مبارزه بنام صلح ، امنیت ، دموکراسی و استقلال ملی ، برای خو شبختی و آ یسنده مسعود کودکان ما صفوف خویش را فشرده تر و آراسته تر سازیم .

اگر تمامی ز نان یعنی نیمه بشریت در نبرد علیه جنگ و نیستی بسیج شو ند جنگی نخوا هد بود .

نیروی ما بسیار عظیم است ، تلاش متحدانه ما بخاطر صلح ، دمو کراسی و زندگی بهتر بسوی قله های شامخ پیروزی راه گشای مان خواهد بود .

این سندپیر بها پلان مشخص و عملی‌رادربرایر زنان بغاطر پاسداری از صلح قرار داد .

اجتماع بو دا پست مسیر فعالیت وپیکارزنان جهان را تعیین و مشخص ساخت .
درسال ۱۹۵۳ جهان شاهد حادثه پراهمیت دیگری بسود . کنگره گوپتها گن مرحله
نوین کیفی در امر استحکام ونیرومندی جنبشداشت انعکاس گر آرمان ها و خواستهای
حقوق مساوی بحساب میرود .

دوهار فرستاده زنان هفتاد کشور جهان و همچنان نمایندگان ده سازمان بین المللی
در کار این کنگره اشتراك داشتند ودر جریان کار پر نور خویش سند پر بهای را تصویب
نمودند . این سند که اعلامیه حقوق زن نام داشت انعکاس گر آرمان ها و خواستهای
دیرینه زنان بوده ودر شرایط امروزی اهمیت خودرا حفظ نهوده است .

در اعلامیه آمده است که :

«کلیه زنان صرف نظر از تعلقات نژادی، ملی و موقع اجتماعی باید از حقوق ذیل
برخوردار باشند :

- حق تضمین شده کار .
- حق انتخاب آزاد حرفه و مسلک .
- حق اشتغال در تمام ساحات اجتماعی و اداری .
- حق دریافت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی .
- حق مساوی استفاده از بیمه های اجتماعی .
- تضمین حق دریافت دستمزد برای زنان دهقان .
- حمایه از مادران و کودکان، حق مسئولیت کار .
- حق تحصیل، منجمله تحصیل مسلکی .
- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در تمامی ارگانهای رهبری جامعه بدون تبعیض .
- حق ایجاد و فعالیت آزاد سازمانهای دموکراتیک زنان و اشتراك در دیگر سازمانهای دموکراتیک .
- حق داشتن زمین و استفاده کردن از آن برای زنان دهقان .
- حقوق مساوی مدنی با مردان در ارتباط با ازدواج ، اطفال و میراث .

شرکت کنندگان کنگره با تصویب پیام به زنان جهان آنان را صرف نظر از عقاید سیاسی و مذهبی به مبارزه بی امان جهت تحقق این اهداف فرا خواندند .



نمایی از سومین کنگره زنان منعقد در کوپنهاگن .

سومین کنگره جهانی زنان مرحلهٔ پرازشی در شکل و بسیج جنبش دموکراتیک زنان و گسترش روابط آن با سازمانهای مختلف زنان بحساب میرود ، وافقیهای وسیعی را در برابر سازمانهای عضو فدراسیون در کار و پیکارشان بخاطر تحقق آرزو ها وآرمانهای زنان گشود .

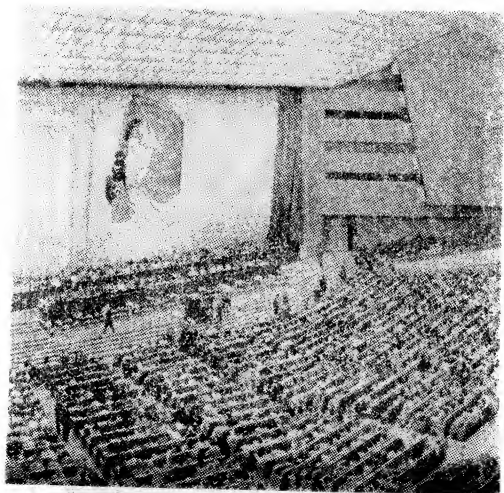
بعد از این کنگره در یکده کشور های جهان سازمانهای ملی تازه زنان ایجاد گردید بهر حال در ژبلاند جدید، پرتغال، ژاپن، افریقای جنوبی، هندوستان و دیگر کشور ها . فدراسیون زنان هند که ۳۲ سازمان محلی زنان را در بر میگرفت واجتماع زنان ژاپن که در آن چپل سازمان زنان متشکل شده بود با عرصه وجود گذاشتند . این کنگره موج جنبش دموکراتیک زنان کشورهای امریکای لاتین و افریقا را خروشان تر گردانید .

چهارمین کنگره زنان جهان منعقد و یانا در سال ۱۹۵۸ نتایج کار فدراسیون رادر ارتباط باحل مسأله زن، تأمین تساوی حقوق زنان ، نقش آنان در پیشبرد امور اقتصادی، سیاسی فرهنگی واجتماعی مورد ارزیابی قرار داد .

اشتراک کنندگان ، گزارش فعالیتها و عمل کرد فدراسیون راطی پنج سال بعداز کنگره سوم استماع نموده ، مشی فدراسیون رابرای پنج سال آینده تصویب کردند .

نمایندگان زنان هشتاد کشور جهان درویاناگردهم آمده، برابلم ها وپیروزیهای پیکار زنان را بخاطر تأمین حقوق و آزادی هایشان جمع بندی نمودند .

مانیفست این کنگره که انعکاس دهنده مطالبات وآرزو های پایمال شده زنان بسود تقاضا داشت تا بمقام زن بمثابة مادر موجودزحمتمکش و پرورنده نسلهای انسان احترام شود وامکانات همه جانبه تأمین گردد تا زن بتواند وظایف مادری خویش را با سهولتتری فعال در حیات اجتماعی مؤفقاانه تلفیق نماید.



در کنگره منعقد مسکو بیش از دو هزارنماینده از ۱۱۳ کشور اشتراک داشتند .

در ماه جون سال ۱۹۶۳ شمیر قهرمان مسکو، پایتخت کشور شورای دو هزار نماینده و فرستاده ۱۸۰ سازمان ملی زنان ۱۱۳ کشور را به آغوش پذیرفت .
 نمایش عظیم و تاریخی مسکو افاده گر نیرومندی موج خروشنده جنبش دموکراتیک زنان بوده و گسترش صفوف روینده آرایکبار دیگر به اثبات رسانید .
 جلسه وسیع مسکو به اشتراک سازمانهای بااوتوریته بین المللی دایر گردیده و روی مسائل ذیل شور و بحث بعمل آمد :

- نقش فدراسیون در مبارزه همگانی خلقهای جهان بخاطر صلح و تحکیم استقلال ملی .
- نتایج کار در جهت تأمین حقوق مساوی برای زنان و سعادت کودکان .
- وضع زنان در جامعه و خانواده .
- سهم زنان در نبرد بخاطر تأمین صلح ، خلع سلاح همگانی و تعمیق پیوند های دوستی بین خلقها .



آرم کنگره مسکو

- شرکت زنان در امر مبارزه بخاطر تحکیم استقلال ملی .
- پرابلم های صحت و بهداشتی، تعلیم و تربیه اطفال و نوجوانان در کشور های مختلف،
مسایل مورد بحث کنگره حادثترین پرابلم های حیات زنان رادر بر میگرفت و بهمین
علت توجه بزرگ جهانیان به کنگره مسکوجلب گردیده بود .

اوژنی کوتون ضمن سخنرانی خود در برابر نمایندگان کنگره متذکر شد که :
«مسیر عمده کار و پیکارمان همانا مسیری قلبی یعنی تلاش برای ایجاد يك خانواده
بزرگ جهانی زنان است که در آغوش این خانواده بزرگ هر زن پشتیبانی و همبستگی
نیرومند زنان رادر کار و پیکار خویش در جهت حل مسأله زن باگوش و پوست خویش لمس
نماید ...»

کنگره رسالت عظیم دفاع از صلح، پیکار بخاطر خلع سلاح عام و تام را وظیفه مقدس
هر زن و هر مادر خواند .

اوژنی کوتون در سخنرانی خود ابراز داشت که آیا مادری میتواند با مرگ و نابودی دسته
چهمی انسانها که نتیجه تصادم اتمی خواهد بود موافقت نماید ؟
ما حق نداریم که آرام گیریم و وظایف خویش را انجام شده پنداریم، امروز دوتلث
کودکان جهان بطور دایمی گرسنه اند . نصف اطفال جهان از تشنگی عقب میز مکتسب
معروم اند و حتی در کشور های پیشرفته سرمایه داری برای اطفال امکانات لازم تحصیل
ابتدایی، مسلکی و عالی وجود ندارد .

آیا با این حالت که در اکثر کشور ها ی غربی اطفال دهقانان و کارگران به مکتب و
تحصیل دسترسی ندارند میتوان آشتی کرد ؟

۶۳۴ - نماینده در بخشهای مختلف کار کنگره شرکت ورزیده و ضمن ارزیابی و تحلیل عمیق
وضع زن در کشور های شان باین نتیجه رسیدند که تنها نظم سوسیالیستی قادر به
حل مسأله زن است . آزادی های مندرج در قانونهای بورژوایی عوامفریبی بیش نیست .
نمایندگان کشور های نوبه استقلال رسیده و وابسته طرح جمع شدن گلیم بورژوایی را از
کشور های شان داشتند .

فریاد خشم آنان در فضای کنگره چنین طنین انداز گردید که دست امپریالیزم از سر-
زمینهای ما کوتاه !

با بقایای تاثیرات نظام سرمایه داری ، خرافات، سنن و عادات پوسیده باید مقاطعه
کرد !

والیانتینا ترشکوا اولین زن فضا نورد جهان خاص کنگره بود .
کنگره مسکو این امکان را میسر گردانید تا سازمانهای زنان اروپا، امریکا، استرالیا و
کانادا محق ضرورت پشتیبانی از جنبش دهایی بخش خلقها رادرک نمایند .

نشی سازمانهای زنان در پروسه همگانی اعراض علیه جنگ امریکا با ویتنام و خطر تجاوز علیه کیوبا بطور بی سابقه ارتقاء یافت. زنان امریکا، کانادا، استرالیا، زیلاند جدید، انگلستان، فرانسه، سوئیس، سوئدن و دیگر کشورها کمپاین های احتجاجیه را بغاطر محکوم کردن جنایات و آدم کشی های امریکادر ویتنام و تحریکات آن علیه انقلاب کیوبا تعلیم نمودند.

کنگره جهانی زنان منعقد هلسنکی که در سال ۱۹۶۵ گشایش یافت حادثه پر بهایی در تاریخ نکاه جنبش دموکراتیک بین المللی زنان محسوب میگردد.

آن نمایندگان زنان ۹۳ کشور جهان که وسیع جهانی را بخود معطوف داشته و درکار جریان کار این کنگره توجه حلقه های فرستادگان ۱۲۰ سازمان ملی بودند اشتراک ورزیده بودند. هم چنان هیأت نمایندگی ۲۷ سازمان بین المللی در کار کنگره شرکت داشتند.

کنگره گزارشاتی در ارتباط با مسایل نقش زن در مرحله کنونی، زن و خانواده، زن و کار، زن و جامعه را استماع نمود. مسأله معوری کار کنگره را ارتقای نقش زنان در جنبش نجات بخش ملی و منجمله همبستگی با مبارزه عاقلانه زنان ویتنام تشکیل میداد.

فن تخی آن عضو بوروی اتحادیه زنان ویتنام و نماینده اسامبله ملی جمهوری دموکراتیک ویتنام به نمایندگی از زنان قهرمان و آزاده ویتنام عقب تریبون پر اعتبار کنگره قرار گرفت. او از رزمها و حماسه های زنان ویتنام، از شهادت و بی هراسی آنان از آشتی ناپذیری شان بادشمن اشغالگر حکایت کرد.

فن تخی آن از زنانی سخن زد که اکثریت برزرگران را تشکیل داده در یک دست گاو آهن و اسپیار و در دست دیگر تفنگ داشتند.

بغاطر نجات از مرمی های ماشیندارها و خریطه های حامل مرگ طیارات بمب افکن امریکایی که معمولاً روز عملیات میکردند، زنان زحمتکش ویتنام شب هنگام در تاریکی به مزارع رفته و برای جنگ آوران ویتنامی آذوقه تهیه میدیدند، از شالیزارها و باغها مراقبت مینمودند. دختران جوان خدمت در صفوف ارتش را با کار دهقانی تلفیق میکردند. وقتیکه نماینده زنان ویتنام جنوبی معاون رئیس اتحادیه زنان برای نجات ویتنام جنوبی نگوین تخی بین آغاز کلام نمود، اشتراک کنندگان کنگره با کف زدنهای پر شور همبستگی و پشتیبانی قاطع خویش را از مبارزات آزادی بخش خلق و منجمله زنان بلا کشیده و ویتنام در برابر تجاوزگران امریکایی ابراز نمودند.

بیانات نویسنده پولیندی مونیکا و ارنیست کایاکه چکیده ای از واقعیت های زندگی مردم ویتنام بود بالای حضار تاثیر ویژه برجست داشت. او که مدت شش ماه در جبهات داغ ویتنام به صفت ژورنالیست ایفای وظیفه میکرد بیان داشت ... «سیمای شجاع لی تخی»

ریشه زن قهرمان ویتنام برای ابد به خاطر نقش بسته است . او را پولیس سایگون
 زاجوانه‌رودانه و وحشیانه بخون کشید . آرامگاه سوراخ آهوزگاریکه هنگام تدریس مرمی دشمن
 سینه اش را شکافت هواره در برابر دیدگانم است . او هنگام هجوم دشمن به آموزشگاه
 اطفال را در آغوش کشیده و میخواست سینه خویش را سپر تیر دشمن نماید . من کتابچه
 های سوراخ سوراخ از رد های گلوله، لباسهای طفلانه آغشته بخون اطفالی رادیده‌ام
 که قربانی وحشیگری گردانندگان انحصارات بزرگ شده اند . صدای مادران آنها را میشنوم
 که با اشکهای خونین بر گونه ها و چشمان پر برق چون پلنگ زخمی ازمن می طلبیدند
 پافریاد خشم و نفرت شان رابه گوشه‌پارسانم . در قطعه‌نامه کنگره از زنان جهان دعوت بعمل
 آمد تا در که‌پاین وسیع، تظاهرات و میتینگها بروز ۲۰ جون که سالگرد عقد قرارداد ژنیو
 میباشد هرچه گسترده تر و فعال تر اشتراک ورزند . و فیصله بعمل آمد تا وسایل جهت
 اعمار یک مرکز حمایه طفل و مادر در هانوی که سمبول همبستگی زنان تمام کشور ها با
 زنان و خلق ویتنام در مبارزه شان بغاطر آزادی، صلح و عدالت اجتماعی بحساب میرود
 جمع آوری شود .

نتایج بحث و تحلیل وسیع در باره وضع زنان در جامعه و خانواده در سند اساسی
 کنگره انعکاس یافت که تحت نام پیام به زنان جهان بغاطر اشتراک مساعی شان در جهت
 تأمین حقوق زنان به تصویب رسید .

این سند بیانگر مطالبات زنان در ساحات سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی بود و حاوی
 رهنمود های عملی و مشخص در باره فعالیت های سازمان های ملی و بین المللی زنان در مبارزه
 بغاطر تأمین حقوق مساوی برای زنان با در نظر داشت وضع زنان در جوامع مختلف
 میباشد .

کنگره ضرورت همکاری با دیگر سازمان ها از جمله اتحادیه های کارگری را تاکید نموده
 و اعلام داشت که مبارزه برای تساوی حقوق زنان جزء متشکله مبارزه عموم خلقها بغاطر
 هوکراسی و ترقی اجتماعی بشمار میرود . برابریم های زنان جزء برابریم های زحمتمندان
 است و به حل آن کلیه زحمتمندان جهان علاقمند اند .

بدین منوال نمایندگان کنگره نگرانی و تشویش خویش را در قبال بغرنج شدن اوضاع
 جهانی و دستبرد زدن امپریالیزم بر آزادی و استقلال ملت ها ابراز داشتند و توجه جهانیان
 رابه حادث ترین برابریم های جهان در آزمان قطع تجاوزات امریکا در ویتنام ، وضع د ر
 شرق میانه و پشتیبانی از مبارزات خلق عرب فلسطین ، استحكام پروسه امنیت اروپایی،
 پشتیبانی از مبارزات خلق های افریقا بغاطر استقلال ملی علیه راسیزم جلب نمودند .

در این پیام از کلیه زنان، تمامی مادران و زحمتمندان جهان برای ایجاد حسبه واحد
 ضد امپریالیستی دعوت بعمل آمده است .



اشتراک کنندگان هم آتش بزرگ مسکوت‌قاف‌های اخراج پایگاه‌های نظامی در خارج
 قلمرو کشورها را مطالبه نموده و پشتیبانی قاطع خویش را از پیشنهاد آغاز مذاکرات بخاطر
 خلع سلاح عمومی و امضای موافقت نامه راجعه به منع انتشار سلاح ذروی ابراز داشتند .

آخرین کنگره جهانی زنان از تاریخ ۲۰-۲۴ اکتوبر ۱۹۷۵ در شهر برلین برقرار
 گردید .

انگیزه تدویر این کنگره بزرگداشت ازسال بین المللی زن بود .



گردهم آیی برلین که تحت شعار صلح، مساوات و انکشاف جلسات خود را افتتاح کرد .

نمایندگان و مهمانان این هم آتش باشکوه یکبار دیگر ضرورت تجهیز نیرو های خویش
 را در مبارزه بخاطر تحکیم مواضع صلح، دموکراسی، و تأمین حقوق زنان و تشکل کلیه
 نیرو های اجتماعی صرف نظر از عقاید سیاسی و مذهبی شان بخاطر تحقق این آرمانها تاکید
 نمودند .

پیشنهاد ات مشخصی جهت ارتقای نقش زنان درین مبارزه برحق مطرح گردید .

در کار کنگره ۱۹۵۲ نماینده و مهمان به نمایندگی از سازمانهای زنان از ۱۴۱ کشور و فرستادگان ۲۸ سازمان بین‌المللی و منطقوی، هشت سازمان مذهبی و هشت موسسه اختصاصی سازمان ملل متحد شرکت داشتند .

اجتماع جهانی زنان متعدد برلین طی جلسات پلیناروکهسیونهای اختصاصی مسایل ذیل را مورد مطالعه قرار داد :

- تساوی حقوق زن در جامعه .

- زن و کار .

- زن و خانواده و جامعه .

- پراپلم های مربوط به تحصیل زنان .

- مسایل بیسودی در بین زنان .

- نقش زنان در مبارزه بخاطر صلح، خلع سلاح، استقلال ملی و همبستگی بین المللی به آدرس کنگره ۹۰۰ پیام شادباش و تنبیت از شخصیت های ملی و دولتی کشور های مختلف و از سازمانهای ملی و بین المللی مغایره شده بود .

مرد هم آیی برلین تحت شعار صلح، مساوات و انکشاف کار خویش را آغاز نمود .

فربده براون رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در گزارش خویش به کنگره متذکر گردید که : «اعلام سال ۱۹۷۵ به مثابه سال بین المللی زن مظهر عالی از احترام بشریت به مقام و ایالات زن است و از دول جهان تقاضا دارد تا در ارتباط باوضع تبعیض در برابر زنان، وحل مساله زن بطور دقیق تدابیر عملی مشخصی را اتخاذ نمایند .»

بیش از ثلث نفوس شاغل دنیا را زنان تشکیل میدهند ۴۶ فیصد زنان از سنین ۱۵-۶۴ سالگی در ساحات تولیدی مصروف اند . فیصدی زنان شاغل در تمام کشور هاهمگون نیست .

بطور مثال در امریکای لاتین این رقم به ۲۰ فیصد میرسد ، در افریقا و آسیا تقریباً به ۳۰ فیصد ، در اروپا و امریکای شمالی ۳۵ فیصد را تشکیل میدهد .

بزرگترین رقم فیصدی زنان شاغل در کشور های سوسیالیستی است . اکثریت زنان در کشور های مستعمره ، نوبه استقلال رسیده و کاپیتالیستی محروم امکانات کسب تحصیل مسلکی اند . آنان در بدل کار های ثقیل و دشوار که متن دستمزد را نصیب می گردند . خطر اخراج از کار بیش از هر کسی دیگری زنان را درین جوامع تهدید میکند .

در اکثریت این کشور ها سهم زنان در امور تولید اجتماعی نمیتواند با وظایف شان در درون خانواده درست تلفیق گردد . پراپلم عمده بسیاری ازین کشور ها را عدم موجودیت و یا کمبود شبکه های خدمات برای اطفال تشکیل میدهد .

فیصدی بیسوادى در بين زنان سرسام کننده است . بطور مثال اين رقم در کشور های افریقایى به هشتاد فیصد، در کشورهای آسیایى به پنجاه فیصد و در امریکای لاتین به ۲۷ فیصد میرسد . از همینجاست که زنان باید پیکار عادلانه شان را بخاطر کسب حقوق مساوى با مرد و تغییر از ریشه نظم ظالمانه فعلی در اکثریت کشورهایتشدید بخشید.

فریده براون از عقب تریون پرچال کنگره هفتم بابانگ رسا اعلام داشت که مبارزه بخاطر تساوى حقوق زنان جزء متشکله جنبش خلقها بخاطر استقلال ملی ، دموکراسى و صلح بوده و با آن پیوند ارگانیک دارد . ندای همبستگی بانیرهائى صلح دوست و همه آنانیکه در جهت تحکیم ثبات اوضاع در شرق میانه، تأمین حاکمیت جمهوری قبرس، علیه خونثای چیلی ، دیکتاتوری اسپانیا و بر تگال می رزمند در فضای کنگره طنین انداز بود. طرح پیشنهادی کنگره در ارتباط با تدوین کنفرانس جهانی خلق صلح به سازمان ملل متحد پیش کش شد .

نتایج کار پر ثمر این هم آیش بزرگ زنان در دو سمند برپا جمع بندی گردید:

پیام به پارلمانها و حکومتهاى جهان و پیام به زنان سراسر جهان . کنگره برلین فاکتور نیرومندی در توسعه صفوف جنبش دموکراتیک بین المللی زنان محسوب میگردد .

فریده براون رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان تدویر کنگره را حادثه پر - اهمیت تاریخی ارزیابی نموده و بیان داشت که این نمایش بزرگ افاده گر نیروی عظیم زنان در مبارزه مشترک بخاطر صلح، آزادی و استقلال خلقها میباشد .

از تاریخ ۸-۱۳ اکتوبر ۱۹۸۱ در پراگ پایتخت چکوسلواکیا کنگره سرتاسری زنان که یکی از مهمترین حوادث در جنبش بین المللی زنان است گشایش خواهد یافت. این کنگره به ابتکار فدراسیون بین المللی زنان سازمان یافته است . پیشنهاد در باره تدویر آن در جلسه بیروی فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان که از ۹ تا ۱۱ اپریل سال ۱۹۸۰ در برلین دایر شده بود مطرح گردید و اشتراك کنندگان بیرو از یمن پیشنهاد استقبال نمودند .

درین جلسه تصمیم گرفته شد تا کنگره تحت شعار برابری - استقلال ملی و صلح تدویر یابد . اهداف کنگره سرتاسری زنان در «پیام به زنان جهان» که در ماه اپریل هنگام تدویر جلسه بیروی فدراسیون تأیید گردید ، انعکاس یافت . درین پیام گفته میشود : به تشدید فعالیت سازمانهای ملی زنان، تحکیم و توسعه نفوذ آنها و همچنان توسعه همکاری با نیرو های که در راه حقوق زنان مبارزه مینمایند باید مساعدت نمود .

در کار کنگره یکپزار نماینده و مهمان از تمام کشور های جهان اشتراك خواهند کرد . در جلسات کمیسیون ها و پلینوم ها و پروبلهائى ذیل مورد بحث قرار خواهد گرفت :

- مبارزه زنان در راه صلح و خلع سلاح .

- زنان و مبارزه برای استقلال ملی و ترقی .

- تساوی حقوق زنان در جامعه .

- پروبله‌های زنان زحمتکش از آن جمله زنان دهقان .

- زن و خانواده .

- همکاری سازمانهای زنان با موسسه ملل متحد و موسسات اختصاصی آن .

در جریان کنگره سخنرانی های در باره موفقیت های زنان در کشورهای سوسیالیستی، مبارزه زنان کشور های سرمایه داری ، پروبله های زنان کشور های در حال رشد و کشور های نوبه استقلال رسیده ایراد خواهد شد و همچنان سخنرانی های از جانب زنان کشور های که علیه استعمار و بغا طر استقلال ملی می رزمند ایراد خواهد گردید .

توده های وسیع زنان در امر تدارك کنگره سهم می گیرند . در عده ای از کشور ها کمیته های ملی تاسیس میشود . بنیاد فعالیت شان آن مرام به حساب میرود که در سال ۱۹۸۰ در کینشاس در کنگرانس سرتاسری درچوگات دهه زنان به تصویب رسیده بود . کمیته های ملی به بخش معلومات درباره کنگره مساعدت مینمایند . سازمانهای ملی تشکیل شده یکجا بادیگر سازمانهای مترقی فعالیت میکنند . این کمیته های ملی ، کنگرانسها ، سیمینار ها ملاقات زنان را در سطح ملی تشکیل میدهند و در جریان این ملاقات ها موضوعات و اهداف کنگره سرتاسری را مورد بحث قرار میدهند .

برای پشتیبانی اقتصادی از کنگره صندوقی ملی ایجاد میشود .

در ۱۸ مارچ سالجاری در بوداپست جلسه مشورتی سازمانهای بین المللی و منطقوی دایر شد . اشتراک کنندگان این جلسه درمورد پرابلمهای موجوده تدارك کنگره مشوره کردند و تصمیم اتخاذ نمودند که گروههای کاراسنادی را به حیث مواد اساسی برای جرو بحث تهیه نمایند . در طی این ملاقات مشورتی «انگبارگت گرید» نماینده مرکز مسایل اجتماعی و انسانی موسسه ملل متحد اظهار کرد که موسسه ملل متحد از پیشنهاد فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در باره تنویر کنگره جهانی زنان پشتیبانی میکند و در امر تدارك و تدویر آن کمک خواهد نمود .

درین ملاقات مشورتی ۱۷ سازمان بین المللی غیر دولتی و چار موسسه جداگانه موسسه ملل متحد حصه گرفتند که ذیلا اسمای شان ذکر میگردد :

- شورای بین المللی صلح .

- فدراسیون بین المللی اتحادیه های صغی .

- سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا .

- لیگ بین المللی زنان برای صلح و آزادی .

- سازمان سرتاسری زنان افریقا .
 - کنفرانس کاتولیک های مهر و پاهی در برلین .
 - شورای بین المللی زنان .
 - فدراسیون بین المللی پلان گذاری خانواده .
 - فدراسیون سرتاسری جوانان دموکرات .
 - موسسه ملل متحد، سازمان بین المللی کار، یونسکو و غیره .
- کنگره جهانی زنان به شکل دموکراتیک دایر خواهد گردید . مواد برای کار آن در جلسات گروه های کار که در آن نمایندگان سازمان های بین المللی و ملی شرکت می نمایند ترتیب و مورد بحث قرار خواهد گرفت . این گروه ها برای آنکه بتوانند با مسائل زنان در سرتاسر جهان آشنا گردند بر اساس قاره های مختلف سازمان یافته اند . در ماه اپریل در دهللی اولین جلسه گروه کار دایر شده که در آن اسناد کار کنگره به عنوانی زنان جهان در مبارزه برای صلح برضد مسابقات تسلیحاتی تدوین شد . دومین جلسه گروه کار در لوزن (پرتگال) دایر گردید که طی آن لایحه گزارشی در باره زنان زحمتکش تدوین گردید که در آن طور جداگانه پروبلم های زنان روستائی انعکاس یافته است زنان روستائی در تعداد زیادی از کشورهای جهان تحت ستم قرار دارند .
- همچنان در گزارش ذکر رفته است که وضعیت زنان زحمتکش در کشورهای سر مایه داری در نیمه سالهای ۷۰ به علت بحران اقتصادی وخیم تر شده است . فعلا جلسه گروه کار در انگلستان دایر میگردد و عنقریب جلسات گروه های کار کاستریکاز گانگا ، سویزرلند دایر خواهد گردید . کنگره جهانی زنان در پراگ جزء انفکاک ناپذیر جنبش عظیم جهانی برای صلح و صلح سلاح خواهد شد و در امر تحکیم وحدت زنان در جهت مبارزه برضد جنگ در دفاع از استقلال ملی، حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنها کمک بسزا خواهد نمود .
- کنگرسه هشتم فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان :
- بعد از تدویر کنگره جهانی زنان به تاریخ ۱۵-اکتوبر ۱۹۸۱ در پراگ کنگره هشتم فدراسیون دایر خواهد گردید که نتایج فعالیت فدراسیون را بعد از ختم کنگره هفتم مورد مطالعه و بررسی قرار داده اهداف آینده را مشخص نموده و اورگانهای رهبری فدراسیون را انتخاب خواهد نمود .

ارگانهای رهبری کنگره فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان

در کنگره (۷) فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان «۲۶-اکتوبر سال ۱۹۷۵ در شهر برلین»
ارگانهای ذیل انتخاب شده اند :

۱- شورای فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان :

بر مبنای اساسنامه ف.د.ب.ز در شورای فدراسیون نمایندگان تمام سازمانهای ملی عضو
اشتراک دارند .

این سازمانها حق دارند که سه عضو دایمی شورا و سه معاون از هر کشور تعیین نمایند .
اگر در یک کشور چندین سازمان عضویت فدراسیون را داشته باشند در آن صورت آنها
عضو دایمی شورا و معاون آنها را به موافقه هم تعیین می کنند .

کشورهای عضو شورای فدراسیون منتخبه کنگره ۱۹۷۵ :

الجزایر :- اتحادیه ملی زنان الجزایر .

انگولا :- سازمان زنان انگولا .

بنین :- سازمان دموکراتیک زنان داگومی

شعبه زنان اتحادیه اجتماعی جوانان آزادداگومی .

بوروندی :- اتحادیه زنان بوروندی .

کامیرون :- اتحادیه دموکراتیک زنان کامیرون .

جمهوری مردم کانگو :- اتحادیه انقلابی زنان کانگو .

جمهوری عربی مصر :- اعضای انفرادی فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان .

زامبیا :- شعبه زنان جبهه کار زامبیا .

لیسوتو :- بخش زنان کنگره حزب بازتولینده .

ماداغاسکار :- کمیسیون دائمی ملی به خاطر حقوق زن و اطفال در چوکات کمیته همبستگی
ماداغاسکار .

ماوریکا :- کمیته زنان ماوریکا .

سازمان زنان ماریکا .

مراکش :- بخش زنان سوسیالیست نیروهای متحد ملی .

موزامبیک :- سازمان زنان موزامبیک .

نایجیریا :- بخش زنان سازمان توده‌ای جنوب غرب افریقا (سواپو) .

نایجیریا :- فدراسیون سازمان های زنان نایجیریا .

بخش زنان فدراسیون اتحادیه های صنفی نایجیریا .

ریونون :- اتحاد زنان ریونون .

جمهوری دموکراتیک سان توم و پرنسیپ جزیره سیشل :- جمعیت زنان حزب متحد توده ای

جزایر سیمیلی .

تیریلون :- سازمان زنان کنگرس ملی .

سومالی :- سازمان زنان سومالی .

افریقای جنوبی :- بخش زنان حزب کنگرس ملی افریقایی .

سودان :- اتحادیه زنان سودان .

تونس :- اعضای انفرادی فدراسیون دموکراتیک پ . ز .

ژانر :- اعضای انفرادی فدراسیون دموکراتیک .

زیمبابوی :- شورای ملی افریقایی زیمبابوی .

آسیا :

بنگلہ دیش :- «ماهیلا پریشاد» کنگرس زنان بنگلہ دیش .

کامپوچیا :- انجمن زنان دموکرات کهمر .

جمهوری دموکراتیک کوریا :- فدراسیون ملی زنان جمهوری دموکراتیک کوریا .

هندوستان :- فدراسیون ملی زنان هندوستان .

اندونیزی :- جنبش زنان اندونیزی (گيروانی) .

ایران :- تشکیلات دموکراتیک زنان ایران .

عراق :- جمعیت زنان عراق .

فدراسیون سرتاسری زنان عراق .

اسرائیل :- فدراسیون زنان اسرائیل (ماپام) .

جنبش زنان دموکرات اسرائیل (فودامتیرن) .

جاپان :- فدراسیون سازمان زنان جاپان .

- اردن :- جمعيت زنان عربى اردن .
- سازمان زنان عربى اردن .
- سازمان زنان به خاطر محو بيسوادی .
- جمهورى دموكراتيك مردم كوريا :- اتحاديّه دموكراتيك زنان كوريا
- اتحاديّه دموكراتيك زنان كوريا درجاپان .
- كويت :- انجمن اجتماعى - كلتورى زنان .
- لائوس :- اتحاديّه زنان جبهه وطنپرستان لائوس .
- لبنان :- جمعيت به خاطر دفاع از حقوق زنان لبنان .
- جمهورى توده ئى منگو ليا :- كميته زنان منگو ليا .
- نيپال :- سازمان زنان نيپال .
- عمان :- سازمان زنان عمان .
- پاكستان :- انجمن دموكراتيك زنان .
- انجمن زنان مبارزه خاطر كسب حقوق مهاجرين .
- فلسطين :- اتحاديّه سرتاسرى زنان فلسطينى .
- فليپاين :- انجمن «فليپاين جديد» .
- جمهورى ويتنام جنوبى :- اتحاديّه زنان راي آزادى ويتنام جنوبى .
- سريلانكا :- جبهه زنان سريلانكا .
- بخش زنان كنفرانس دموكراتيك كارگران .
- جمهورى عربى سوريه :- اتحاديّه سرتاسرى زنان عربى سوريه .
- جمعيت زنان سوريه به خاطر دفاع از مادران و اطفال .
- جمهورى دموكراتيك ويتنام :- اتحاديّه زنان ويتنام .
- جمهورى دموكراتيك مردم يمن :- اتحاديّه سرتاسرى زنان يمن

استراليا و اقيانوسيه :

- استراليا :- اتحاديّه زنان استراليا .
- زيلاند جديد :- اتحاديّه زنان زيلاند جديد
- ارويا :

البانيا :- اتحاديّه زنان البانيا

- بلجيم :- اسامبلى زنان به خاطر صلح ورفاه
- اطریش :- اتحاديّه دموكراتيك زنان اطریش
- جمهورى مردم بلغاريا :- كميته زنان بلغاريا
- جمهورى سوسياليستى چكوسلواكيا :- اتحاديّه زنان چكوسلواكيا

- دنمارك :- فدراسيون دموكراتيك زنان دنمارك .
- جمهوری فدرال آلمان :- اعضاءى انفرادى فدراسيون دموكراتيك بين المللى زنان .
- فنلند :- اتحاديه دموكراتيك زنان فنلند .
- فرانسه :- اتحاديه زنان فرانسه .
- جمهوری دموكراتيك آلمان :- اتحاديه دموكراتيك زنان آلمان .
- بريتانياى كبير :- اسامبله ملي زنان .
- يونان :- سازمان زنان يونان .
- جمهوری توده اى هنگرى :- شورای ملي زنان هنگرى .
- ايسلند :- اتحاديه زنان ايسلند به خاطر صلح و كلتور .
- لوگزامبورگ :- اتحاديه زنان لوگزامبورگ .
- نيدرلاند :- جنبش زنان نيدرلاند .
- ناروی :- اتحاديه زنان ناروی .
- جمهوری توده اى پولند :- شورای زنان پولند .
- پرتغال :- جنبش زنان دموكرات پرتغال .
- اسپانيه :- جنبش زنان دموكرات .
- سويدين :- اتحاديه جنبش زنان سويدين .
- سويس :- فدراسيون زنان سويس به خاطر صلح و ترقى .
- اتحاد جماهیر سوسياليستی شوروی :- كميته زنان شوروی .
- برلين غربی :- جمعيت زنان دموكرات برلين .
- قبرس :- فدراسيون سرتاسرى سازمان زنان .
- جمهوری سوسياليستی رومانيا :- شورای ملي زنان جمهورى سوسياليستی رومانيا .
- ايتاليا :- اتحاديه زنان ايتاليا .
- يوگوسلاويا :- كنفرانس زنان يوگوسلاويا به خاطر فعاليت اجتماعى .
- امريكای لاتين :
- ارجنتاين :- اتحاديه زنان ارجنتاين .
- بوليويا :- اتحاديه زنان بوليويا .
- برازيل :- كميته زنان برازيل .
- چلى :- اتحاديه زنان چلى .
- بخش زنان حزب متحد توده اى .
- كولامبيا :- اتحاديه دموكراتيك زنان كولامبيا .
- كوستاريكا :- اليانس زنان كوستاريكا .

- کیوبا :- فدراسیون زنان کیوبا .
- جمهوری دومینکان :- سازمان زنان جمهوری دومینکان .
- اکوادور :- جبهه متحد زنان اکوادور .
- گواریلوپا :- اتحادیه زنان گواریلوپا .
- گواتیمالا :- اعضای انفرادی فدراسیون بین المللی زنان .
- گایانا :- سازمان مترقی زنان .
- هائیتی :- اتحادیه زنان هائیتی .
- هاندوراس :- جمعیت زنان هاندوراس .
- مارتینیکا :- اتحادیه زنان مارتینیکا .
- مکسیکو :- اتحادیه ملی زنان مکسیکو .
- کمیته زنان برای دفاع از میهن .
- نیکاراگوا :- فدراسیون زنان نیکاراگوا .
- پاناما :- کمیسیون زنان به خاطر دفاع از حقوق زنان و اطفال .
- فدراسیون ملی زنان دموکرات (فیناموری) .
- پاراگوای :- اتحادیه زنان پاراگوای .
- پیرو :- اتحادیه توده ای زنان پیرو .
- پورتوریکو :- فدراسیون زنان پورتوریکو .
- سالوادور :- جمعیت مترقی زنان السلوادور .
- اورگوای :- کمیته متوافق زنان اورگوای .
- وینزیویلا :- بخش زنان کمیته همبستگی بین المللی .
- اقیانوس شمالی :
- کانادا :- کنفرانس زنان کانادا .
- اضلاع متحده امریکا :- زنان به خاطر تساوی نژادی و حقوق اقتصادی .
- ۲- رئیس : فریده براون (آستر الیا)
- ۳- معاونین افتخاری فدراسیون بین المللی زنان :
- سیزه نبرای - جمهوری عربی مصر .
- راداتو دوروا - جمهوری توده ای بلغاریا .
- میری پریت - بریتانیای کبیر .
- دولوریس بباروری - اسپانیه .
- رینسوم کوتی - نایجیریا .
- خولیه اریوالا - اورگوای .

گو سته فوجیکوا - جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا .

اوتیشسه بوسی دی آلینده - چیلی .

۴- بوروی فدراسیون دموکرا تیک بین المللی زنان

اعضای بوروی فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان عبارت اند از :

رئیس : فریده براون (آسترالیا) .

سکرتجنرال : مریم تومنین (فنلند) .

معاونین ریاست : فا سخی بیتا خسواراتحادیه ملی زنان الجزایر (الجزایر) .

الیزی تیل - اتحادیه دموکراتیک زنان آلمان (آلمان دموکراتیک) .

ژیژیل سیری - اتحادیه زنان فرانسه (فرانسه) .

هارونه آصف علی - فدراسیون ملی زنان هند (هندوستان) .

فوکو کوشیده - فدراسیون سازمان زنان جاپان (جاپان) .

ویلمه ایسپین دی کاسترو - فدراسیون زنان کیوبا (کیوبا) .

والنتینا ترشکوا - کمیته زنان شوروی (اتحاد شوروی) .

نماینده ویتنام واعضای دیگر :

انگولا - سازمان زنان انگولا .

ارجنتاین - اتحادیه زنان ارجنتاین .

کانادا - کانگرس زنان کانادا .

چیلی - اتحادیه زنان چیلی .

کوستاریکا - ایانس زنان کوستا ریکا .

چکوسلواکیا - اتحادیه زنان چکوسلواکیا .

بریتانیای کبیر - اسامبله ملی زنان بریتانیای کبیر .

گابیا - سازمان مترقی زنان گابیا .

عراق - جمعیت زنان عراق .

جمهوری دموکراتیک توده‌ای کوریا- اتحادیه دموکراتیک زنان کوریا .

جمهوری توده ای منگولیا - کمیته زنان منگولیا .

موزمبیق - سازمان زنان موزمبیق .

فلسطین - اتحادیه سرتاسری زنان فلسطین .

پرتگال - جنبش دموکراتیک زنان پرتگال .

سومالی - سازمان زنان سومالی .

افریقای جنوبی - بخش زنان حزب کنگرس ملی افریقای جنوبی .

سودان - اتحادیه زنان سودان .

ایالات متحده امریکا - زنان بغاطر تساوی نژادی و حقوق اقتصادی .

اوروگوای - کمیته متوافق زنان اوروگوای .

۵ - کمیسیون کنترول مالی :

ترکیب کمیسیون کنترول مالی :

رئیس کمیسیون - ایدت ایریدی شورای ملی زنان هنگری .

یک نماینده از سازمان های ملی ذیل :

اتحادیه دموکراتیک زنان آلمان .

جمعیت بغاطر دفاع از حقوق زنان لبنان .

کمیسیون دایمی بغاطر حقوق زنان و اطفال در چوکات کمیته همبستگی ماداغاسکر (ماداغاسکر).

اتحادیه دموکراتیک زنان اطریش (اطریش).

جمعیت دموکراتیک زنان پاکستان .

بخش زنان کمیته همبستگی بین المللی ونیزویلا.

۶- سکر تریت :

اعضای سکر تریت ف.د.ب.ز عبادت اند از:

مریم تومنین سکرتر جنرال (فنلند) ونهائنده ها از کشور های ذیل :

هندوستان

عراق

اسپانیه

جمهوری سوسیالیستی رومانی .

اتحاد شوروی .

فرانسه

چلی .

افریقای جنوبی

جاپان

مبارزه برای صلح و خلع سلاح به مثابه یکی از وظایف عمده جنبش بین‌المللی زنان

صلح نیاز مندی همه خلقها ست ! ولی زنان به آن بیش از هر کسی دیگری نیاز دارند .
سهل‌دستی را که در پی میخوانید آخرین کلمات زنانه است که بدست و حشیمان هیتلری نابود
شده اند :

مادر عزیزم !

نو شستن آخرین کلمات زندگمی کارخیلی دشوار است . نا خود آگاه همه خاطرات
در ذهن انسان زنده میگردد . و بهتر یسن آنها درد توانفرسای را بیار می آورد .
درین روزها همواره من ناگزیر ام تا به خود بگویم . « با شهادت باش بزانو
درنیا » .

ما در جان ! شجاع باش من نیز تلاش خواهیم کرد تا دلاور باشیم .

انا دختر تو

انا که ۲۹ سال داشت در پراگ به تاریخ ۱۲ می ۱۹۴۴ بدست اشغالگران هیتلری
تیرباران شد .

عزیزم میمه !

مادرت برای همیشه از نزدت می رود ولی در آخرین دقایق زندگمی در عالم خیال
باقی است .

دختر نازنین و بینهایت دوست داشتی ام ! تلاش کن دختر خوب باشی به درسها بیست
توجه کنی و از ما ماهایت همیشه فرما نبرد او باش آنان را مانند من دوست داشته باش !

من به آرا می میروم به همه دوستان و نزدیکان مابگو تا مرا بخاطر گناه بزرگم ، مصیبتی که برایشان بار آورده ام ببخشند . تو نباید گریه کنی . من هیچگاه برایت مایه تنگ نبوده ام و قتیکه بزرگ شدی همه چیز را خواهی فهمید .
یگانه خواهش ام از تو اینست که خوب درس بخوانی . روحم همیشه با توخواهد بود .
مادر بد بخت تو

گاریکی میر که به سن ۲۸ سالگی به تاریخ او ل نوا میر ۱۹۴۴ در ایتالیا بدر آویخته شد .

مادر جان ، مادر !

عنقریب لحظه فرا میرسد که با زندگی برای همیشه وداع میگویم . همه دشواریها راحا لا دیگر به عقب گذاشته ام . رنج دوری از گانسن کوچکم دیگر به پابان رسیده است . از خاطرش تشویشی ندارم . میدانم که او را به دست های مطمئن تو سپرده ام .

مادر عزیز ! به من و عده بده که بخاطر او با روحیه باشی ، مطمئنم که تو میتوانی این طور باشی همانطوریکه توانسته ای همه رنجها و محرومیت های زندگی را با شکبیا بی تحمل نمایی ، آیا درست نیست مادر جان ؟
من نزد گانسن بزرگ خودمیروم . امیدواریم فرزند ما مظهر خوبی های پدر و مادر خود باشد . هر باریکه تو او را بسینه خود بیفشاری مرا بیاد بیاور .
مادر ، مادر یگانه ام ! عشق بزرگ ام شما را همواره در حلقه خواهد داشت . به همان انداز دلاور باشی که همین لحظه من میخواهم باشم !
برای همیشه از تو جدا میشوم
دختر ت

خیلده کویی ، ۳۴ ساله به تاریخ ۸ اگست ۱۹۴۳ در برلین تیر باران شد . شهورش گانسن کویی در سال ۱۹۴۲ بدر آویخته شد .

ایشان و هزاران زن دیگر که قربانی جنگ های امپریا لیستی شده اند ، مسلمانان مستحقا ق زندگی را داشتند . آنان بایستی میزیستند ، می آفریدند و به انسان و زندگی زیبا عشق میورزیدند .

صاحبان میلیونها جوره بوت طفلان که همین اکنون در ساحه موزیم اردو گاه مرگ آشویتس بجا مانده است ، میلیونها کودکانیست که در کوره های جهنمی هیتلر خاکستر شده اند .

چنین است راه آورد جنگ برای مادران و زنان واز همین جاست که جنبش دموکراتیک بین المللی زنان به جزاگانیک جنبش هواداران صلح بدل گردیده است . هنوز

در بدو تاسیس فدراسیون جهانی زنان برنامه مبارزه زنان به خاطر صلح درمانیست فدراسیون مصوب دومین کنگره آن سازمان تجلی یافت . واز زنان جهان دعوت بعمل آمد تا بهما به نیمه بشریت در نبرد علیه جنگ ونیستی بسیج شوند .

امروز فدراسیون یکجا با همه بشریت مترقی در صدد آن است تا از فاجعه وحشت انگیز جنگ ذروی که امپریا لیزمسخت در پی آتش زد ن به آنست جلو گیری بعمل آید . زیرا در او ضاع بین المللی تشنجات ناشی از تحریکات امپریالیزم و تهدید جهان به جنگ هستوی تباه کن نسبت بهروقت دیگر بیشتر محسوس است . امپریالیزم جهانی در راس امپریالیزم امریکا تپ و تلاشهای مذبحخانه را در هر چه مغتنق تر ساختن فضای بین المللی و ایجاد یکجنگ گرم هستوی آغاز نموده واز همه نیرو برای خنثی کردن تلاشهای نیروهای مترقی در زمینه رفع تشنجات بین المللی استفاده بعمل می آورند و باتکا با ماشین جنگ افروز ناتو مسابقات تسلیحاتی را شدت بخشیده و روزتاروز انبادهای انواع و اقسام سلاح های هستوی را افزایش میدهند جنگ های نفرت انگیزی را در گوشه های مختلف جهان که هزاران ، هزارانسان را با تباهی و نیستی مواجه میسازد ، دامین میزنند .

امپریالیزم امریکا که در قبال این حوادث مقصر است باز هم بودجه نظامی خود را می خواهد به اضافه تر از دو صد میلیارد دلار افزایش دهد ، تصمیم ایجاد (۱۴۰) فابریکه تولید سلاح را در ایالات متحده امریکا دارد و می خواهد پایگاه های نظامی خود را در دیگومگارسیا ، مصر ، کنیا و استرالیا مستقر سازد . امپریالیزم امریکا با این اعمال وحشیانه چهره بی نقاب خود را یکبار دیگر با همه نفرت انگیزی اش به جهانیان می نمایاند .

در قبال این همه اعمال جنایتکارانه بشریت مترقی وظیفه حیاتی حفظ صلح و جلوگیری از جنگ را روی دوشهای خود میکشند ، امروز دیگر اعلان موافقت با صلح و خلع سلاح کافی نیست شرایط امروز ایجاب میکند تا جنگ افروزان را شناخت و واقعینا نه در آن نمود که کسی برای صلح و استحکام آن میریزد . باید همه کسانی که آرزو مند زندگی سعادتمند فردایند و در برابر حیات نسل های آینده احساس مسؤولیت می نمایند با پیوستن به صفوف مبارزین فعال راه صلح علیه فاجعه وحشتناک جنگ ذروی بیا خیزند .

زنان به ما به نیمه جدایی ناپذیر بشریت بیشتر از همه تشنه صلح اند زیرا یک مادر فقط در فضای صلح آمیز قادر به تربیه فرزندان سالم است . مبارزه ثمر بخش زنان برای تحکیم امر صلح از مدت ها بدینسو جریان دارد و به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی این مبارزه پیگیر به صورت متشکل و همه جا نه در

وجود فدرا سیو ن دمو کرا تیک بین المللی زنا ن متجلی گردید .

فدرا سیو ن دمو کرا تیک بین المللی زنا ن که چندی قبل ۳۵ مین سالگرد تاسیس خود را تجلیل نمود و سازمان دمو کرا تیک زنا ن افغانستان افتخار عضویت آنرا دارد توانسته انزجار و نفرت عمیق زنا ن سراسر جهان را علیه جنگ این عالم تباهی بشریت موفققا نه سازماندهد .

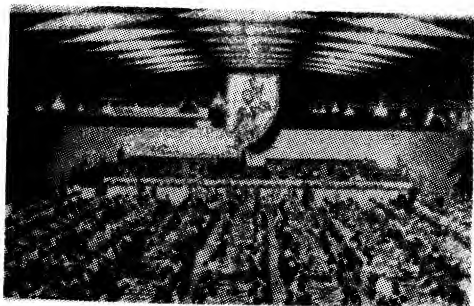
فدرا سیو ن دمو کرا تیک بین المللی زنا ن از صلح بمثا به تضمین مطمئنی برای سعادت و آسایش کودکان ، رفاه خانواده و سعادت همه بشریت با همه نیرو دفاع مینماید . زیرا فدراسیون معتقد است که حل و فصل مثبت مسائل مبرم بین المللی تسریع کننده وظایف فدرا سیون در مبارزه برحق احیای حقوق زنا ن به حساب میرود از همین جهت برای تحکیم امر صلح ، علیه مسابقات تسلیحاتی و جنگ مبارزه برسی پس منظر ۳۵ ساله کار و پیکار پر تلاش و دوخشان فدراسیون تثبیت کننده این ادعا است .

- در سال های ۱۹۷۴ - ۱۹۴۷ فدراسیون دمو کرا تیک بین المللی زنا ن کمپاین وسیع تبلیغاتی را در تمام سازمان های ملی آن فدرا سیون علیه مشتمل ساختن جنگ های ذروی برپا کرده و با استفاده از اشکال فعال مبارزه چون دایر ندودن میتنگ ها ، جلسات ، بیانات و طرح پیشنهادات مشخص به موسسه ملل متحد ، خواست خود را برای جلوگیری از افزایش تولید سلاح و منع استفاده از سلاح ذروی ابراز نمود .

- کنگره دوم فدراسیون که در سال ۱۹۴۸ در بودا پست دایر شد نمونه بارز از تلاش های این فدراسیون جهت تحکیم امر صلح است . درین کنگره مانفیسست صلح که بر نامه اساسی کار و پیکار فدراسیون در جهت تحکیم صلح محسوب میگردد بتصویب رسید . در ضمن از زنان سراسر جهان جهت مبارزه برای استقرار صلح بمثابه نیاز مبرم عصر ما دعوت بعمل آمد . فقط یک سال بعد از آن نقش فدرا سیون در تاسیس نخستین کنگره سراسری برچمداران صلح جهانی متباز گردید . این کنگره افاده گر نیروی مندی جنبش جهانی نیرو های صلح دو ست بمثا به سند شکست نا پذیری در برابر نقشه های توسعه طلبانه امپریالیزم جنگ طلب بوده است . فدراسیون دمو کرا تیک بین المللی زنا ن ، عضویت در هیات رئیسه این شورا را کسب نموده است .

در نتیجه کار خستگی نا پذیر فدراسیون نصف تعداد امضا کنندگان در پای سند استاکهولم را زنان تشکیل میدهند .

فدراسیون در سال ۱۹۵۵ فریاد مادران را به خاطر حفظ جگر گوشه های شان از خطر جنگ در کنگره جهانی مادران منعقد لوزان بلند نمود . درین کنگره که در نتیجه



در کنگره منعقدۀ لوزان سال ۱۹۵۵ مادران سوگند یاد کردند که بغاظر تحکیم امر صلح
هیولای جنگ را از پا درمی آوریم .

فعالیت فدراسیون مادران سراسر جهان بغاظر ابراز نگرانی عمیق از در گرفتن
جنگ ذروی که در آزمون خطر آن رویافزایش بود نمایندگان خود را به لوزان فرستادند
تا نفرت عمیق زنان را که مادرند از جنگ این عامل تباهی بشریت ابراز نمایند و
نیرو های جنگ طلب را از تصامیم وحشتناک جنگ ذروی که باعث ریختن خون هزاران ،
هزار انسان میگردد مانع شوند . اعلا میه که مادران درین کنگره به تصویب رسانیدند
ندای درونی یک مادر را میرساند که چگونگی نگرانی سر نوشت آینده فرزندان
خود است .

در تصویب نامه این کنگره چنین آمده است:

ما نمیخواهیم که فرزندان ما به جان همدیگر بیافتند ، ما کودکان خود را در فضای
دوست داشتنی صلح پرورش میدهم و بهیچ نیرویی اجازه نخواهیم داد در روح آنها نفرت و عمل
نگین نژاد پرستی را اشاعه دهد زیرا همه اطفال اعم از سفید یا سیاه و یا زرد پوست
همه استحقاق بهتر زیستن را دارند ، همه به صلح ضرورت دارند و ما با همه
نیرو از آنها دفاع میکنیم .

ما صادقانه سوگند یاد میکنیم که بغاظر تحکیم امر صلح که منفعت همه کودکان در آن
مضمّن است یک پارچگی خود را حفظ و هیولای جنگ را از پا در میاوریم ، ما با شعار
خلع سلاح ، خواهان دوستی بین خلقها هستیم و دست دوستی بسوی همه دیگر
دراز میکنیم و بدینگونه به پیشواز بهار ان پر شکوه صلح و صفا میرویم .

مردم آبی با عظمت مادران درلوزا نقد رت ارزشمند زنان را که مادر اند
برای حفظ و تامين صلح ، همبستگی شانرا در مبارزه عليه امپرياليزم جنگ افروز
با جهانيان اثبات نمود .

نیروی مادر برای نجات کودکان و خانواده ، برای تامین زندگی آرام و با
سعادت نیرویست لازمال و شکست ناپذیر .

کنگره بین المللی زنان منعقد شهرباسکو درسال ۱۹۶۳ نقش زنان را در مبارزه
برای صلح و خلع سلاح ، مثبت و پرتأثیر یا بی کرد و در ضمن این کنگره اتکاء
روی مطالب زیرین راست نمود تو جبه قرار داد .

- جلوگیری از جنگ ذروی .

- خلع سلاح عام و تام .

- محو استعمال سلاح ذروی در پژوهش های نظامی در ساحات چون کره زمین

فضا و بحر .

- نابودی تمام ریشه ها و نشانه های جنگ دوم جهانی در قاره اروپا .

از تربییون با عظمت این کنگره بین المللی اولین زن فضا نورد جهان والتینا
ولادیمیر واکر شکوا سخنانی نموده گفت ، من قاطعانه اعتقاد راسخ دارم که ندای صلح
خواهانه همه نمایندگان این کنگره به تغییرتوفنده ضد جنگ مبدل خواهد گردید که
انفجارات گموش خراش رانا بود خواهد کرد .

والتینا ترشکوا در مورد خاطره اولین پرواز خود به نمایندگان گفت : «ایکاش
کشتی فضایی من وستوک-۶ بوسیله پیوند دهنده بین قلب های تمام زنان جهان مبدل
گردد .

من سیاره مانرا ، از فضا خیلی قشنگ و زیبا یافتم . می خواستم در آن لحظات احساسم
را به همه جهانیان و به همه مادران برسانم و از آنان دعوت نمایم تا نگذارند فضای
شفا و نیلگون سیاره دوست داشتنی مارا بر های تیره جنگ و غبار های سیاه تصادم
اتمی تیره سازد .

من نیم ساعت زیبا بی سپیده سحر را در فضا دیدم و طلوع آفتاب را با همه
زیبایش ، ما هیچگاه نمیتوانیم به هیچ نیروی اجازه بدیم که در خشنده گی
اشعه زریں آفتاب را طوفان انقلاب های ذروی از دیده ها پنهان سازد .»

بزرگترین اهمیت کنگره ماسکو درین امر بزرگ نهفته است که با ارائه مثال های
متعدد و از تجربه سال های دراز مدت گذشته باین نتیجه رسیدند که مبارزه در
راه صلح پیوند ارگانیک و جدایی ناپذیر با مبارزه بغا طر استقلال ملی علیه
استعمار و استعمار نوین دارد .

بدین وسیله سهمگیری زنان در جنبش‌های رهایی بخش ملی، این جنبش را در برابر استعمار گران نیرو مند تر ساخت.

- کنگره جهانی هوا داران صلح در سال ۱۹۷۳ در شهر ماسکو انکشاف و توسعه همگانی جنبش بین المللی صلح را بار آورد. درین کنگره تا ریخی، بیش از صد سازمان ملی و (۲۰۰) موسسه بین المللی که از آن جمله ۹ سازمان بین المللی زنان بشمول فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان و ۹۶ سازمان ملی زنان از ۸۱ کشور جهان شرکت نموده بودند. درین کنگره همه نمایندگان سازمان های زنان هم عقیده با هم پروگرام مشخص همگون ساختن عملیات نیروهای صلح دوست جهان را در مبارزه برای تامین صلح تدوین نمودند.

درین کنگره هر سه کوسی نین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان سخنرانی نمود. او به نمایندگی از فدراسیون اسناد و فیصله های کنگره ماسکو را تایید و پشتیبانی خود را از آن اعلان نمود.

نتیجه نهایی کنگره این واقعیت را یکبار دیگر تاکید کرد که باید هر چه فشرده تر و سریعتر توده های زنان به جنبش بین المللی صلح جلب واز همه نیرو و امکان برای بر آورده شدن این هدف باید استفاده کرد.

نقش برجسته فدراسیون در مبارزه علیه نیروهای خون آشام امپریالیستی شگاف عظیمی در دیوار پولادین استبداد وارد نموده و قدرت پیکار زنان را در مبارزه علیه استعمارگران غارتگر، بغاظر استقلال ملی و برای تامین امر صلح به اثبات رسانیده و بسا ن مشعلی در آسمان پیکارانقلابی می درخشند.

سال ۱۹۷۵ در تحت فشار افکار مترقی جهان و به ابتکار فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان موسسه ملل متحد و ادارشد که سال ۱۹۷۵ را بنام زن جهت بررسی کارنامه ها و نقش زنان در همه جهات زندگی تجلیل نماید. بدین مناسبت مردم آبی وسیع زنان در برلین صورت گرفت که یکبار دیگر بر نامه فعالیت زنان را جهت بدوش گرفتن نقش فعال در مبارزات عادلانه صلح خواهانه مورد تایید قرار داده و در پیام این کنگره به زنان سراسر جهان چنین می خوانیم :

فعالیت و تلاش نسل امروزی سیاهی سیاره ما را در آینده ترسیم میکند و در برابر همه این حوادث مامسؤول هستیم، سیاره ما میتواند به باغ شگوفان و پرنمری مبدل گردد و یا بیابان ویرانه باشد که محصول جنگ ذروی خواهد بود. سیاره ما میتواند به سیاره صلح و همکاری متقابل دول و یا اینکه به سیاره که در آن عدم عدالت و تجاوزات حکمفرما می میکند مبدل گردد.

زن که از عصاره وجودش طفل خود را می‌پروراند از حق خاصی برای تا مین آینده شگو فان برای آنها بر خور دار است .

در پیام کنگره زنان در برلین — جهانیان اعلام گردید :
ما با همه نیرو در برابر مسا بقا ت تسلیحاتی قد علم میکنیم تا بدینو سیله حقوق واقعی زنان را تا مین نماییم ، ما علیه همه انحصارات تجاوز گر نظامی پیکار مینماییم
ما نیرو های امپریالیستی را که امر صلح را با تشنج مواجه میسازد تقبیح می نمائیم .

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در نتیجه تلاش های پیگیر برای جلو گیری از تاخت و تاز های وحشیانه امپریالیزم برای دامن زدن بیک جنگ هستوی و سهم فعال برای تخفیف تشنج بین المللی توانست که مدال طلایی صلح را بنام (ژو لیا کوری) بدست آورد .

یک بررسی کوچك از ارقام سر سام آور مصارف نظامی ما را به واقعیت میچسب
کننده نتایج ناشی از مسا بقا ت تسلیحاتی مواجه میسازد ، توجه کنید همه ساله
۵۰۰ میلیارد دلار را مسا بقا ت تسلیحاتی می بلعد . فقط در ایالات متحده مصارف برای
تسلیحات به ۱۵۰ میلیارد دلار میرسد و ریگن رئیس جمهور جدید تلاش میورزد تا این رقم
را به ۲۲۶ میلیارد دلار افزایش دهد . تعداد زیاد متخصصین در امور مربوط به تسلیحات
مصرف میکنند در حدود ۸۰ میلیون انسان در رشته های مختلف تولید اسلحه جات
اشتغال دارند و تقریبا فعالیت (۲۵ فیصد) دانشمندان با امور نظامی پیوندد
دارد .

محافل جنگ طلب امپریالیستی این شکست خوردگان دهه ۷۰ سخت سراسیمه اند .
دست آورد های حاصله نیرو های صلح ، دموکراسی و ترقی در دهه اخیر
آنان را به زوزه کشیدن وا داشته است . امپریالیزم به «ابتکارات» تازه یی دست میزند
استراتیژی جدید نظامی را طرح و عمل بنماید که بر پایه آن «جنگ محدود ذروی،
را توجیه و ناگزیر جلوه میدهند و همین اکنون مصروف ایجاد پایه های مافی
وفنی این استراتیژی اند . ۶۷۲ راکت بورد متوسط در اروپا جا بجا میگردد . تا سال
۱۹۸۲ قوای عکس العمل سریع یکصد و ده نفری که قادر است در مدت ۷۲ ساعت
به هر نقطه جهان منتقل و مدت دو ماه بدون کمک از مرکز عملیات نماید در حال
ایجاد است .

۲۵۰۰ پایگاه نظامی امریکا در ۱۰۰ کشور جهان وجود دارد که بمثابة پایگاه های
ضد جنبشهای رهایی بخش خلقها و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها مورد استفاده
قرار میگیرند .

ایالات متحده امریکا به ایجاد پایگاه های جدید و مدرنیزه ساختن پایگاه های

قبلی در جزایر دیگوگارسیا ، عمان،سومالی ، کینا و مصر متصل گردیده است .

امریکا عر ضه گر ۴۰ فیصد وسایل نظامی در جهان است .
ازین مدر ك ۱۰۰ میلیون دالر همه ساله به جیب گردانندگان انحصارات بنی رگت
امریکا یی سرا زیر میگردد .

امریکا و آلمان فدرال بیشتر ین بخش محصولات نظامی خویش را به شرق
میان صادر می کنند . اسرائیل و عربستان سعودی بازارهای درجه يك سرازیر شدن
اسلحه امریکا یی و آلمانی است . همین اکنون گدام های ذخیره اسلحه این کشورها
را می توان با ذخیره های جنگی نا تومتقایسه کرد .

خریدار دیگر اسلحه امریکایی رژیم منفور افریقای جنوبیست . امریکا
با تقویه پوتنسیال نظامی جمهوری افریقای جنوبی را به پایگاه راسیزم و اپارتاید مبدل
ساخته است .

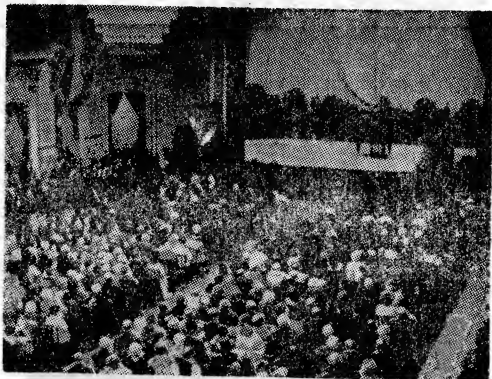
مجموع مصارف نظامی کشور های در حال رشد به ۳۰ میلیارد دالر بالغ میگردد
این مصارف تحمیلی با منافع خلقهای کشورهای نو به استقلال رسیده از بنیاد در تضاد
است . زیرا راه آورد آن برای خلقهای این کشورها بجز گرسنگی، مرض ، فقر و عقب
ماندگی چیز دیگر نیست .

به تقصیر امپریالیزم طی مدت بعد از جنگ دوم جهانی ۲۰۰ تصادم نظامی در ساحه این
کشورها صورت گرفته است .

به وسیله پولیکه در جهان نسبت به تسلیحات مصر ف می
رسد در امور مربوط به تعلیم و تربیه و در امور حفظ الصحه سه مرتبه
جهت بهبود زندگی انسانها افزایش بعمل آمده میتواند . بعد از جنگ دوم جهانی
۷ تریلیون دالر برای تولید سلاح مصر ف شده و این رقم برابر با مبلغی است که در
طول یکسال بشریت در نتیجه فعالیت و کار بوجود می آورند. فقط ده فیصد تقلیل در
مصارف نظامی اعضای شورای امنیت موسسه ملل متحد امکانات آنرا مساعده
میسازد تا وسایل تحصیل برای صد میلیون طفل آماده گردد .

آمار اخیر در مورد دو میلیارد و ششصد میلیون باشندگان کشورهای در حال رشد
سخت رنج آور و رقت انگیز است . (۸۰۰) میلیون انسان درین کشورها بیسواد
اند و یک میلیارد آن همیشه گرسنه اند ، درآمد روزانه ۹۰۰ میلیون آن تقریباً ۱۳ حصه يك
دالر است . فقط اگر چند اقدام در راه خلع سلاح صورت گیرد پول قابل توجه برای کمک
میلیون ها انسان گرسنه و بی غذا تهیه خواهد شد و اگر مسابقات تسلیحاتی کاملاً
متوقف میشد و تمام عواید آن در اختیار سکتور صلح خواهانه اقتصاد قرار میگرفت
تصور کنید آهنگ رشد همه جهات زندگی بشریت تاچه حدودی سرعت میداشت .

با در نظر داشت همین مطلب حیاتیست که فدراسیون با همه مسؤولیت در برابر
حیات ملیونها انسانی که به نان ضرورت دارند در بر نامه خود روی ضرورت مبارزه
برای منع آزمایش های ذروی و عدم استعمال این سلاح و خلع سلاح عام و تمام
سخت اتکاء میکند .



گردهم آیی ویانا تحت شعار «در شرایط کنونی خلع سلاح عام و تمام باید به ضرورت
حتمی مبدل شود» گشایش یافت .

به ابتکار فدراسیون مجمع بین المللی برای خلع سلاح و در دسمبر ۱۹۵۹ و ملاقات درویانا
در تحت شعار «در شرایط کنونی خلع سلاح عام و تمام باید به ضرورت حتمی مبدل شود» در ماه مارچ
۱۹۶۲ صورت گرفت . همچنان در ماه نوامبر ۱۹۷۱ فدراسیون در باره خلع سلاح پیامی
را که در بر لین تایید شده بود به موسسه ملل متحد فرستاد . سیمینار های بین المللی
تحت شعار (زنان جهان آماده مبارزه در راه صلح اند) در سال ۱۹۷۵ در شهر نیویارک
و تحت شعار (زنان و خلع سلاح عمومی) در سال ۱۹۷۸ در ویانا صورت گرفت .
فدراسیون جهت همبستگی فعالیت سازمان های ملی کشور برای مبارزه علیه
تولید سلاح ایجاد ملاقات های رابین این سازمانها تدارک دید و در چند کشور

این سازمانها با ایجاد مظاهرات، پیامها و فرستادن هیات خود به پارلمان و حکومت عدم رضایت خود را با تولید بمب نیوترونی ابراز داشته و تقاضای متعددی در زمینه منع تولیدات بم نیوترونی ابراز داشته و جایجا کردن آنرا در کشور های اروپای غربی شدیداً تقبیح نمودند. فدراسیون سیمینار ز نان کشور های اروپائی را درباره حل مسایل خلع سلاح و منع بمب نیوترونی در سال ۱۹۷۹ در کوپن هاگن و در سال ۱۹۸۰ در وارسا مبتکرانه سازمان داد. والنتینا ترشکوا به حیث معاون رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در رأس هیات فدراسیون در جلسه اختصاصی مجمع عمومی موسسه ملل متحد که در مورد مساله خلع سلاح تشکیل شده بود حضور داشت. او در سخنرانی خود بدین مناسبت اظهار داشت

ملیونها زن در جهان با همه نیرو آماده اند تا بصورت خستگی نا پذیر و مداوم در راه خلع سلاح، تخفیف تشنج بین المللی، بغا طر تآمین صلح که نیاز مبرم زمان ماست و بغا طر خوشبختی خلقها بر زمند.

در ۲۵ اکتبر سال گذشته ز مانیکه هفته تعیین شده از طرف ملل متحد به خاطر خلع سلاح در یکتعداد از کشور ها بر گزار میشد یکروز این هفته بنام مبارزه زنان در راه صلح تعیین گردید.

سازمانهای ملی زنان عضو فدراسیون تظاهرات و نمایش های عظیمی درین روز تحت شعار «نابودا د جنگ ذروی» براه انداختند.



نمونه از تظاهرات خیابانی زنان بغا طر تآمین صلح.

در تظاهرات خیابانی در انگلستان هفتاد هزار زن شرکت داشت. میتنگ های بزرگ در مرز های آلمان فدرال، فرانسه و اطریش دائر گردید.

گردد هم آئی ز نان در سیمینار منطقوی عدن تحت شعار « زنان در مبارزه بغا طر صلح و علیه تجاوزات امپریالیزم در مناطق خلیج فارس و بحر هند، حادثه پراهمیتی در تاریخ صلحجویانه زنان محسوب می گردد.

شرکت کنندگان سیمینار ، نمایندگان بیست و چهار سازمان ملی زنان نژده کشور قاره های مختلف جهان پیامی رابه تصویب رسانیدند که درآن از دولت های عراق و ایران به قطع جنگ و آغاز مذاکرات بغاطر حل و فصل سیاسی مسائل مورد اختلاف فرا خواندند. هم چنان درین پیام تقاضا گردیده است تا منطقه بحر هند به زون صلح و آرامش مبدل گردد .

در پیام فد راسیون به پیشواز کنگره جهانی زنان آمده است که :

« بر خورد ما در برابر قضایا و بلم های کنونی جهان می تواند متفاوت باشد ولی ما معتقدیم که مبارزه بغاطر صلح و استحکام مواضع آن ، تلاش همه جانبه در جهت سعادت و امنیت خانواده ها و کودکان مان همه ما را باهم پیوند میدهد . »

فدراسیون ساز مانهای زنان جاپان (فودا نرین) در جهت تحقق و رعایت سه پرئسیپ: سلاح ذروی نباید تولید گردد ، نباید خریداری شود و نباید در سر زمین های دیگر جا بجا گردد کار عظیم و پر ثمری را ساز مان میدهد. خاطره قربانیان بمب ذروی شهر های ناکاساکی و هیر وشیما برای همیشه نزد زنان جاپان باقی خواهد ماند.

همه ساله در سر تاسر جاپان این تاریخ را به مثابه عزای ملی بر گزار می کنند .

در سال ۱۹۸۱ « فودا نرین » ضمن اشتراک در کمپاین عنعنوی بهاری بغاطر صلح طرح لغو قرار داد نظا می جاپان و امریکا و اخراج پایگاه نظا می امریکا را از قلمرو جاپان، به پیش کشید .

نقش زنان آلمان فدرال در مبارزه علیه ملیتاریزم و نیو فاشیزم بطور بی سابقه ارتقاء یافته است .

در سال ۱۹۸۰ زنان دمو کرات جمهوری فدرال آلمان در شهر دیوسلدورف گرد آمده و طی اعلامیه خطاب به کلیه زنان آلمان خاطر نشان ساختند که: « احیای مجدد فاشیزم و بروز جنگ را هر گز اجازه نخواهیم داد. از حقوق زنان دفاع خواهیم کرد و بغاطر تعکیم سیاست رفع تشنج بطور دوامدار خواهیم رزمید »

این بود تاریخچه مختصر از تلاشهای صلح جویانه فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان بغاطر جلوگیری از اشتعال غربیست جنگ و خوشبخت زیستن همه باشندگان سیاره ما .

کنگره سر تاسری زنان جهان از ۸-۱۳ اکتوبر در پراگ تحت شعار (مساوات ، استقلال ملی و صلح) در شرایطی گشایش می یابد که تن آ ما سیده امیر یالیزم باز هم در صدد آنست تا با مشتعل ساختن جنگ بخیال خودشان خود را از مرداب نابودی نجات دهد .

یکبار دیگر درین کنگره مسأله اشتراک زنان در مبارزه علیه مسابقات تسلیحاتی و جنگ مورد مباحثه قرار خواهد گرفت و یکی از کمیسیونهای کنگره روی پرو بلم اشتراک زنان در مبارزه بغاطر امر صلح و خلع سلاح فعالیت خواهد نمود .

اخیراً کمیته زنان شوروی طی پیامی بهمه زنان جهان اعلام داشته است تا مبارزات خود را در راه منع مسابقات تسلیحاتی آ غاز و خطر جنگ ذروی را نابود کنند . درین پیام از همه زنان جهان دعوت بعمل آمده تا فعالانه برای تخفیف تشنج بین المللی سهم گرفته و از پیششهادت در باره صلح و امنیت در منطقه خلیج فارس ، درباره ایجاد زونهای بدون سلاح ذروی در افریقا ، امریکای لاتین و شرق میانه ، درباره تاسیس زونهای صلح در جنوب شرق آسیا ، در بحر هند و مدیترانه ، درباره استفاده از تدابیر اعتماد در شرق میانه ، حمایه و پشتیبانی نمایند .

در اعلامیه گفته میشود : شرکت نمایندگان همه زنان جهان و جمعیت های مترقی در کنفره سرتاسری زنان که از ۸-۱۳ اکتبر در پراگ گشایش می یابد ضربه نیرو مند و سد مستحکمی در برابر فعالیت های تجاوزکارانه امپریالیزم خواهد بود و یقیناً این کنگره به سنگر مطمئن جنبش عمومی زنان برای نابودی خطر جنگ و تأمین دوام در صلح مبدل خواهد شد .

سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان به نمایندگی از همه زنان کشور با وضاحت کامل پشتیبانی همه جانبه خود را از متن اعلامیه کمیته زنان شوروی اعلام میدارد و در همه سیمینار ها ، کنگره ها و ملاقات های که به ابتکار فدراسیون به منظور تأمین امر صلح جهانی صورت می گیرد فعالانه شرکت خواهند نمود .

شورای مرکزی سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان در پیام جوابیه این اعلامیه عنوانی کمیته زنان شوروی و عنوانی بوروی فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان متذکر می گردد: « ما زنان افغانستان با احساس عمیق و دقت تمام پیام کمیته زنان شوروی را به زنان جهان استماع نمودیم . ما در نگرانی و تشویش تان که از تلاشهای تهاجمی و دستبرد زدن امپریالیزم به داعیه صلح و امر دیتانت ناشی می گردد ، خود را عمیقاً سیم میدانیم . کورس جدید تشدید مسابقات تسلیحاتی که توسط امپریالیزم جهانی آ غاز گردیده است ثبات و تعادل او ضاع بین المللی را بهم میزند و امکانات بروز جنگ را هر چه بیشتر گردانیده است .

امروز ثروت های مادی و معنوی فراوانی را که باید در جهت رفع نیاز مندی های خلقهای کشور های کم رشد مورد استفاده قرار می گرفت ، مسابقات تسلیحاتی و تدارکات جنگی بکام خویش فرو می برد .

دفاع از مواضع صلح، اینست مقدس‌ترین وعده‌ترین و وظیفه هر انسان سیاره ما بویژه زنان، زیرا زن بمثابة مادر بیش از هر کسی دیگر از مصیبت جنگ متضرر گردیده و از آنجائیکه تأمین سعادت کودکان، آراش‌کانون خانواده و ترقی اجتماعی تنها در شرایط صلح آیز امکان پذیر است بناً زنان مترقی جهان بخاطر سعادت خود و کودکان خویش در پیشاپیش سپاه هوا داران صلح، آنانیکه علیه جنگ، تو سعه بود چه های نظامی و خطر تصادم اتمی می‌زمند، حرکت میکنند.

ما زنان افغانستان بخاطر سا ختمان جا معه مسعود و شگو فان مانند هر خلقی به صلح و آرامش نیاز مندیم.

پلانیهای ابتکاری صلح آیز اتحاد شوروی را به مثابه پلان عملی تشنج زدایی و تأمین اعتماد بین دول و امنیت دسته جمعی ارزیابی نموده پشتیبانی قاطع خویش را از آن اعلام میداریم.

پیشنهادات جدید اتحاد شوروی پلان مشخص و عملی ثبات اوضاع را در اروپا عادی شدن وضع در شرق میانه و ایجاد فضای اعتماد متقابل در شرق دور و میانه محسوب می‌گردد و گرانتهی مطلوب جهت تأمین صلح پایدار و جلوگیری از تصادم اتمی میباشد.

از پرو گرام صلح لیو نید ایلچ ریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی برای سالهای ۸۰ تأیید و پشتیبانی عمیق و قاطع خود را اعلام میداریم.

از پیشنهاد سازمان ملل در ارتباط با تدویر کنفرانس جهانی در سال ۱۹۸۱ که در شهر کولمبو تحت شعار مبدل ساختن منطقه بحر هند به منطقه صلح برگزار می‌گردد پشتیبانی میکنیم.

و پشتیبانی بیدریغ خویش را از طرح های صلح آیز اتحاد شوروی در ارتباط با اعلان منطقه خلیج فارس بمثابة صلح و امنیت و اعلان قاره امریکای لاتین و شرق میانه بمثابة زونهای بدون سلاح زوری و مبدل شدن جنوب شرق آسیا و منطقه بحر هند به زون صلح و امنیت و ایجاد فضای اعتماد در شرق دور اعلام می‌داریم.

در شرایط توطئه های امپریالیزم امریکا، هژمونیزم چین علیه و طن محبوب و انقلابی‌ها، زمانیکه امپریالیزم در تبانی با متحدین خویش جنگ اعلان نشده را علیه خلق ما برانداخته است مبارزه بخاطر صلح و موکانون های جنگ برای ما زنان افغانستان اهمیت ویژه و بخصوصی را کسب می‌نماید.

زنان کشور ما که بیش از هر وقت دیگر بدور دور سازمان دموکراتیک زنان افغانستان حلقه زده اند نقش قابل ملاحظه را در تحکیم وحدت و یکپارچگی خلقهای مادرسا ختمان جامعه نوین در پیکار مقدس و دشوار مردم علیه دشمنان وطن و انقلاب ملی و دیموکراتیک ما ایمن گماشتگان امپریالیزم وار تجاع ایفاء مینمایند.

آنان بخاطر سعادت کودکان و مقاطعه بارنج ، فقر ، گرسنگی و بیکاری بی امان می‌رزند .

بخاطر تأمین شرایط مساعد جهت شرکت فعال و سهم گیری پر ثمر زنان در امر انقلابی پروسه نو سازی و تولید اجتماعی تلاش می‌ورزند ، تا باشد زن مقام شایسته خویش را در جامعه احراز نماید .

ما یکجا با همه بشریت مترقی و حلقه‌های اجتماعی خلق‌های جهان در يك سنگر و احد بخاطر صلح و سعادت آیندگان ما ، بطور دوامدار خواهیم رزمید .

اقدام بیش‌زمانه رئیس جمهور د یگن رامینی بر کمک نظامی به باند های ضد انقلاب افغانستان شدیداً محکوم نموده ، از جاسار و نفرت عمیق خویش را علیه شیوه های ضد انسانی ترو ریسم بین المللی به سر دمداری امریکا ابراز می نمایم .

این سیاست تقنین آ میز و فتنه گرانه مانع حل سیاسی او ضاع در اطراف افغانستان می گردد .

ما کمک برادرانه و به موقع اتحاد دشو روی را به خلق افغانستان در دشوار ترین لحظات مرگ و زندگی حائز اهمیت حیاتی تلقی نموده سپاس عمیق خویش را نسبت به خلق شوروی از يك نسل به نسل دیگر انتقال خواهیم داد .

رفیق ببرک کار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو کراتیک افغانستان ضمن سخنرانی در کنگره ۲۶ حزب کهو نیست اتحاد شوروی چنین گفتند :

« اگر کمک بموقع اتحاد شوروی بزرگ به افغانستان قهرمان نمی بود ، امروز افغانستان انقلابی ، آزاد ، مستقل و غیر متعبد و جودنوی داشت ، حزب و طنپرستانه و انترنا - سیمو نالیستی ما هیچگاه این کمک برا درانه را فرا موش نخواهند کرد .

خواهران گرامی شوروی !

بشما اطمینان مید هم که ما زنان افغانستان رسالت و طنپرستانه وانترنا سیمو نا لیستی خود را تشخیص داده همه نیروی خویش را تجویز نموده دوش بدوش شما در پیشاپیش پیکار خلقها بخاطر صلح ، دمو کراسی ، ترقی اجتماعی از يك پیروزی به پیروزی دیگر حرکت خواهیم کرد . »

جنبش دموکراتیک بین المللی ز نسان درفشدار راستین جنبش هواداران صلح است. امروز ما نند سی و پنج سال قبل فدراسیون زنان را به مبارزه جهت تحکیم صلح و علیه جنگ فرا می خواند .

صدای او ژنی کو تون هنوز در گوشه‌ها طنین انداز است که می گفت : « ... بیاد آ ورید قربانیان مارا، مجروحین و معیوبین مارا، آنانی را که سعادت آینده خویش را جاویدانه در پای بشریت ریخته اند .

بیایید بخون قربانیان راه آزادی بشریت از جنگال فاشیزم سوگند یاد نمائیم که بغا طر ایجاد و اعمار د نیای جدید و زیبا و علیه جنگ چون مشت پولادین یکپارچه شویم .. » نیروی ز نان عظیم است اگر در مبارزه علیه جنگ و نیستی متحد شوند ، جنگی نخواهد بود .

والینتینا تیکا چینکازن سخنور شو ر و ی میگوید :

شبنم های اشک مادران داغ دیده

که بر آ راگاه فرزندان و دختران خویش ریخته اند ،

بر مزار آ نانیکه در کار زار های مرگ وزندگی

مرگ را بخاطر ز ندگی پذیرفته اند

سر انجام به بحر پر خروش و طوفانی بدل خواهند شد ،

و آنانی را که خیال آ تش زدن جهان را دارند،

بکام خویش فرو خواهد برد .

* * *

اکنون برای تمام نیروهای ترقی خواه و به خصوص زنان و مادران سراسر جهان علماً و عملاً با ثبات رسیده که آزادی نهایی زنان از قید و بند خرافات قرون گذشته صرفاً در شرایط امکان پذیر است که جامعه را حل تسلط قدرت های اقلیت استثمارگر را طرد نموده و توده های اکثریت زحمتکش و در راس طبقه کارگر قدرت سیاسی را بدست آورده باشد.

که این شرایط هم صرفاً با استقرار نظام سوسیالیستی در جامعه و نهاد های جدید اجتماعی آن که مخصوص شرایط خاص آن است ایجاد میگردد.

از همینجا ست که توده های ملیونی زحمت کشان سراسر جهان بخصوص زنان و مادران آگاهانه و هدفمند در صدد ها سنگر با عشق و علاقه آتشین میزنند قربانی میدهند و قدم به قدم به مرحله به مرحله شرایط را برای استقرار جامعه نوین آماده میسازند.

امروز نمونه های کشورهای سوسیالیستی و در راس کشور بزرگ و کثیر الملک شوراهای تجارب گرانمایی را در مورد حل علمی موضوع زن بدست رس بشریت مترقی گذاشته است.

درین جامعه نمونه حل درست موضوع زن را در کشورشوراهای مطالعه خواهیم کرد که امید است تجارب آن مورد استفاده هوا خواهان حقیقی آزادی زنان قرار گیرد.

حل مسأله زن در کشور های سوسیالیستی در مثال :

زن آزاد در اتحاد شوروی

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که در سال ۱۹۱۷ در روسیه به پیروزی رسید: مشابه نقطه عطف در تاریخ بشریت، سر آغاز دوران جدید، گزار از سرمایه داری به سوسیالیسم بشمار می رود. پیروزی انقلاب اکتبر کلید حل بفرنج ترین پرابلم های اجتماعی را در دست بشریت داد. قدرت استثمارگران را سرنگون نموده مالکیت خصوصی را به مالکیت سوسیالیستی مبدل ساخت، حل عادلانه مسئله اراضی را به نفع دهقانان میسر گردانید، امکانات رفاهی خلق های وابسته از یوغ ستم و استعمار را تا مین نموده برای خلق ها حق تعیین سر نوشت را به ار مغفان آورد.

با استقرار قدرت شورا ها شرایط لازم جهت تامین برابری واقعی زن با مرد در اجتماع بوجود آمد.

اولین فرمانهای دولتی شوروی که به امضاء لنین صادر گردید با آرمانهای زنان مطابقت کامل داشت. برای اولین بار زنان به کسب حقوق سیاسی مساوی با مرد، حق کار، دریافت دستمزد مساوی ناظر گردیدند. قوانینی که تا مین هر موقوف مساوی آن در خانواده بود پاس گردید.

تصویب قانون حفاظت کار زنان و اطفال، حمایت مادر و کودک همه و همه مثال های برجسته مواظبت بزرگ دولتی شوروی از زن مشابه مادر است.

سند عمده زندگی مردم شوروی اولین قانون اساسی جمهوری جوان بود که در سال (۱۹۱۸) پاس شد که ضمن آن برای همه اتباع شوروی صرف نظر از تعلقات جنسی، نژادی و ملیت حقوق مساوی تضمین گردید.

در سال (۱۹۱۹) لنین با سر بلندی و افتخار چنین گفت: « حکومت شوروی مشابه قدرت زحمتکشان در اولین روز های استقرار خود با هر آنچه که به حقارت و اسارت زن می-

انجا مید مقاطعه نموده و بزرگترین کامپارا درجهت برابری قانونی ز نان بر داشته است .
حزب کمو نست اتحاد شوروی به مساوات زن در چو کات قانون اکتفا نموده برای تا مین
برابری واقعی زن در عمل پیکار کرده است .

دو لت شورا ها از همان آ غاز استقرار خود توجه بخصوصی را به میتود ها و شیوه های
کار بخصوص در بین زنان مبذول داشته است .

در دشوار ترین روز های بعد از پیروزی انقلاب ، ز مان جنگ داخلی ، گرسنگی ، ویرانی ،
تجاوز خارجی و مبارزه حاد طبقاتی در شرایط کشوریکه بیش از صدمه ملیت که هر کدام در سطح
مختلف تکامل قرار داشت بسر می بردند و بصورت مطلق همه زنان بیسواد بودند ،
حزب کمو نست شوروی آن میتود های کار را در بین زنان بر گزید که برای آ نان قابل درک
و فهم بود .

بعد از تدویر اولین کنگره سر تا سر ی زنان کارگر و دهقان در همه مناطق و نواحی
شوروی در پهلوی کمیته های حزبی کمیسیون ها و بعد تر شعبات بخصوصی جهت کار در
بین زنان ایجاد گردید .

در شرق شوروی که بقایای خرافات گذشته قبالا وجود داشت کار تنویری ، سازماندهی
و پرورش در بین زنان با در نظر داشت سنن و عینات پسندیده مردم و احترام به عقاید آنان
صورت می گرفت .

در این محلات علاوه بر جلسات نمایندگان زنان ، کلپهای ز نان کارگر و مرا کسز
اجتماعی ز نان دهقان تاسیس یافت . در چو کات این مراکز ز نان سواد می آموختند ،
تعلیمات مسلکی فرا گرفته سطح دانش حرفوی و مسلکی شان ارتقا می یافت . همچنان مشوره
های طبی در یافته ، مراقبت از نو زاد و تربیه طفل برایشان تدریس می گردید .

شرکت زنان در کار های تولیدی

سوسیالیزم در برابر ز نان افقهای وسیعی را گشود و امکانات اشتراك فعالانه آ نان را در
پروژه تولید میسر گردانید .

شرکت زنان در امر تولید اجتماعی عامل مهم رشد شخصیت زن ، ارتقای سطح شعور
سیاسی و اجتماعی او بحساب میرود . کار اجتماعی استعداد های زن را شکوفان ساخته
و دانه د لیبستگی های او را وسیع تر میسازد .

سوسیالیزم برای زنان حق کار ، حق انتخاب آزاد حرفه و مسلک ، حق دریافت
دستور مساوی با مرد در برابر کار مساوی ، حق استراحت حفاظه کار زن ، حق استفاده
از تفریحات اجتماعی و مادی در صورت عدم قابلیت کار را تضمین می نماید .

در اتحاد شوروی جهت جلب و جذب زنان به پرورش تولید کار و همه جا نبه صورت گرفته است که دنیا میک از تقای نقش ز نان در تولید اجتماعی ثمر گرانبهای این کار و بیکار بوده است .

قبل از جنگ دوم جهانی ۱۳ر۲ فیصد زن در عرصه های مختلف اقتصاد ملی مصروف بودند از سال ۱۹۵۰-۱۹۷۸ تعداد زنان مشاغل از ۱۹ر۲ تا ۵۸ر۵ ازدیاد یافته است و فعلا پانزده فیصد افراد مشغول کار زنان هستند .

پنجاه فیصد کارگران و مستخدمین، چهل و هشت فیصد کلخوز ها ، چهل و پنج فیصد کارگران سفخوز ها را زنان تشکیل میدهند .

چهل و هشت فیصد کارگران و مستخدمین امور تجارت و تغذیه اجتماعی ز نان اند . در عرصه های مختلف امور صحت عامه تر بیت بدنی و تصمیمات اجتماعی هشتاد و سه فیصد زنان مشغول کار اند و همچنان هفتاد و چهار فیصد کارمندان امور آموزشی ملی و هفتاد و چهار فیصد مشغولین امور فرهنگی را زنان تشکیل میدهند .

زنان در رشته های اتوما تیزه شده تولید نیز شرکت و سبب دارند . بطور مثال در رشته های تولید سامان آلات برقی ، رادیو تخیلیک و غیره چهل و پنج تا چهل و هفت فیصد کارگران صنایع تولید ابزار آلات الکتریکی زنان هستند .

تعداد ز نان انجنیر رو به افزایش است . اکنون نود و پنج فیصد مجموع متخصصین زن دارای تحصیلات عالی اند .

سی و سه فیصد انجنیران ، چهل فیصد متخصصین فنی ، چهل و نه فیصد انجنیران صنعتی ز نان می باشند . در نتیجه انقلاب علمی و تخیلیکی کار دهقان زنان از لحاظ کیفیت خویش تغیر نموده به کار میکانیزه شده مبدل گردیده است هزاران زن شوروی موفقانه نوین ترین تخنیک زراعتی آشنا میشوند . زنان دهقان در موسسات اتوماتیزه شده مرغداری ، در کمپلکس های دامپروری بکار می پردازند .

امروز چهل فیصد متخصصین امور زراعتی را زنان تشکیل میدهند . انگیزه زن شوروی در کار و تولید تنها بدست آوردن يك مشت پول نیست ، او آگاهانه در تولید اشتراك می ورزد و بدین ترتیب می خواهد در امر سازش ختھان جا معه نوین اشتراك و رزیده و نقش خود را درین نو سازی ایفا نماید . او می خواهد سطح رشد فرهنگی خود را ارتقا بخشد ، ابتکار و خلاقیت از خود نشان بدهد .

مشخصه عمده سوسیالیزم شرکت و سیسج زنان در رهبری تولید است . امروز بیش از نیم میلیون زن زحمتکش بحیث آمران و اداره کنندگان موسسات تولیدی مشغول کار اند . همگام بانکامل انقلاب علمی و تخنیکي ، ارتقای درجه تخصص و دانش مسلکی زنان در دستور روز قرار می گیرد .

پرورش کادر های فنی و متخصصین در چوکات شبکه های و وسیع مکاتب مسلکی و همچنان مو سسات صنعتی و کو رسها صورت می گیرد .
همین اکنون از جمله د و ملیون فارغان چهار صد هزار مکتب مسلکی سی فیصد آن را زنان تشکیل میدهند .

هر سال بیست و پنج ملیون نفر مستقیماً در موسسات صنعتی ، دانش مسلکی کسب می کنند که یک بر سه حصه این رقم زنان اند .

در نتیجه این تدابیر سطح تخصص زنان بلند رفته از یکسو مقدار دستمزد آنان بیشتر می گردد و ازسوی دیگر این امر عامل مو ثری برای رشد شخصیت زنان و تثبیت مقام اجتماعی آنان محسوب می گردد . موا ظبت و بررسی شرایط کار زنان در اتحاد شوروی وظیفه دولت است . طول روز کار هشت ساعت و پنج روز کار در یک هفته در کشور شوراهای پذیرفته شده است .

شورای و زیران و اتحادیه های مسلکی اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۸ مصوبه را پاس نمودند که ضمن آن بخاطر اتخاذ تدابیر اضافی جهت بهبود بخشیدن شرایط کار زنان مشاغلی در امور اقتصاد ملی ، گماشتن زنان به یکسلسله کار های شاقه و مضر به صحت منع قرار داده شده است . زنانی را که قبلاً مصروف این رشته ها بوده اند به تحصیل مسلکی در رشته های دیگر گماریدند و درایام تحصیل معاش قبلی را به آنان می پرداختند . همه این تدابیر جهت تامین مصئونیت درکار برای زن بمثابة مادر باد نظر داشت مشخصات فیزیولوژیکی او اتخاذ گردیده است .

زن شوروی به مثابه شخصیت اجتماعی

ارتقا مداوم فعالیت سیاسی زنان و سهم گیری و وسیع زنان در پیشبرد امور اجتماعی یکی از مشخصات برجسته نظام سوسیالیستی محسوب می گردد .

زنان کشور شو را ها همانند همه خلق آن کشور حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند . در نهمین دوره انتخابات شو رای عالی اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۰ به نود و نه اعشاریه نود و نه انتخاب کنندگان شرکت ورزیدند . واز جمله نمایندگان شو را های محلی ۹۹٫۴ فیصد آنرا زنان تشکیل میدهند .

همچنان ۴۱۷ یا ۳۵۹ فیصد نمایندگان شوراهای عالی جمهوریهای اتحاد شوروی را زنان تشکیل میدهند .

از جمله نمایندگان شورای عالی اتحاد شوروی چهار صد و هشتاد و هفت تن آن زنان اند . زنان بطور فعال در کار کمیسیونهای تدوین قوانین ، طرح پلانیهای اقتصاد ملی و بودجه دولتی و در حل مهم ترین مسایل سیاست داخلی و خارجی شوروی شرکت می ورزند .

در امور داد رسی و حقوقی نیز نقش زنان قابل ملاحظه است . ۳۳۱ و یا ۳۱۰۹ دادرسی در اتحاد شوروی زن است .
 نقش ساز مانهای اجتماعی در حیات دولت شورا ها رو به افزایش است . دختران جوان در عملکرد ساز مان کمسومول فعالانه اشتراک می ورزند . پنجاه و دو فیصد اعضای صفوف سازمان لنینی جوانان اتحاد شوروی را دختران تشکیل میدهند .
 زنان در کار اتحادیه های صنفی نیز بطور فعال شرکت می کنند . پنجاه فیصد اعضای اتحادیه های مسلکی و صنفی را زنان میسازند .

انقلاب فرهنگی و نقش آن در حل مسائل زن

یکی از اجزای متشکله پلان ساختمان سوسیالیسم را انجام انقلاب فرهنگی تشکیل میدهد . لنین ضمن تدوین این پلان توجه خاصی به حل مسئله زن مبذول داشته و معتقد است که به سر انجام رسانیدن حل عادلانه مسئله زن و تامین برابری واقعی او شرط عمده بحساب میرود . توده های هر چه وسیع تر زنان باید به شرکت در انجام دگرگونیهای سیاسی ، اقتصادی واجتماعی جا معه جلب گردند .

قبل از پیروزی انقلاب اکثر پدر و سیه سه بر چهار حصه نفوس بی سواد بودند .

در سال ۱۹۰۸ مجله پرورش مقاله ای بنشر رسانیده ضمن آن به این نتیجه رسید بود که جهت محو بیسوادی بصورت قطعی در بین زنان دو صد و هشتاد سال ضرورت است . ولی دولت شورا ها در طول چند دهه این مسئله را بطور موفقانه حل کرد و در سال ۱۹۳۹ بیسوادی کاملاً محو شده بود .

همین اکنون پنجاه و شش فیصد زنان در مکاتب مسلکی مصروف تحصیل اند . از جمله محصلان آموزشگاه های عالی پنجاه و یک فیصد آنرا زنان تشکیل میدهند .
 تعداد زنان رو شنفر رو به افزایش است و این امر بیانگر شکوفائی فرهنگی شوروی می باشد .

هفتاد فیصد آموزشگاران و معلمان و شصت و نه فیصد دوکتوران زنان اند . در سال های اخیر تعداد زنانیکه در بخشهای مختلف علمی مصروف کار اند سه مرتبه افزایش یافته است .

چهل فیصد کار مردان علمی را در اتحاد شوروی زنان تشکیل می دهند . زنان در فعالیت های اتحادیه های مبتکر نویسندگان ، خبرنگاران ، آهنگ سازان ، هنر مندان ، معماران و غیره وسیعاً سهم می گیرند . نظم سوسیالیستی همه شرایطی را که به زن اجازه میدهد تا نقش اجتماعی خود را با انجام وظایف مادری پیروز مندانه تلفیق نماید ، تا مین نموده است . تسهیلات فراوان اجتماعی زن را به جابه یاری می رساند .

زن شوروی در خانواده نیز عضو تام الحقوق محسوب می گردد . زن جامعه شوروی از حق مساوی انتخاب همسر ، اشتغال ، سکونت ، انتخاب تخلص بر خود دار است .

جلب فعال توده های و وسیع زنان به کار و زندگی اجتماعی ، مرز های کهنه تقسیم کار بین زن و مرد را از میان برداشت .

قبلاً تنها مرد نان آور و تامین گر ما دی در فامیل بود . زن تنها محافظ خانه مسؤول امور مطبخ و بچه داری بشمار می رفت . ولی امروز زن مشغول کار تولیدی بوده در فعالیت های اجتماعی و وسیع نقش دارد .

او در همه عرصه های کار و یکبار با طبیعت از زمین تا فضا و اعماق معادن همگام و همپای مرد دست و پنجه نرم نموده و طبیعت را بنفع بشریت و تکامل جامعه سوسیالیستی تغییر شکل میدهد .

ایجاد شبکه های و وسیع خدمات برای اطفال از قبیل کو دکستانها ، شیر خوار گاه ها ، اردوگاهها ، مراکز اجتماعی اطفال به زن شوروی این امکان را میسر ساخته است که عضو فعال جامعه و مادر مهربان و باتوجه باشد . گراف توسعه شبکه های خدمات به اطفال حرکت صعودی دارد . بطور مثال در سال ۱۹۷۸ در یکصد و بیست و دو هزار کودکستان سیزده میلیون و یکصد و هفتاد و هفت هزار طفل پرورش شده اند .

همچنان تعداد زیاد موسسات ویژه ای اطفال وجود دارند . در سال ۱۹۷۸ تقریباً از پنج میلیون طفل درین موسسات مواظبت بعمل آمده است . در نگهداری اطفال موسسات و مراجع خارج از مکتب نقشی با اهمیت را ایفا می کنند . بطور مثال کاخ های پیش آهنگان ، مراکز تخیلی کودکان ، ستاد یومها ، کتابخانه های اطفال ، بنگاه های توریستی و گروه های روز های تمهید شده و غیره .

در خطوط اساسی انکشاف اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی که در کنگره (۲۶) حزب کمونسٹ اتحاد شوروی تصویب شد یکی از مسایل محوری این پلان را بهبود بخشیدن شرایط کار و زندگی زنان و همگامی تشکیل می دهد .

در ماه مارچ (۱۹۸۱) بلافاصله بعد از ختم کار کنگره مصوبه شورای وزیران اتحاد شوروی پاس شد که به تاسی از آن زنان از هر خاصی یکساله بعد از وضع حمل با حفظ

دستمزد و ترفیع استفاده کرده می توانند . همچنان با بدنی آبدن طفل مقدار پنجاه روبل از جانب دو لک به فامیل کودک مدد میرسد.

همه این واقعیت ها و فاکتورها ، مظهر زننده مواظبت خستگی ناپذیر حزب و دو لک شوروی از زن به مثابه انسان زحمتکش و مادری باشد .

شرکت زنان شوروی در جنبش دموکراتیک بین المللی زنان

زنان شوروی در فعالیت فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان بطور فعالانه اشتراک میورزد .

کمیته زنان شوروی با (۲۵۰) سازمان ملی زنان (۱۱۳) کشور مختلف با سازمان های منطقه ای و بین المللی روابط دو ستانه دارد.

با تبادل هیات های نمایندگی ، اطلاعات و تجربه کار ، این روابط تحکیم متداوم می یابد و همچنان در تداوم سیاست حزب و دو لک شوروی به جهان نقش ارزنده را ایفاء میکند.



والنتینا ترشکوا اولین زن فضا نورد جهان و رئیس کمیته زنان شوروی .



مبارزه بخاطر سعادت کودکان

۱ طفل آینده ما را میسازند ، آنان ادامه دهندگان راه پدران و مادران خویش اند . مطمئن که دنیا را مسعود تر و زیبا تر خواهند ساخت . طنین بر مسرت خنده آنان کانون خا نوادهای ما را حرارت و نور می بخشد . بنا وظیفه بشریت است تا نگذارد هیولای جنگ تبسم کودکانه را از لبان اطفال مان بدزدد . باید همه اطفال جهان در فضای صلح آمیز وآرامش رشد یابند . بخاطر ایجاد شرایط لازم جهت رشد سالم آنان و تامین سعادت برای هر کودک باید بیامان روز مید .

۲۲ سال قبل فدرا سیون دموکراتیک بین المللی زنان طرح ابتکاری را پیش کشید که ضمن آن از جهان خواستار گردید تا روز اول ماه جون را به عنوان جهانی کودک تجلیل نمایند .

۲۵ سال ما را از حادثه پرا هیئت در زندگی کودکان فاصله میدهد . در سال ۱۹۵۶ سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق کودک را تصویب نمود . در حالیکه ۲۵ سال از صدور این اعلامیه بشر دوستانه میگذرد ، اصول و محتویات آن برای بسیاری از کودکان جهان روی کاغذ باقی مانده است .

اعلامیه توجه دولت‌ها را به کودکان و نسل جوان جلب نموده و حاوی اصول های ذیل است :

- هر طفل و کودک کی حق دارد علاقه و محبت داشته باشد و مورد محبت و علاقه قرار گیرد .

- هر طفل و کودک کی حق دارد غذای کافی بخورد و از مواظبت صحی برخوردار باشد .

- داشتن نام و ملیت حق هر طفل؛ کودک است .

- هر طفل و کودک کی حق دارد بیا موزد که عضو مفید جامعه باشد و قابلیت های افراد ی خویش را انکشاف دهد .

- تفریح و ساعت تیری کافی از حقوق مسلم و بدیهی هر طفل و کودک است .

- در صورت معیوب بودن ، هر طفل این حق را دارد که از وی به صورت خاص مواظبت به عمل آید .

- نشو و نما در یک محیط مسالمت آمیز حق هر طفل و کودک است .

- هر طفل و کودک کی حق بهره گیری از کلیه امتیازات متذکره را بدون تبعیض نژادی ، رنگ ، جنس ، دین ، ملیت و سایر بنیاد های اجتماعی دارد .

در اعلامیه گفته میشود :

مواظبت از طفل وظیفه جامعه است .

جامعه مکلف است تا برای اطفال همه امکانات و شرایط لازم را جهت رشد اجتماعی ، معنوی و فیزیکی و شکوفایی استعداد هایشان در فضای صلح آمیز و آرامش تضمین نماید .

مجموع کودکان جهان یک میلیارد و ششصد میلیون است یا به عبارتی دیگر یک ربع باشندگان سیاره ما را کودکان تشکیل می‌دهند. همه روز ۳۳۴ هزار طفل بدنیا می‌آید و لی خواننده عزیز بایند به ارقام و فاکت‌ها برگشته از وضع رقت‌بار کودکان اکثریت کشورها مطلع گردیم.



دو نمونه از وضع رقت‌بار اطفال در کشورهای عقب نگه‌داشته شده.

به اساس آمار رسمی امروز ۱۰ میلیون طفل جهان در اثر گرسنگی محکوم به مرگ اند. نیمی از کودکان جهان به امراض سوء تغذیه خفیف، متوسط و شدید مصاب‌اند. ۵۰۰ میلیون کودک در شرایط خیلی ناگوار زندگی می‌کنند، ۱۳۵ میلیون کودک از آموزش محروم‌اند. ۱۰۰ میلیون کودک جای تحصیل به کار مشغول‌اند، از هر ۲۵ طفل فقط یک طفل از خدمات بهداشتی بهره‌مند می‌شود، از ۶۵ میلیون دختری که در سال ۱۹۷۵ مادر شده‌اند سیزده میلیون آن هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند، ۵۰ فیصد اطفال از یک‌الی پنج ساله همیشه گرسنه‌اند.

در کشورهای امریکای لاتین هر سی‌تا نیه یک طفل در اثر گرسنگی می‌میرد، وضع کودکان سیاه‌پوست نیز خیلی رقت‌بار است. از جمله هر هزار طفل باشندگان سیاه‌پوست سیارمه‌اسه صد طفل بنا بر رقت مواد غذایی قبل از رسیدن به سن ۶ سالگی محکوم به مرگ است.

۶۰ فیصد کودکان در دهات و ۴۰ فیصد در شهرهای کشور مراکش با گرسنگی دوا مدار مواجه‌اند، که در نتیجه با امراض مد‌هشی چون تو بر کلوز، راشید، طیف و غیره مصاب می‌گردند. در فصل چهارم این اعلامیه آمده است.

«کودک حق دارد تا از تا مینا ت اجتماعی جهت رشد سالم و همه جانبه برخوردار

باشد.»

و لی با کمال تا سف هشت صد میلیون کودك (۱۰۹) کشور جهان در دشوار ترین و نا مساعد ترین شرا یط زندگی می کند ، بیش از پنج صد میلیون طفل به سیستم بهداشتی و «غذالصحه دسترس ندارد . تنها در ده سال اخیر در کشور های امریکا ی لاتین شگوفه های زند گی هفت صد میلیون و يك صد هزاركودك به علت ندا شتن دارو و علم تداوی پژ مرد وپر پرشد .

در کشور السلوا دور از جمله هر هزارحادثه مرگ و میر ۱۲۰ حادثه آنرا مرگ و میر اطفال تشکیل میدهد . و این رقم در کشور گواتیمالا به (۲۰۰) حادثه می رسد .

در یونان مرگ و میر اطفال فی هزار۳۴۳، در ایالات متحده امریکا ۳۰ وحشتناك ترین رقم مرگ و میر نو زادان در کشورهای اروپای غربی بویژه در آلمان فدرال به ملاحظه میرسد . همه ساله ۲۶ فیصد نو زادان درین کشور طعمه مرگ اند .

در قاره افریقا ۱۳۱ حصه كودكان نارسیده به سن پنج سالگی می میرند وازجمله هزار طفل تنها ۳۰۰ طفل به سنین بلوغ میرسند .

شبکه های خدمات برای اطفال درکشور های سرمایه داری خیلی محدود بوده وعمدتا به انحصارات بزرگ تعلق دارند وتوده های مردم به آنها دسترس ندارند . تعداد كودكستانها و شیر خوار گاهها در کشور های کاپیتالیستی ناچیز است وتنها يك فیصد مجموع اطفال این کشور هایتواننداز آن استفاده نمایند .

بطور مثال شبکه هایخدمات برای اطفال در فرانسه از جمله (۲۰۰) هزار طفل سنین كودكستان و شیر خوار گاه تنها (۳۳) هزارطفل را می تواند بپذیرد . كودكستانهای امریکا گنجایش يك میلیون طفل را دارد در حالیکه ۵ میلیون طفل امریکایی به آن نیاز مند است .

در استرالیا تنها ۱۷ فیصد مادران می توانند اطفال خویش را به كودكستانها و شیر خوار گاهها بفرستند . (۴۳) فیصد مادران كه اطفال شان دارای سنین ۱-۵ سال اند مجبور اند از پروسه تولید بـلـو ربانند .

تعلیم و تحصیل رایگان و اجباری ابتدایی حق مسلم همه اطفال است . این امر در اصل هفتم اعلامیه حقوق طفل درج گردیده است .

ولی در واقعیت امر چنین نیست بنابراین و آمار منتشره توسط یونسکو تعداد اشخاص محروم نعمت سواد در اکثر نقاط جهان رو به افزایش است . تقریبا در ۴۰ کشور جهان سیستم تعلیم اجباری وجود ندارد .

۷۵ فیصد نفوس کشور های افریقا بی و ۵۰ فیصد نفوس کشور های آسیای بیسواد اند . کاپیتا لیزم ۱۰۰ میلیون طفل سنین- ۱۱ سالگی را در پشت درب های بسته مدرسه گذاشته است .

فقر و بی پولی از عوامی مهمی است که کودکان را از تحصیل باز میدارد و آنان را در سنین پایین روانه بازار کار میکند .

بطور مثال در مراکش ۷۵ فیصد اطفال ، در یونان يك میلیون و چهل هزار کودک بالاتر از سن ده سالگی به مدرسه را هی ندارند . ۴۰ درصد اطفال کشور اسپانیا نیافاد امکانات کسب تحصیل اند .

تعداد دختران شامل مکتب در کشور های نو به استقلال رسیده کمتر از تعداد پسران میباشد که این فاکتور بالای پروسه تعلیم و تربیه تاثیر خیلی ناگوار میگذارد .

در کشور های سرمایه داری درانتخاب شاگردان اصل «انتخاب اجتماعی» حکمفرماست بر نسیب محوری این انتخاب را تعلیق نژادی ، رنگ ، پوست ، مبدا اجتماعی ، اصل و نصب خانوادگی تشکیل میدهد . امروز در حدود دو نیم میلیون اطفال امریکایی به مدرسه راهی ندارند . مجموعا این اطفال از خانواده های فقیر سیاه پوست ، سرخ پوست امریکایی ، اهالی مکزیک و پورتوریکانند . اند .

تمام باشندگان جمهوری افریقا ی جنوبی به چارگروپ تقسیم گردیده اند . یعنی سفیدپوستان ، زردپوستان ، سیاه پوستان و دیگر بومیان ، اطفال آنان به هیچگونه حق ندارند که یکجا تحصیل کنند ، تعلیم اطفال سفید پوست رایگان است و اطفال سیاه پوست باید فیس بپردازند .

دراصل هشتم اعلامیه حقوق کودک تذکر رفته است که : « در همه حالات اطفال باید مستحقین در چه يك کمک و مواظبت از طرف جامعه شمرده شوند » حقیقت طور دیگر یست .

بطور مثال همین اکنون هزاران طفل فلسطینی در نقاط تحت اشغال اسرائیل زیر پاشنه های ستم و شکنجه صهیونیسم خورد میشوند . اطفال حتی قبل از سنین ۱۶ سالگی بزندان افکنده میشوند و مورد وحشیانه ترین اشکال شکنجه قرار میگیرند .

در چیلی پدران و مادران ۶۰ هزار طفل بدست دژخیمان پینوچت نابود گردیده است . خونتای چیلی پدران و مادران را در برابر دیدگان اطفال شان شکنجه مینماید و قرار تحقیقات طبی اکثریت مطلق این اطفال از سنین ۱۵ - ۵ ساله که تشنجات عمیق روانی پیدا می کنند غیر قابل علاج اند .

در اصل یا زدهم اعلامیه حقوق کودک ذکر شده است که :

«قول باید از تمام اشکال استثمار و «حشت محفوظ بماند» باکمال تأسف این اصل نیز در بسیاری از کشورها زیر پا گذاشته میشود . در کشور های سرمایه داری کودک نه تنها از وحشت محفوظ نمی ماند بلکه در فضای وحشت ، فشار و نفرت رشد می یابند .

رسانه های جمعی ، رادیو ، تلویزیون ، روزنامه ها همه با نشرات زهرآگین خویش به تبلیغ کار نامه های انسان های به اصطلاح غارق العاده ای که بخاطر رسیدن به «هدف» خویش هیچ مانعی را نمی شناسد پیردازند و بدین ترتیب کاتنگستر یزم جنایت ، زورگویی و نفرت نسبت به انسان و زندگی را اشاعه و تبلیغ می نمایند .

بطور مثال در یونان اطفال بطور اوسط سالانه (۶۰۸) فیلم و حشمتناک و بیسی و جنایی را می توانند تماشا کنند .

طبق مطالعات سوسیالوژیست ها ، تلویزیون در جامعه امریکا بیشتر از مکتب و خانواده در تربیه اطفال نقش و تاثیر دارد زیرا تا سن (۸) سالگی هر باشنده امریکا ۴ هزار ساعت بیشتر از ساعات درسی در برابر تلویزیون میگذراند و با کمال تأسف این وقت برای مقشوش ساختن ذهن اطفال و نوجوانان به مصرف میرسد .

بطور مثال کودک امریکایی در طول ۱۰ سال زندگی خود (از ۵-۱۵ سالگی) ۱۳ هزار مرگ احتمالی یعنی قتل انسان بدست انسان را در روی پرده تلویزیون به چشم می بیند .

تلویزیون آلمان غرب در طول يك هفته بطور اوسط نمایش ۲۰۰ حادثه کوبائی و ۸۰ جسد را به بینندگان پیشکش می نماید .

در چنین فضایی اطفال با روحیه خصومت نسبت به انسان بار آمده و چنین می پندارند که انسان و زندگی او به پرکارهی نمی ارزند و باید همه پرابلم ها را به وسیله اعمال زور حل کرد و نتیجه این همه پروپاگاند همانا ازدیاد روز افزون جنایات توسط کودکان است .

مثلا در پایتخت انگلستان بیشترین نصف جنایات توسط نوجوانان صورت میگیرد . علت دیگر افزایش جنایات اطفال و نوجوانان اینست که دولت های بورژوازی به مسئله تنظیم درست و مفیدایام فراغت اطفال اصلا توجهی نمی نمایند . عدم موجودیت امکانات سرگرمی در موسسات قبل از مدرسه و موسسات خارج از مکتب ، اطفال و نوجوانان را به تشبیه گاه فساد اخلاقی سوق میدهد . تعداد استعمال

کنندگان مواد مخدره و الکل در بین اطفال و جوانان روبه افزایش است . در آلمان غرب بیشتر از ۱۵۰ هزار دائم الخمر خورده سال وجود دارد . تنها در سال ۱۹۷۷ از جمله ۸۴ تن قربانی الکولیزم و مواد مخدره در برلین غرب ۱۴ تن آن اطفال تا سن ۱۴ سالگی بوده اند .

در ایالات متحده امریکا (۲۲) فیصد نوجوانان از سن ۱۲ - ۱۷ ساله معتاد به مواد مخدره اند .

اطفال در کشورهای سرمایه داری بدش به نیروی کار مندان بی رحمانه استثمار میشوند . طبق آمار سازمان جهانی کار حداقل ۵۲ میلیون کودک ناچار اند جهت امرار معاش روانه بازار کار گردند ، از جمله در آسیای جنوبی ۲۹ میلیون کودک به عوض تحصیل بکار مشغولند .

در آسیای شرقی ۹ میلیون کودک .

در آفریقا ۹۷ میلیون کودک .

در امریکای لاتین ۳۱ میلیون کودک .

کودکان در کشورهای در حال رشد نو به استقلال رسیده بویژه بطور بیرحمانه ای استثمار میشوند و این وضع پی آمد و نتیجه عقب ماندگی این کشورها و سیاست های نو استعمار است . در بین کشورها هنوز هم کودکان هفت ساله را به شامگردی به این و آن می سپارند و در نتیجه کودکان به معنی واقعی کلمه اسیر و برده کارفرما و صاحب کار میشوند . طبق آمار و ارقام پژوهش های که بوسیله سازمان بین المللی کار در آسیا بعمل آمده است در یک سلسله از رشته های صنایع کودکان و بویژه دختر بچه ها بخش بزرگ نیروی کار را تشکیل میدهند . بطور مثال در مراکش در کارگاه های قالین بافی ۱۲ هزار کودک کار می کنند . بسیاری از آنها یکشاهی هم مزد نمی گیرند . آنها در شرایط دشوار از ۴۸ - ۷۲ ساعت در هفته کار میکنند .

مجله هرا لند چاپ کراچی در شماره ماه مارچ ۱۹۷۸ اطلاع داد که در پاکستان یک سازمان واقعی تجارت و خرید و فروش اطفال وجود دارد ، کودکان را در اردوگاه های کار مخصوص نگهداری میکند . این کودکان را از هفت سالگی به کار وامیدارند و اکثراً ضعیف ترین آنها را عمداً ناقص و علیل می کنند (مثلاً چشمشان را کور مینمایند) و آنها را به گدایی دوسرکوبه ها می فرستند . مجله از محلاتی که در آنجا بازار خرید و فروش بردگان کوچک وجود دارد نام برده است .

در بعضی از کشورهای اطفال بکارهای چون پیش خدمتی ، ملازم ، کارگر فرعی

استخدام میگردند . روزکار زحمتکشان خورد سال تا ۱۴ - ۱۷ ساعت بطول میانجامد ولی دست مزد شان خیلی ناچیزاست .

کورت و آلدهایم در بیانیه ماه اگست سال ۱۹۷۳ خویش در ژنیو بیان داشت که: «در تایلند یک طفل در بدل ۸۰ دالر به صاحبان فابریک فروخته شده و همه عمر در بدل دریافت غذای بخور و نمیر کار می کند و همه روز در طول ۱۵ ساعت اطفال به بسته بندی چاکلیت می پردازند . در تایوان دختران خورد سال در جریان ۱۴ ساعت پیم می بافند ، هزاران طفل در جاده های شهر روز نامه و سگرت می فروشند و یا بوت پانک می نمایند .

در کلمبیا هزاران کودک ۸-۱۴ ساله روزانه ۱۷ ساعت در دهلیز های تنگ معادن زیر زمینی کار می کنند . در پاناما تنهایی از پانزده هزار طفل از سن ۱۰ - ۱۴ ساله موثر شوی می کنند . در اسپانیا ۲۸۰ هزار طفل خورد سال بکار های مختلف مشغول اند . در ایتالیا صد هزار طفل از سن ۸ - ۱۵ ساله در فابریک های کونسانساجی بیش از نیم میلیون درامور خانه سازی ، دوصد هزار در ساحات تجارتی و بیش از نیم میلیون درامور زراعت مصروف کار اند .

این بردگان خوردسال که همیشه گرسنه و خسته اند روزانه ۱۰ - ۱۵ ساعت کار می کنند . این اطفال باتسم دوران کودکی بیگانه اند ، خوشبختی طفولیت را نمایی دانند و پیش از وقت پیری شوند .



اینست نمونه ای از زندگی رقتبار کودکان در کشور های وابسته به جهان سرمایه داری .

در کشور های پیشرفته سرمایه داری که صد ها نفر از جوانان همه روزه به معشوقه لشکر بیگاران می پیوندند ، میلیون ها تن از کودکان ۸-۱۵ ساله مجبور اند اغلب ده - دوازده ساعت در برابر دست مزد ناچیز کار کنند . تعداد این قبیل کودکان در امریکا

به ۸۰۰ هزار نفر ، در ایتالیا ۶۰۰ هزار ، در آلمان فدرال به ۸۰ هزار ، در بریتانیا به ۶۵۰ هزار و در پرتغال به صد هزار نفر بالغ میگردد .

این کودکان از حقوق سندیکا یی محرومند ، اخراج آنان از کار در هر لحظه ای که بکار وی احتیاج نباشد اشکالی ندارد. بسیاری از کودکان هم قربانی جراحات و صدماتی میشوند که هنگام کار بر آنها وارد می آید ، بطور مثال : در ایتالیا همه ساله هنگام انجام کارهای تولیدی بیش از هزار کودک (تا سن سیزده ساله) هلاک میشوند .

در بخش دیگر اعلامیه حقوق طفل آمده است :

«کودک باید در فضای حسن تفاهت و دوستی خلقها تربیه شود .»

جنگ عمده ترین دشمن اطفال به حساب میرود . در شرایط کشتار و باریدن خریطه های مرمی توسط بمب افکنهای نفرین شده کودکان نمی توانند سعادت مند باشند اطفال اولین قربانیان جنگ و تجاوزند . بیش از نصف قربانیان تجاوز طولانی ایالات متحده امریکا بر ویتنام را اطفال تشکیل میدهند . بر علاوه یک میلیون طفل ویتنامی بدست آدم کشان انحصارات بزرگ یتیم شده اند .

خلق ویتنام قهرمانان نه در برابر امپریالیسم امریکا مقاومت کردند ولی هنوز زخمهای مردم بلا کشیده ویتنام التیام نیافته بود که با وحشیگری شوم نیزم چین باید مقابله میکرد . در نتیجه تجاوز هژمونیزم چین بر ویتنام هزاران کودک متضرر شده ، هشت صد مکتب ، چار صد شفاخانه و صد و موسسه طبی دیگر ویران گردید .

وحشت غرش بمب افکن ها و شلیک ها ، اطفال جنوب لبنان را همواره می آزارد . تعداد قربانیان این جنگ در بین کودکان سرسام آور است . از نتیجه جنگی که توسط مرتجعین افروخته شده است پنج هزار طفل یتیم گردیده اند . سی هزار طفل به معیوبی بین عمری مبدل شده اند و دو صد و هفتاد هزار کودک از نقاط جنوبی لبنان به اردوگاههای آوارگان انتقال یافته و در بدترین شرایط زندگی می کنند .

وضع اطفال فلسطینی زیر پای یک تراژیدی واقعیت است . سو مین نسل فلسطینی بی وطن و در حالت آوارگی بدنیا آمده است .

در سرزمینهای تحت اشغال صهیونیست ها وضع کودکان رقت بار تر و ناگوار تر است این اطفال قربانیان سیاست صهیونیست ها بوده زیر یوغ انواع محرومیت ها استثمار ، ترور و خشونت غنچه زندگی شان شگوفان نشده پر می شود .

گماشته های امپریالیزم در السلوا د و ربخاطر مقاومت در برابر موج خروشنده جنبش مردمی از کشته ها پشته ساخته دهکده ها را به آتش می کشند ، زنان ، پیر مردان و اطفال

را سر می برند . فامیلها را بشکل دسته جمعی نابود می کنند ، و قتی پیرو زیبای وطنپرستان سر گیجه شان می سازد بغا طر فرو نشانندن غضب خویش به خو نریزی می- پردازند .

مرگ يك و نیم ملیون د هقان بیگناه بشمول اطفال و زنان در مغاره نزدیک د هکده پاروتلا در نتیجه بمباران طیارات امریکائی لکه ننگ ابدی است بر پیشانی امپریالیزم امریکا . پیروزی انقلاب ثور در افغانستان بمثابة جزء ار گانیک فر آیند انقلابات جهانی که پشت امپریالیزم و هژمونیزم را لرزانیده این دشمنان آسایش و ترقی مردم جهان راست سراسیمه گردانیده است . امپریالیزم امریکا و هژمونیزم چین در تبانی با ارتجاع منطقه و نمایندگان طبقات حاکم مخلوع کشور ما همه تلاشهای مذبو خانه خویش را بکار می بندند تا در راه انقلاب بر گشت ناپذیر ما موا نع ایجاد نمایند .

باند های مسلح از خاک پاکستان بعد ا ز پرورش نظامی توسط آ دمکشان حر فوی چین و امریکا بفاک ما گسیل داده می شوند و وحشیانه به کشتار ا هالی قرات و دهکده ها پر داخه ، مکاتب و شفا خانه ها را به آتش میکشند .

نتیجه هسٹریک و تشنج روانی به اصطلاح مدافعین حقوق بشر همین اکنون هزاران بیوه و یتیم است که نان آوران خویش را یا در شکنجه گاه های امین این اجنت شنا خته شده سی.آی.ای و یا بدست جا نیان مسلحیکه از خارج مرز های کشور ما صدور می گردند از دست داده اند .

زندگی تراژیک فر زندان معصوم شهیدای انقلاب ما که چشم های غم انگیز شان همیشه مملو از اشک و رنج است قلوب انسا نی ا وجدان را می شکافد و نفرت عمیقی را در برابر دشمنان بشریت برمی انگیزد .

کی می تواند جواب آن اطفالی را که بعد از نابودی پدر تولد شده اند ، بد هد . با ندهای مسلح زر خرید امریکا ، چین و ارتجاع منطقه امروز ، اطفال بیگناه مارا به شکنجه گاه ها سوق میدهند ، بجرم مکتب ر فتن د ستایشان را از بند می برند ، آنان را بگناه وطنپرستی والدین شان قطع ، قطع می کنند . اینک به قصه زندگی اندوهناک سه فرشته بیگناه اشرار تا خته که چشم دید خبرنگار جریده حقیقت انقلاب ثور است گوش فرا دهید : «افسانه شان درد آلود و تکان دهنده است ، قصه شان مخلوطی از درد ها و اندوه های تب آلود است . این اطفال کوچک که داستان غم انگیز شان را در پی می خوانید ، باید در آغوش گرم و نوازش دهنده خانواده خود می بودند . اینها پسران عموی هم هستند دو تن آن برادر و آن یکی پسرکاکای شان است . آنان پدر و مادر خویش را آغشته بخون دیده اند .

آن یکی که کلانتر از همه است می گوید: «یکشو خو بودیم که اشرار آملن یك و نیم صد دانه گوسفند و بز داشتیم کله شه بوردن. بازطرف مادرم ر فتن، مادرم جوان بود ما از ترس ده تازیکی گریختیم، دو نفر ماده جویچه پت شدیم آنکه کو چکتر از همه است و تاحال خاموش بود مانند فاتحی بالحنی آ گنده از غرور میگوید: «مه دودیم یك جوال کلان آ رد بود ده مابین اش در ادمم دان جواله را ما کسم گرفتیم» و بزرگتر ادامه میدهد: مادرمه کتی خود بوردن، پدرم صداکد با خبر که دستتان دجانش نرسه، ده ای وخت یکیش تفنگ طرف پدرم گرفت ده دان پدرم فیرکد. گلوله از پشت سرش بر آمد ما به چشم خود دیدیم که مغزای سرش چتو باد شد. ماده تا ریکی کلی چیزاره دیدیم، مادر مه دیدیم که چتو دست یکی شانه دندان گرفت و ده تازیکی از پیش شان گریخت. صبایش مادرمه پیدا کدیم مگم او ناره نشناخت او دیوانه شده بود. زبان خوده جویده بود لبای خوده جویده بود، نصف زبانش نبوده، مو یای خوده کنده بود از سرش خون می آمد. یکدفعه خنده می کد از خندیش نوی ترسیدیم باز از چشمانش اشک می آمد گریه می کد میگفت اوره نکشین، اوره غرض نگیرین که یتیمان من باز یتیم میشن، باز می دود اقدر تیز می دود که ماحیران می شدیم، شوموم مرگ پدرم بود که مادرم گم شد که پا ندیمش ده مابین جوی کلان پر از او مورده بود. «اکنون هر سه نفر شان خاموش میشوند در نگاه هر کدام مو چی از اندوه رنگ می زند. آنکه کو چکتر از همه است میگوید: «حالی مایخی بی پدر وما در شدیم.» آنان از روز های گرسنه خود از لحظات درد آلودی که برهنه بودند و شبهارا در غودال های مخوف و ترسناک جنگل به صبح آورده از سفر دور و درازی که هنوز خستگی آن در تن شان است از آتش خشم و بیزاری که نسبت به این مسلمانان کاذب در قلب کوچک شان شعله ور است، قصه می کنند. این است چکیدۀ از جنایات و اعمال ضد بشری گهاشتگان امپریالیزم وار تجاع در افغانستان.

امروز در جهان همه روزه یك میلیارد دلار و یا سالانه (۴۰۰) میلیارد دو لار در حالی صرف مسابقات تسلیحاتی و تولید سلاح های تباه کن و نابود کننده بشر می گردد که دوصد میلیون طفل رو زانه گرسنه می مانند و ده میلیون طفل در اثر فقدان مواد غذائی وفات می نمایند. فیصدی ناچیز مصارف برای مسابقات تسلیحاتی کافیهست تا در جریان یك سال دو صد میلیون طفل گرسنه تغذیه گردند و میلیون ها طفل خواندن و نوشتن بیا مو زند. بطور مثال مصارف جهت ساختن یك طیاره شکاری نوع (اف - ۱۴) مساویست به قیمت نه مکتب و مصارف ساختن یك تانک (لیوپارد) دوبرابر است با مصارف ساختمان سی و شش اپارتمان سه اتاقه. مصارف برای تنظیم تمرینات یك کسک تانکست کافی است تا بیست و هشت کودکستان اعمار گردد. ساختن یك کشتی تحت البحر نوع (ترایدنت) پو لردا که در بدل آن شانزده میلیون طفل می توانند در طول یکسال تحصیل کنند. می بلعد.

قیمت یک قطار به بافکن ماوراء صوت برابر است با دسته‌زده سالانه (۲۵۰) هزار آموزگار .

از همین جاست که مبارزه بخاطر آ یسنده تابناک و خورشیدی کودکان با مبارزه در راه استحکام مواضع صلح پایدار ، علیه مسابقات تسلیحاتی ، سیاست راسیسم و شئو نیزمیونند ارگانیک دارد . زیرا تنها در شرایط صلح آمیز می توان نسل های روینده این وارثین فردای تمدن بشریت را بطور سالم پرورش کرد . مبارزه بخاطر آینده سعادت مند اطفال مستلزم مبارزه بخاطر صلح ، خلع سلاح ، تأمین استقلال ملی و امنیت خلقهاست .

خلقهای کشور های نو به استقلال رسیده ورو به انکشاف علی الرغم مقاومت و مداخله امپریالیزم ، بطور استوار در جهت محو فقر، بی سواد ی ، تأمین سیستم مدرن حفظ الصحه اطفال به پیکار خویش ادامه میدهند .

بطور مثال حکومت هندوستان مصمم است تا سال ۱۹۸۴ پرو گرام تعلیمات اجباری را برای تمام اطفال سنین ۶-۱۴ ساله در سر تا سر کشور پیاده نماید . توجه بخصوصی به توسعه شبکه مکاتب ابتدائی و ستائی مبذول می گردد .

ایتویای انقلابی بهبود بخشیدن وضع اطفال را یکی از وظایف مبرم خویش میدانند مردم قبر مان جمهوری جوان لاوس علی الرغم میراث سنگین استعمار و تجاوز امپریالیزم امریکا و ادامه توطئه های چین هژمونست کودکان را، شیر خوارگاهها و مکاتب اعمار مینمایند . مواظبت از مادر و طفل یکی از بخش های عمده سیاست دولت را تشکیل می دهد .

بویژه اطفال یتیم تحت مراقبت همه جانبه قرار دارند . آنان در خانه های شخصی زندگی میکنند ، تعلیم فرا می گیرند ، موسیقی ، سیورت و معلومات مسلکی و حرفه ای می آموزند .

در ماه جولای ۱۹۷۹ خلق نیکاراگوا رژیم دیکتاتوری را سرنگون نمود و لسی میراث شوم دیکتاتوری برای مردم اقتصاد برپا شده ، بی سواد ی ، محرومیت و رنج برده است . تقریباً نصف پسران و دختران ۷-۱۲ ساله محروم رفتن به مکتب بوده اند . عساکر ارتش دیکتاتور نیکاراگوا حتی اطفال را بجزم شورش تبر بازان می نمودند .

کودکان ۱۲-۱۴ ساله را دستگیر می نمودند و دست راست شان را می بریدند تا به صفوف پارتیزانها نه پیوندند .

بعد از پیروزی مردم نیکاراگوا از جمله اولین فرمانهای حکومت موقت فرمان تحصیل رایگان برای همه می باشد . سال ۱۹۸۰ بحیث سال محو بیسوادی اعلان گردید . درچوکات بریگاد های داو طلب ۱۸۰ هزار نفر بسیج شده و در جنبش مبارزه با بیسوادی سهم گرفت .

بخاطر بزرگداشت موفقیت های وطنپرستان نیکاراگوا جایزه جهانی کرو پسکایا به آنها تعلق گرفت .

جمهوری دموکراتیک افغانستان که در ماه اپریل همین سال از سو مین سالگرد پیروزی انقلاب نور بزرگداشت بعمل آورد پروگرام وسیع انجام دگرگونیهای بنیادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جهت رفع عقب ماندگی و اعمار جامعه فارغ از استثمار فرد بسيله فرد را روی دست دارد.

خلق ماعلی الرغم مقاومت شدید استثمارگران مخلوع که در تباری با امیر یالیزم و ارتجاع جهانی اند، بااطمینان و ایمان کامل به پیروزی نهایی اید یالهای خویش استوار و بی باک به پیش می‌تازد.

آغاز کمپاین مبارزه با بیسوادی و مبدل ساختن این پرو سه به جنبش همگانی درکشور یکی از وظایف مبرم مرحله جدید تکامل انقلاب ثور را تشکیل میدهد. ۱۰ سال در مقایسه با سال گذشته در تعداد شاگردان مکاتب (۲۶۰) هزار نفر افزایش بعمل آمده است بعبارة دیگر تعداد مجموعی شاگردان (۲۷) فیصد بیشتر از سال گذشته تعلیمی می باشد. کتابها و مواد درسی جدید تهیه گردیده و بدسترس شاگردان گذاشته شده است. شورای وزیران ج. د. درارتباط باتغییرسیستم تعلیم و تربیه مصوبه را پاس نموده است که در روشنی آن در جریان ده سال آینده سیستم تحصیل ده ساله متوسط و چهار ساله ابتدائی پیاده و تطبیق خواهد شد. قرار است تا سال ۱۹۸۶ درشهرها و ناسال ۱۹۸۷ در دهات و قریای کشور بیسوادی معو گردد.

اطفال درج. د. از مواظبت و توجه فراوان دولت انقلابی ما برخوردار اند برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب ثور سازمان پیش آهنگان ایجاد گردید که بعد از تحول شش جلدی جهت گسترش و توسعه هر چه بیشتر آن زمینه های همه جانبه فراهم گردیده است. دو مین تابستان است که از دو گاه پیش آهنگان در کابل کشایش می یابد. همچنان کاخ پیش آهنگان در کابل بحیث مرکز بزرگ تجمع و تربیت اطفال تا سیس گردیده است.

در کشور های سو سیالیستی حمایه کودک و مواظبت از او به پرنسپ محوری سیاست دولت مبدل گردیده است. اطفال از او لین دقایق زندگی خویش از مواظبت و توجه جامعه برخوردار اند.

لین در او لین روز های بعد از پیروزی انقلاب اکتبر روی این اصل که بهترین دست آورد های بشریت به اطفال تعلق دارد تاکید می کرد و امروز این امر یکی از پرنسپ های عمده سیاست دولت شوروی را تشکیل می دهد.

در مرامنامه حزب کمو نیست شوروی آمده است: « تامین دو ران کودکی مسعود برای هر طفل یکی از مهمترین و شریفترین اهداف اعمار جامعه کمو نیستی محسوب می گردد » قانون اساسی اتحاد شوروی تضمین گم حقوق اطفال و حمایه از مادر و کودک می باشد. محتویات اعلامیه حقوق کودک در قانون اساسی اتحاد شوروی تجلی برانده دارد.

جامعه شوروی از اطفال بطو ر خستگی ناپذیر مواظبت می نماید تا نسل جوان سالم، باسواد، صاحب دانش مسلکی و بارو حیه ومودال انسان نوین پرورش و رشد یابد .

در اتحاد شوروی شبکه های و وسیع خدمات برای اطفال ایجاد گردیده و همه ساله وسعت می یابد . هر زن ز حتمتش هنگام بار داری و وضع حمل حق استفاده از رخصتی یکساله با حفظ معاش و تر فیع را دارا می باشد .

همین اکنون در ۱۲۴ هزار موسسه قبل از مدرسه ۱۴ میلیون کودک تحت مراقبت اند . مصارف سالانه يك طفل طی یکسال در شیر خوار گاه به (۵۰۰) روبل می رسد که خانواده ها تنها يك بر پنج حصه آنرا می پردازند و خانواده های کم در آمد اصلا از پرداخت فیس کو دکستان و شیر خوار گاه معاف اند .

تحصیل همگانی و اجباری متوسط در ۱ اتحاد شوروی یکی از دست آورد های بزرگ سو سیالیزم تکامل یافته محسوب می گردد . در اتحاد شوروی ۹۹ فیصد جوانان دارای تحصیل متوسط اند . تنها طی پنج سال اخیر برای پنج میلیون کودک مکاتب مجهز جدیداً اعمار گردیده است .

به منظور شگوفانی استعداد های خلا قه اطفال شبکه های و وسیع موسسات هنری کلوپها ، کا خهای پیش آهنگان و مراکز فرهنگی ایجاد گردیده است . در سال ۱۹۷۸ در اتحاد شوروی ۴۴۵۰ کاخ و خانه پیش آهنگان ۱۰۸۵ مرکز فرهنگی ، ۱۲۸۳ کلپ کنسین های جوان ، ۵۹۵۶ مدرسه ورزشی برای کودکان ونوجوانان وجود داشت . جهت بهبود بخشیدن امور تربیه بدنی اطفال و نوجوانان تدابیر جدی اتخاذ گردیده است ، در حال حاضر اطفال از سه هزار ستادیوم و ورزشی بیش از هشتصد حوض شنا و یازده هزار کلپ به طور رایگان استفاده می نمایند . توجه بخصوصی به تدارک استراحت تابستانی اطفال مبذول می گردد . تنها تابستان گذشته بیش از بیست و پنج میلیون طفل و نوجوان در اردو گاه های پیش آهنگان در خارج از شهرها استراحت کرده اند . برای اطفال ضعیف و مریض سنا توریسم ها وجود دارد که سالانه در حدود ۷۲۸٫۶ هزار طفل در آنجا معا لجه میشوند . در این اواخر سنا توریسم های اختصاصی جهت معالجه اطفال یکجا با پدران ومادران شان ایجاد شده است که طرف تأیید جدی خانواده ها واقع گردیده است .

وسایل و رسانه های جمعی در اتحاد شوروی رسالت دارند تا کو دکان را با روحیه انسان دوستی ، انتر ناسیو نالیزم و عشق به وطن پرورش دهند . انتشار کتب اطفال در اتحاد شوروی رو به افزایش است . کتب اطفال در اتحاد شوروی به ۵۰۸ لسان ملیت های مختلف و ۳۷ لسان خارجی انتشار می یابد ، اطفال یتیم در اتحاد شوروی در محور توجه و مواظبت دولت قرار دارد . تنها در جمهوری او گرائین بیست شیر خوار گاه هفده کو دکستان و یازده مکتب شبانه روزی برای اطفال یتیم اعمار گردیده است .

رو حیة مواظبت از انسان بویژه نسل جوان در همه استاد گنرۀ بیست و ششم حزب
گمو نیست اتحاد شوروی تجلی برآورنده دارد. بخاطر کمک هر چه بیشتر به خانواده ها در
پرورش اطفال کمیته مرکزی حزب گمو نیست شوروی و شورای و زیران اتحاد شوروی
مصوبۀ مشترکی را پاس نمودند .

در کشور های دیگر سو سیالیستی نیز اطفال سمبول سعادت ، صحت و سلامت اند
در جمهوری سو سیالیستی چکو سلواکیا اطفال تحت مواظبت خاص قرار دارند . بطور مثال
در طول سال اول زندگی اطفال مجموعاً ۲۲ بار بصورت حتمی و اجباری توسط دو کتوران
موظف معاینه می گردند . در بلغاریه بیش از یک هزار ار دو گاه پیش آ هنگی وجود دارد که
هر تابستان نزدیک به ۳۳۰ هزار دانش آموز در آنها استراحت می کنند .

در جمهوری دموکراتیک آلمان ساعات کار مادرانیکه صاحب دو طفل اند به چهل ساعت
در یک هفته اختصار گردیده است . در آلمان کارگران و دهقانان ۱۳۹ کاخ پیش آ هنگان
۱۹۵ مرکز فعالیت تکنیسن های جوان و دوستانان طبیعت (ناتو رالیست) وجود
دارد .

کیوبا یگانه کشور امریکای لاتین است که بیسوادی در آنجا لغو گردیده است . طی هشت
سال اخیر درین کشور یک هزار و سه صد مدرسه تازه ساخته شده است ، تمام
کودکانی که به سن تحصیلی رسیده اند تحصیل می کنند (دو میلیون و شش صد هزار
کودک در مدارس ابتدائی و متوسطه درس می خوانند) به آنان خوراک ، کتابهای
درسی و لوازم تحریر به رایگان داده میشود .

در جمهوری توده ای منگولیا ، اطفال از مراقبت و توجه ویژه ای دولت و جامعه برخوردارند .
همه اطفال درین کشور به استراحت ، حق استفاده از تسهیلات اجتماعی
و بهداشتی ، رفتن به مکتب و سترس دارند .

در سال ۱۹۷۳ صندوق و جیبی اطفال ایجاد گردیده که عواید کار داوطلبانۀ مردم منگولیا
به آن انتقال می یابد .

چنین مثالهای از زندگی پر سعادت و آرام اطفال در کشور های سوسیالیستی خیلی
ها فراوان است .

تجربه اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی در ارتباط مواظبت از کودکان نرو های مرفقی جهان را در مبارزه بغاطرآینده کودکان الهام می بخشد .

اکنون کو دکان يك سوم جمعیت روی زمین را تشکیل می دهند . نیازی به اثبات نیست که آینده جا معه بستگی به شرایطی دارد که جامعه برای کودکان فراهم می آورد . جهان سرمایه داری با محکوم کردن کودکان به رنج و عذاب ، گرسنگی ، فقر ، بیسوادی و بدست فراموشی سپردن آنها خود را از داشتن آینده محرومی سازند . جهان سوسیالیستی با توجه فراوان و مراقبت مداوم و همه جانبه نسبت به کودکان و ایجاد امکانات و وسیع برای یک زندگی سعادتمند و قرین با تندرستی برای آنها پایه های استوار و قابل اطمینانی برای فردا و آینده بنا می کند .

کودکان که یگانه « طبقه ممتاز » جا معه سوسیالیستی اند ، در واقع هم درین جا معه از بهترین نعمت ها برخوردار اند .

در اعلامیه فدراسیون دموکراتیک بین المللی ز نان به مناسبت سال جهانی کودک آمده است : « زندگی تمام کودکان می توانست قرین سعادت باشد ، اگر دولت ها و تمام جا معه بطور کلی همان علاقه ، توجه و مراقبتی را که در کشور های سوسیالیستی نسبت بدانها مبذول می دارند در مورد کودکان معمول می داشتند . »

فدراسیون دموکراتیک بین المللی ز نان با الهام از پروگرام فعالیت های خویش بطور خستگی ناپذیری در جهت تامین حقوق برای کودکان مبارزه می نماید .

در پروگرام فدراسیون تذکر و فته است که :

- مبارزه بغاطر تامین حق زندگی برای تمام کودکان ، دفاع آ نان در برابر استثمار خشونت و محرومیت .

- پیکار خستگی ناپذیر جهت تامین حق حفظ الصحة رایگان و بهبود شرایط زندگی تمام اطفال سیاره ما .

- تامین شرایط لازم برای تعلیم ، تربیه و تحصیل مسلکی رایگان به زبان مادری بدون تبعیض نژادی ، جنسی و ملی برای همه اطفال .

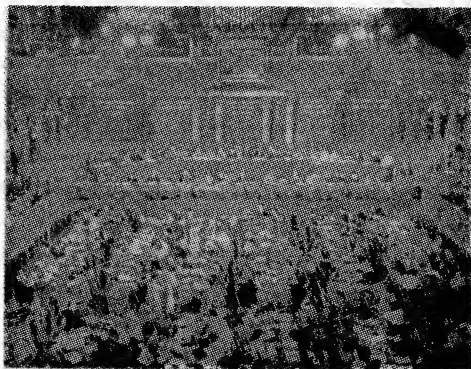
- مبارزه بغاطر تامین شرایط مساعد جهت تربیه سالم اطفال در فضای صلح ، دموکراسی و دوستی بین خلقها .

فدراسیون دموکراتیک بین المللی ز نان به زندگی و آینده کودکان دبستگی عمیق دارد و بغاطر سعادت آ نان و بهبود وضع اطفال فعالانه پیکار می کند .

تدویر کنفرانسها، محافل و اجتماعات وسیع بین المللی یکی از بخشهای عمده این فعالیت را تشکیل میدهد.

در جریان این کنفرانسها مسائل مبسوط مربوط به زندگی کودکان مورد از زیبایی قرار میگیرد.

درمردهم آبی ویانا دعوت بعمل آمد تا زنان بخاطر دفاع از حقوق کودکان مبارزه خویش را وسعت بخشند.



کنفرانس بین المللی و یا ناکه در ۱۹۵۲ به اشتراك فعال فدراسیون دمو کراتیک بین-المللی زنان دائر گردید به فاکتور مهم مبارزه خلقها بخاطر دفاع از حقوق کودکان مبدل گردید.

اشتراك کنندگان این گرد هم آئی باشکوه وضع کودکان را در بعضی از کشورهای جهان مورد بحث قرار داده پیشنها ذات عملی مشخص را جهت بهبود بخشیدن شرایط زندگی اطفال به دول جهان پیشکش نمودند.

کنفرانس اسناد پر ارزشی را تصویب نموده که از جمله خطاب به « زنان و مردان جهان» «راجع به تعلیم و تربیه اطفال» «واجب به پرابلم های صحت و بهمداری اطفال» را میتوان نام برد.

شرکت کنندگان هم آیش و یا نا از خلقهای جهان دعوت بعمل آوردند تا در مبارزه بخاطر دفاع از حقوق کودکان بپا خیزند.

بعد از این کنفرانس در یکده از کشور ها کمیته های دفاع از حقوق اطفال ایجاد گردید . همچنان کمپاین و سیع تحت شعار دفاع از کودکان در برابر تهدید جنگ جدید جهانی آغاز گردید .

در سال ۱۹۵۵ فدراسیون دموکراتیک بین المللی ز نان از مادران قاره های مختلف دعوت بعمل آورد تا در لوزان گرد آمده و صدای نیرو مند اعتراض شان را علیه هیولای جنگ جدید جهانی به گوش جهانیان برسانند و خطوط اساسی مبارزه مادران را در شرایط متشنج بین المللی آن وقت بخاطر دفاع از اطفال در برابر خطر جنگ جدید مشخص سازند .

خواستها ، آرزو ها و احساسات همه مادران شامل کنگره در بیانات او ژنی کو تون تجلی یافته بود . او گفت همه مادران صرف نظر از عقاید سیاسی و مذهبی ، لسانی و نژادی بایک ندا فریاد می کنند که نمی خوا هیم فرزندان خویش را به جبهات جنگهای غریب عادلانه بسوی مرگ بفرستیم . از خطر سلاح های محو د سته جمعی هیچکسی در امان نخواهد ماند . امروز تر و تهیای بزرگ بخاطر تولید سلاح اتمی به منظور نابودی انسان و ویرانی تمدن بشریت مصرف می گردد . و لی این دست آورد بشریت می تواند در راه های صلح آمیز بخاطر بهبود زندگی انسانها تامین صحت و سعادت هر خانواده بکار رود .

در فضای اولین کنگره جهانی مادران فریادهای خشم همه مادران بهم آمیخته بود و طنین خروشنده آن به گوش جهانیان رسید که انعکاس گرسنگی مادران جهت تربیه سالم کودکان شان به صلح بوده است .

در مانیفست کنگره لوزان آمده است که وحدت شرط عمده پیروزی ز نهیای جهان در مبارزه بخاطر تامین صلح و برای آ یسنده سعادت مند کودکان محسوب می گردد .

در اکتوبر ۱۹۶۶ شهر استاکهولم شاهد حادثه عظیم دیگری بود . این بار نیز به ابتکار فدراسیون دموکراتیک بین المللی ز نان کنفرانس جهانی به اشتراك ۴۷ کشور و ۱۴ سازمان بین المللی تدویر گردید و در آن مسائل تعلیم و تربیه ، استراحت و صحت اطفال مورد بحث قرار گرفت .

به پیشنهاد فدراسیون دموکراتیک بین المللی ز نان سال ۱۹۷۹ سال جهانی کودک اعلام گردید که برگزاری آن به فاکتور نیرو مند توحید و تجهیز نیرو های مترقی در مبارزه بخاطر دفاع از کودک و آ یسنده سعادت مند او مبدل گردید .

به منظور بزرگداشت ازین سال در یک سلسله کشور های جهان کمیته های ملی ایجاد گردید . کنفرانس با عظمت بین المللی مسکو که تحت شعار: بخاطر آ یسنده سعادت مند و صلح آ میز کودکان دعوت شده بود از بزرگترین حوادث سال ۱۹۷۹ محسوب می گردد . در پیام لیونید ایلچ بریژنف عنوان کنفرانس آمده است که :

« اطفال عشق ، آيينه و اميد ما را تشكيل مي دهند ، نسل فعلي همه دست آ ورد ها و ثروت هاي ايجاد کرده را بدست آنها ميسپارد. آنان ادامه دهندگان راه پدران و مادران خویش اند و رسالت دارند د نيای بهتر و زيبا تر بسازند . د رفش صلح را ما به کودکان امروز و سپا هيان فر دای جبهه صلح می سپا ريم ، هر سال زندگي ما بايد سال کودک باشد »
کنفرانس مسکو پرو گرام عملي مبارزه با بظاخر تا مين حقوق کو دکان و پيوند ارگانیک آن با پيکار در راه صلح ، خلع سلاح ، استقلال ملی و تر قی اجتماعی بمثابه فاکتور عمده آيينه آرام ، تدوين نمود .

از تمام سازمانهای اجتماعی مترقی و دموکراتیک منجمله ساز مانهای ز نان ، جوانان ، اتحاديه های صنفی ، ساز مانهای مذ هبی ، فرهنگی ، پا رلمانهای جهان ، ار گان های محلی دو لتی دعوت بعمل آ مد تا بخاطر زندگي بهتر اطفال بطور خستگی ناپذير مبارزه کنند و تمام نیروی خویش را در پيکار عادلانه خلق ها جهت تا مين صلح و آرامش و آسمان نيگلون بدون را کتها و طيا رات بمب افکن .

- صحت برای تمام اطفال .

- زندگي بدون گرو سنگي و سوء تغذی .

- ايجاد شرايط لازم جهت سواد آموزی و تعليم و تربيه نمايند .

تجليل از روز اول چون بمثابه روز جهانی کودک به عنعنه و سنت ار زشمند فد راسيون دمو کراتیک بين المللی ز نان مبدل گر ديده است . ۳۲ سال قبل فدراسيون کليه ز نان جهان را فرا خواند تا اين جشن را گرا می بدارند و از آن تجليل بعمل آ ورنند تا با شد جامعه مسووليت خود را در قبال سر نوشت و تربيه نسل جوان از ياد نبرد و به پرا بلم ها و مسئله کودک که در بسياری از کشور های جهان هنوز حل نگر ديده توجه نمايد .

با تدوير نمايش ها ، لکچر ها ، نمايشگاه های کتب و آ نار آ فريده شده دست کودکان ملاقاتها ، سيمينار ها در چو کات ساز مانهای بين المللی ، پرو گرام های رادیوئی و تلويزیونی اختصاصی و نشرات از طريق د يگر رسا نه های جمعی صدای کو دکان را به سمع جهانیان می رساند و از اين همه و سايل جهت تشديد مبارزه بنام سعادت و آيينه ز يبای کو دکان استفاده بعمل می آورد .

با اطمینان کامل می توان گفت که راه آوردهای مصوبات و فيصله کنگره هشتم فدراسيون و کنگره جهانی ز نان منعقدۀ پراگ نیز در حل مسئله کودک و تشديد مبارزه بخاطر سعادت اطفال بزرگ و ار زنده خوا هد بود .

وضع زنان در کشورهای سرمایه داری

شرایط عقب مانده، سد راه رشد و شکوفایی استعداد های زنان گشته تا زنانیکه طبقات و مالکیت خصوصی وجود دارد برای زنان و مردانی تواند تحقق یابد .

بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی که جهان سرمایه داری را فرا گرفته است برای زنان هم، مانند همه زحمتکشان ارمغانی جز بیکاری، بی حقوقی و رنجهای بی پایان چیز دیگری نداشته است .

زنان در کشورهای سرمایه داری مورد و حسیانه ترین اشکال بهره کشی و استثمار صاحبان سرمایه های بزرگ قرار می گیرند.

هنگامیکه وضع ناگوار زنان در کشورهای سرمایه داری مورد ارزیابی قرار میگیرد قبل از هر چیز د یگری دو گرایش متضاد به مشاهد می رسد .

از یکطرف تعداد زنان که مصروف کار اندر و به افزایش است و عرصه های تولیدی که زنان گردانندگان آن اند توسعه می یابد و از جانب دیگر به حکم ارقام و آمار رسمی گراف بیکاری در بین زنان سیر صعودی خود را می پیماید و تعداد زنانیکه به لشکر بیکاران می پیوندند و از پروسه تولید بیرون ریخته می شوند بیش از هر وقت دیگر است . در یکتعداد کشورهای سرمایه داری چون ایالات متحده امریکا ، انگلستان و ژاپن تعداد زنان کارگر بمثابة نیروی کار از زنان روز تا روز بطور قابل ملاحظه افزایش می یابد . در امریکا ۳۶٫۲۰ فیصد در ژاپن ۳۹٫۳ فیصد، در اسپانیا ۲۲ فیصد، در آلمان غرب ۱۴٫۹ فیصد کارگران و کارمندان را زنان تشکیل میدهند .

در حالیکه در کشور های دیگر سرمایه داری چون فرانسه ، ناروی ، فنلند و دنمارک تعداد زنان شاغل روز تا روز کاهش می یابد.

بطور عمده زنان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری در عرصه های صنایع خفیه ، تجارت ، زراعت و دیگر انواع خدمات مانند آرایشگاه ، خشکه شوئی و غیره مصر و ف اند .

ولی تناسب مصروفیت زنان درین ساعات در همه کشورهای سرمایه داری همگون نیست. بطور مثال در امریکا ، سوئد ، انگلستان ، کانادا و یکتعداد کشورهای دیگر و زنان مخصوص مشغولیت زنان در امور کشاورزی خیلی ناچیز است . در حالیکه در اسپانیا بیست و نه فیصد ، در ژاپن سی و دو فیصد و در ایتالیا ۲۷٫۲ فیصد زنان مستعد بکار در ساحات زراعتی مصروف کار اند .

ولی اکثریت زنان مستعد بکار ، کارگر و کارمندانند . نقش زنان در عمده ترین بخش های اقتصاد مانند صنایع الکترونیک ، رادیو تکنیک ، صنایع شیمی و غیره رو به افزایش است . بطور مثال در امریکا چهل فیصد کارگران عرصه های صنایع الکترونیک را زنان تشکیل میدهند .

زنان زحمتگش در کشورهای کاپیتالیستی جزء متشکله صفوف پیشرو طبقه کارگر را می سازند و با سهم گیری فعال در مبارزات بخاطر حقوق سیاسی و صنفی طبقه خویش پو تنسیال جنبش کارگری را درین کشور هانبرو مند تر می سازند .

آنگاه که به توضیح مساله زنان در کشورهای سرمایه داری می پردازیم باید خاطر نشان گردد که جامعه سرمایه داری به سهم گیری زنان در امر تولید اهمیت قائل نیست . ولی زنان ناگزیر اند تا جهت رفع نیاز مندیهای اقتصادی خانواده خویش به پروسه تولید پیوندند . زیرا دستمزد شوهران و پدران نمی تواند تکافو ضرورت های خانواده هارا بکند . در عین حالیکه عده کثیر زنان از ۲۵-۳۰ ساله بگناه مادر شدن و بار داری از کار اخراج می گردند ، در امر استخدام زنان بکار مشکلات فراوانی وجود دارد و زنان اولین قربانیان اخراج از کاراند .

مثال ز نرگمی و مصروفیت زنان در کشور ایتالیا نمونه از تبعیض و نابرابری زنان در جهان به اصطلاح آزاد است . ۱٫۸ میلیون زن و دختر جوان سنین ۱۴-۲۴ ساله یعنی ۴۳ فیصد از تعداد مجموعی بیکاران ایتالیا زنان اند که از کار و تحصیل محروم می باشند .

بخاطر توجهیه وضع نابرابر زنان در کشورهای سرمایه داری ، لایر اتوار های جعل کار کشف دروغ و عوامفریبی گردانندگان انحصارات بزرگ تئوری به خانه برگشتن زنان را وسیعاً تبلیغ می نمایند و معتقد اند که زنان گنیز خانه اند . باید به بچه داری وامور آشپز خانه

پیردازند. آنان بخاطر بکری نشاندن اندیشه‌های ارتجاعی خویش این سفسطه را که شرکت زن در زندگی اجتماعی و وظیفه مادری او را خدشه دار ساخته واز توجه و لطف او نسبت به کودکان میکاهد، همه جا نبه‌اشاعه می دهند.

در آلمان غرب هر تبعه دو م یککارتکشورزن است. مجله شترن چاپ آلمان در یکی از شماره های خود طی مقاله می نویسد: زنان اخراج شده از کار کمترین امکان عملی بازگشت به کار را ندارند. بخصوص زنان سنین چهل و بالاتر از آن و آنهه زنایکه تحصیل مسلکی ندارندو همچنان زنایکه در تولید توسط ماشین های عصری تعویض گردیده اند.

جامعه بورژوازی در کسب تحصیل مسلکی وارتقای سطح دانش حرفوی نیز برای زنان محدودیت های فراوان به ارمغان دارد. علاوه برآن ساعات کار زنان نیز در مقایسه با ساعات کار مردان بیشتر است. بطورمثال در انگلستان هفته کامل کار برای زنان ۸۶ ساعت و برای مردان ۴۶ ساعت است.

نظام غیر عادلانه بورژوائی بپیر همانه زنان را بکار می گمارد بدون آنکه کوچترین امکانی جهت تلفیق درست و ظایف مادری و اجتماعی زن در اختیار او گذاشته باشد. قوانین حمایه از کارزن، حمایه مادر و کودک کاملاً روی کاغذ باقی مانده است. در اکثریت کشور های سرمایه داری دستمزد زنان کمتر از مردان است وازین طریق انحصارات بزرگ عواید هنگفتی را می بلعد. مادر شدن برای زنان زحماتش در شرایط نظام سرمایه داری تراژیدی عظیمی بحساب میرود. زیرا که اکثر اً هنگام بارداری ووضع حمل زنان از کارمنفا می گردند. اکثر زنان منجمله زنان دهقان از سیستم حمایه مادران که حد اقل برای دیگر زنان تنها در چوکات قوانین وجود دارد بکلی محروم اند. شبکه های خدمات برای اطفال که میبایستی در خدمت همه مادران باشد، اکثر اً موسسات شخصی بوده و استفاده از آن منحصر به یکمده اقلیت «ممتاز» است. مثلاً درایتالیا چهل و سه فیصد مادران مجبور اند بخاطر نگهداری اطفال شان از پروسه تولیدی بدور بمانند.

قانون تساوی دستمزد در برابر کار مساوی برای زنان که از طرف سازمان جهانی کار اعلام گردیده است با پرونی در جوامع طبقاتی غرب نقص می گردد. در ایالات متحده امریکا دهقانان، کارکنان مهمانخانه ها، رستوران ها و غیره مستحق استفاده از مزایای قانون تساوی دستمزد نیستند. بطور متوسط معاش زنان ۵۸٫۶ فیصد معاش مردان را در برابر کار مساوی تشکیل میدهد.

در سال ۱۹۷۷ معاش سالانه زنان در کاناداشصت و دو فیصد و در ترکیه چهل فیصد کمتر از معاش مردان بود. در کشور ژاپن زنان معاش دو مرتبه کمتر از مردان را بدست می آورند، در حالیکه کارآنان کارشاقه و پرزحمت است. هر کارگر زن کمبانی

« ما تسو سیتی ۱ لکتریک » که محصولات آن در سراسر جهان بنام نشنل معروف است باید در جریان روز کار خویش یعنی در طول بیست و هفت هزارانیه ، تولید پنجاه هزار محصول را کنترل می نمایند . در کشور های د یگر سرمایه داری نیز وضع زنان بهتر ازین نیست . در سویدن زنان ۱۶۸ درصد کمتر از مردان معاش می برند . در کشور انگلستان ۴۰۷ ، در بلژیک ۳۵۰۴ فیصد ، در ایتالیا ۲۴۸ فیصد ، در فرانسه ۲۷۰۵ فیصد ، در آلمان غرب ۲۹۳ فیصد ، در سوئیس ۳۶۳ فیصد معاش زنان در مقایسه با دستمزد مردان کمتر است .

زنان در کشور های سرمایه داری تنهادر ارتباط با دریافت معاش مورد تبعیض قرار نمی گیرند بلکه مستحق استفاده از تا مینات اجتماعی نیز نمی باشند . بطور مثال تقاعد زنان از مردان بهراتب کمتر است . از بیمه های اجتماعی زنان استفاده کرده نمی توانند ، بسیاری از زنان اصلا مستحق تقاعد شناخته نمی شوند از آنجائیکه نمی توانند اکثرا بطور منظم و دوامدار در یک مو سسه کار کنند .

بطور مثال در ترکیه تنها هشت فیصد زنان شامل بیمه های اجتماعی اند . از آنجائیکه بسیاری از زنان در شرایط بیداد سرمایه های بزرگ به تحصیل مسلکی دسترسی ندارند ، و در مکاتب ابتدائی جهت اجرای امور خانه و تدبیر منزل پرورش می یابند ، بناء کار شان عمدتا کار فرعی و خرده کاری است . بطور مثال در اطریش نود فیصد دختران در موسسات تحصیلی مصروف فرا گرفتن حرفه های عنعنوی زنان اند . در آلمان غرب این رقم به نود و چهار فیصد میرسد که در نتیجه معاش آنان یک بر سه حصه معاش حرفه های مردانه است .

در نتیجه مبارزات پیگیر و دوامدار زنان برای تساوی حقوق شان ، در ده های اخیر دگرگونیهایی در قوانین جوامع بورژوائی در باره مقام زن در خانواده بعمل آمده است . ولی در هیچ یک از کشور های سرمایه داری زنان از حقوق مساوی در خانواده برخوردار نیستند . زن حق مساوی استفاده از ثروت های مشترک خانواده را ندارد . همچنان حق طلاق اکثرانحصرا به مرد است و در یکصد کشور ها چون اسپانیا ، برا زیل ، ایرلند طلاق قانونا ممنوع است .

بورژوازی بانیرنگ و حيله گری حقوق سیاسی زنان را لگد مال می نماید . در اکثر کشور های سرمایه داری زنان از سهم گیری در پیشبرد امور دولتی محروم اند . فقط زنان طبقات « ممتاز » حق شرکت در رهبری ارگان های دولتی را دارند .

و لی علی الرغم مقاومت لجوجانه سرمایه داری امروز ناگزیر است در برابر امواج طوفانی جنبش طبقه کارگر که جنبش دموکراتیک زنان جزء متشکله آن بحساب می رود ، عقب نشینی نماید .

در شرایط کنونی زنان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگان های دولتی ، حق

شرکت در فعالیت احزاب سیاسی ، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای مختلف توده‌ای را ولو بشکل فور مالیتی داراء می باشند .

در کشور های پیشرفته کا پیتا لیستی مبارزه بخاطر تساوی حقوق زنان در کلیه عرصه ها اعم از سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، علیه تبعیض در برابر زنان یکی از مهم ترین مسائل جنبش خرو شده کارگری را تشکیل میدهد .

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان از طریق سازمانهای ملی زنان به مبارزات پیگیر و دامنه دار خویش در جهت بهبودبخشیدن به وضع زنان در ساحات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی و احترام به مقام زن در درون خانواده ها ادامه میدهد .

زنان مبارزه بخاطر صلح ، تهدید مسابقات تسلیحاتی و خلع سلاح را از پیکار برای تامین مساوات زن در عرصه های اقتصادی واجتماعی انفکاک ناپذیر میدانند .

سازمانهای مترقی زنان کشورهای سرمایه داری در راه تحقق اهداف ذیل دیرانه می رزمند .

- تامین حق کار واشتغال
- پائین آوردن سن تقاعد
- حق تحصیل حرفه‌ای ، امکانات ارتقای سطح دانش مسلکی
- تامین شرایط لازم کار
- حمایه مادر و کودک .

* * *

سهم زنان در مبارزات آزادی بخش ملی خلفهای کشورهای نو به استقلال رسیده

ارتقای نقش روز افزون زنان کشور های رو به انکشاف و نو به استقلال رسیده یکی از مشخصات مرحله کنونی جنبش دموکراتیک بین المللی زنان به شمار میرود. موج جنبش زنان درین کشور ها همپا و همدیف با جنبش رهایی بخش ملی نیرومندی بی سابقه کسب نموده است و به عنصر پر اهمیت جبهه ضد امپریالیستی و ضد استعماری مبدل گردیده است.

وضع زنان در تمامی کشورهای در حال رشد همگون و یکسان نیست در شرایط کنونی روند تفکیک راه رشد به این کشور ها در پروسه است. یکعده آنها راه رشد انقلابی و دموکراتیک را در پیش گرفته اند و در بعضی دیگر این کشور ها مناسبات سرمایه داری نضج گرفته و رشد می یابد در کشورهای که راه انجام دگر گونیهای بنیادی اقتصادی و اجتماعی را در پیش گرفته اند، شرایط مساعد جهت بهبود بخشیدن وضع زنان تامین می گردد.

خلفهای این کشور هادر راه تقویه اقتصاد ملی، طرد عقب ماندگی و وابستگی به انحصارات بین المللی گامهای فراخی را برداشته اند. درین کشور ها تعداد زنان شاغل در ده سال اخیر رو به افزایش بوده و ابعاد فعالیت آنها خیلی متنوع است.

به منظور جلب هر چه گسترده تر زن به پروسه تولیدی اقدامات خاصی صورت می پذیرد.

رشد و تحکیم امر دمو گراسی ومقاطعه با کلیه اشکال تبعیض، نابرابری و ستم، افقهای وسیعی راجهت شرکت فعال در حیات اجتماعی در برابر زنان گشوده است.

زنان جمهوری دمو کراتیک مردم الجزایر از امکانات مساعد جهت رشد همه جانبه استعداد های خویشتن برخوردار اند. شرکت زنان الجزایر در قیام ملی ۱۹۵۴ - که بعداً به انقلاب ملی دمو کراتیک مبدل گردید خیلی پربهاست.

سیمای زنان قهرمانی چون حبیبه بنت بوعلی، جمیله بوخرد، جمیله بوباشا، ملکه گوند و دیگران در تاریخ جنبش مقاومت کشور الجزایر جاودانه می درخشند. آنان و صد ها زن قهرمان گمنام دیگر در پیشا پیش صفوف مبارزان راه آزادی و استقلال کشور شان قرار داشتند. وقتا که در سال ۱۹۶۲ - خلق آزاده الجزایر استعمار گران فرا - نسوی را از کشور شان بیرون ریختند شورای ملی انقلاب آنکشور در پرو - گرام خویشتن سهم زنان را در جنبش رهایی بخش ملی و حصول استقلال پر اهمیت و ارزشمند ارزیابی نموده تساوی حقوق زن و مرد در چوکات قانون اساسی آنکشور تصریح گردید.

نقش زنان در تمام عرصه های زندگی روبه افزایش است. امروز ۹٪ تعداد مجموعی کار گران امور تولیدی را زنان تشکیل میدهند. اگر در سال ۱۹۴۵ در پوهنتون الجزایر تنها ۱۷ دختر مصروف تحصیل بود امروز ۲۳٪ مجموع محصلان یونیورسیتی هارا دختران میسازند.

زنان آزاده ایتوپی دو شاوش تمام نیرو های مترقی کشور شان در سنگر گرم مبارزه به خاطر اعمال جامعه عادلانه فاقد از استثمار فرد از فرد قرار دارند. ره آورد های انقلاب ایتوپی که همین اکنون ۷ سال از پیروزی آن می گذرد برای خلق ومنجمله زنان ایتوپی سترگ و پربهاست. پروسه نو سازی در ایتوپیای سوسیالیستی سیر تکاملی خود را می پیماید. مکاتب، درمانگاه ها و مسکن رهاایشی برای زحماتشان اعمار می گردد.

وضع زنان کشور ایتوپی قبل از انقلاب رقت بار و ناگوار بوده است. میگفتند که (خرو زن را به زور قمعین باید راند) شوهر مالک مطلق زن بوده میتوانست او را طلاق بدهد و از خانه بیرون راند. در روشنی

زنان ایتوپی فاطمه از دست آورد هالی انقلاب شان دفاع می کنند .



دستآورد های انقلاب ایتوبی زنان آنکشور از حقوق و آزادی های وسیع برخوردار گردیدند برای همه اتباع ایتوبی و منجمله زنان حق تضمین شده کار تامین گردیده زنان هنگام بارداری و وضع حمل از رخصتی با معاش استفاده مینمایند .

در برنامه انقلاب ملی و دموکراتیک آنکشور تصریح شده است که : دولت همه امکانات لازم را جهت شرکت فعال زنان در پروسه تولیدی فراهم خواهد کرد در اولین روزهای ماه سپتامبر ۱۹۸۰ اتحادیه انقلابی زنان ایتوبی بنیان گذاشته شد که به زودی به گردان پیشا هنگ و رهبری کننده زنان ایتوبی تبدیل گردیده توده های وسیع زنان را در صفوف خویش بسیج و متشکل کرد نقش این سازمان در مبارزه با بیسوادی پر بها - ست اعضای اتحادیه تا حال ۸ میلیون زن را خواندن و نوشتن آموخته اند . زنان موزمبیک تا قبل از پیروزی قیام ملی بار ثقیل میراث استعمار و ستم را بر شانه میکشیدند از کوچکترین حقوق اجتماعی و مدنی بی بهره بوده به کار های طاقت فرسا گماشته میشدند از دواجباری دختران در سنین بسیار خورده پدیده معمولی جامعه موزمبیک بوده است .

زنان موزمبیک همپا و همسنگر برادران ، پدران ، شوهران و فرزندان خویش به خاطر نیل به استقلال و تمامیت ارضی سلاح بر داشته با شرکت حماسه آفرین خویش در جنگ های استقلال خواهی - مثالهای فراوان قهرمانی و جانبازی را از خود بجا گذاشته اند . با ایجاد گروههای منظم و مسلح در سال ۱۹۶۷ زنان کشور موزا - مبیق در جنگ رویا روی علیه اشغالگران اشتراک ورزیده و اسمهای قهرمانانی چون ژنیا میشل ، مرینا شیتوانا ، ترزه عموی مانیکا شتو - لیل از افتخارات جنبش رهایی بخش مردم موزمبیک بشمار میرود . ژنیا میشل دریای یک پیکار استوار و قهرمانانه مرگ را به خاطر زندگی زیبا پذیرفت و استقلال وطن خود را نتوانست ببیند روز مرگ او را مردم موزمبیک به مثابه روز زنان آن کشور بر گزار می کنند .

قانون اساسی مورخ ۱۹۷۵ ، که بزرگترین دستآورد انقلاب مردم موزمبیک است حقوق مساوی زنان را تضمین نموده برای زنان تسهیلات همه جانبه فراهم گردیده است به زنان در ایام حمل و زایمان دو ماه رخصتی با معاش داده میشود هنگام بارداری زنان به کار های آسان گماشته میشوند .

سازمان زنان موزمبیق در جنبش توده ای مبارزه با بیسوادی که در سال ۱۹۷۸ آغاز گردید فعلاً نه اشتراک ورزیدند و همین اکنون در سراسر کشور ۱۰۰ مرکز سوادآموزی ایجاد نموده است که در چوکات این مراکز زنان نه تنها سواد می آموزند بلکه اسامیات دانش سیاسی، تدبیر منزل، مواظبت اطفال و کمک های اولیه را فرا می گیرند. زنان کشور موزمبیق در رهبری جامعه اشتراک وسیع می ورزند. در نتیجه انتخابات سال ۱۹۷۷ - ۲۰٪ نمایندگان اسامبله ملی آن کشور را زنان تشکیل میدادند، آنها نابریکه ها، کوپراتیف ها و دیگر موسسات تولیدی را رهبری میکنند.

مردم جمهوری دموکراتیک مالگاشی که يك سال قبل در نتیجه پیروزی انقلاب ملی دموکراتیک در آن کشور سمت گیری مترقی را برگزیده است با گامهای استوار و بلند بسوی فتح قله های شامخ پیروزی به پیشروی خویش ادامه میدهند.

تمام اتباع آن کشور صرف نظر از تعلیمات مذهبی، جنسی و لسانی از حقوق مساوی برخوردارند تنها بعد از پیروزی انقلاب شرکت همه جانبه زن در پیشبرد امور دولتی و اداری امکان پذیر شده است برای اولین بار در تاریخ کشور امور حکومت را زن بدست گرفته است علاوه بر صدر اعظم یکی از اعضای مجلس عالی تدوین قانون اساسی نیز زن است. پانزده زن دیگر اعضای کمیته انجمن های دولتی اند، حمایه از اطفال یکی از مسایل محوری سیاست دولت مالگاشی به حساب می رود.

سال ۱۹۸۰ - برای خلق پیرو سال مشحون از حوادث و پیروزی های بوده است در نتیجه انتخابات سال ۱۹۸۰ - و بوجود آمدن حکومت مترقی مشی جدید دولت تنظیم گردید که در روشنی آن خلق پیرو به حقوق و آزادی های وسیعی نایل آمدند.

زنان پیرو در پرتو تحولات جدید و امکانات تازه ایجاد شده سومین کنگره ملی خویش را تدویر نمودند که مرحله پر اهمیتی را در تاریخ مبارزات اتحادیه توده های زنان پیروگشود و در برابر زنان پیرو وظیفه گذاشت تا در يك سنگر واحد به خاطر تامین عدالت اجتماعی، شگوه فانی کشور و محو بیسوادی بسیج شوند. با ایجاد مکاتب، کورسهای مسلکی مراکز سوادآموزی اتحادیه توده ای زنان پیرو به کسب حصول

طلایی (کرو پسکایا) مفتخر گردید. همین اکنون ۲۵۰ هزار زن و مرد در کورسهای اتحادیه توده‌ای زنان پیرو مصروف سواد آموزی و ارتقای سطح دانش مسلکی اند.

(۲۸) مرکز تربیه اطفال قبل از سنین مکتب ایجاد گردیده و به ابتکار اتحادیه زنان پیرو (۲۰) مرکز مشورتی طبی بوجود آمده است و در خدمت زنان اند.

آنگاه که ماز وضع زنان در کشورهای نو به استقلال رسیده و پیروزی آنان سخن می پردازیم باید در نظر داشت که همه این دستاورد ها فقط نخستین گامها در راه حل مسله زن است.

مبارزات زنجر شکن خلقها به خاطر طرد میراث شوم استعمار و تحکیم پایه های اقتصاد ملی آغاز گردیده و طوفانزا ادامه دارد.

وضع زنان در بسیاری از کشورهای وابسته و تحت استعمار ژرفای يك واقعیت تراژیدی آنان در بسیار از کشور های آسیای، افریقایی، و امریکای لاتین به دشواری های بزرگی رو برو اند ارمغان تسلط طولانی استعمار برای خلقهای اغلب این کشور ها فقر و مرض، بیسوادی رنج و محرومیت بوده است امپریالیزم با توصل به شیوه های نو استعماری تلاش دارد تا آنان را وابسته به انحصارات بزرگ حفظ کند.

از مجموع دو میلیارد و ششصد میلیون باشند کشور های به استقلال رسیده يك میلیارد آن دایما گرسنه اند. در آمد روزانه نهصد میلیون نفر در این مناطق کمتر از يك ثلث دالر است. در اکثریت مطلق کشور های آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین مسئله کار زنان هنوز لاینحل باقی مانده است. گرچه بیست الی سی فیصد نیرو کار را زنان عرضه میکنند ولی از پنجاه الی نود فیصد آنان مصروف و ف

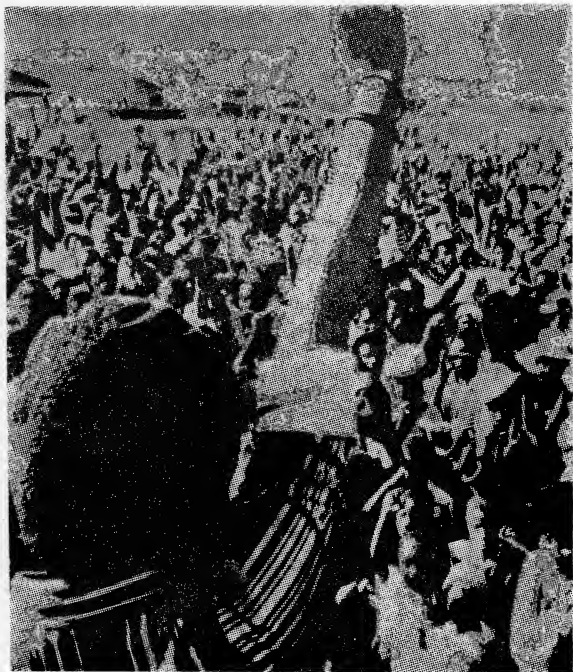
کار های فرعی اند. در برابر زنان بر خورد تبعیض آمیز صورت میگیرد دست مزد آنان با مردان يك سان نیست. زنان دهقان به ویژه مورد استثمار قرار میگیرند. به طور مثال در فلپین چهارده میلیون زن دهقان که ۶۷٫۵ فیصد زنان آن کشور را تشکیل میدهند کارگران فامینی نام دارند که در خانه های اربابان و صاحبان زمین مصروف کار بی اجرت اند. زنانیکه به حیث کارگران مزدور در مزارع استخدام می شوند در برابر کار مساوی با مردان دست مزد نا چیزی را نصیب می شوند.

مرض مدهش بیسوادی دامن گیر اکثریت باشندگان کشور های رو

به انکشاف است همین اکنون هفت صد و هشتاد و پنج ملیون نفر در کشور های روه انکشاف از نـورسواد بی بهره اند که چار صد و شصت و هشت ملیون یا به عباره دیگر ۶۰ فیصد آن زنان اند. تبعیض در سیستم تخصیلات در برابر زنان عامل تبعیض در امر استخدام آنان بوده زنان مجبور اند به کار های فرعی بپر دازند. زنان کشور های در حال رشد از عدم دسترسی به دریافت کمک های طبی سخت رنج میبرند. از ۶۰-۸۰ فیصد زنان در صورت زایمان از مراقبت صحی محروم اند وضع زنان در شرایط نظم فاشیستی و دکتا توری خیلی دشوار و طاقت فرسا ست.

قوانین و مقررات وحشیا نه رسیم در افریقای جنوبی عامل رنج ها و و آلام بیشمار برای زحمت کشان افریقای جنوبی بوده است مردان اکثرا به خاطر نجات از زیر سا طورجانیان رژیم به کار گران مهاجر مبدل میگردند. زنان مجبور اند در دهات متروک در شرایط خیلی ناگوار با محرومیت ها و بد بختی ها مواجه باشند. اکثر ابا امراض ساری مصاب بوده در اثر عدم دریافت کمک های صحی طعمه مرگ میشوند. بعضا قوانین ضد انسانی نژاد پرستان حرکت سیاه پوستان را در مناطق معینی محدود میسازند.

اینک به قصه درد آلود زن بلاکشیده افریقای جنوبی که در برابر کمیسیون بین المللی جهت تحقیق جنایات رسیستها به آنکشور مسافرت نموده بود گوش فرا دهید. او با بنیه لاغر چشمان گودزده و پرانده عقب تربیون قرار گرفت اسم من (گولد دستاون مراکه) است روز ۲۳ می سال ۱۹۵۳ در جمهوری افریقای جنوبی به دنیا آمده ام طی مدت بعد از ۱۹۷۴ چهار بار به بند و زندان کشیده شده مورد وحشیانه ترین و بیرحمانه ترین انواع شکنجه ها قرار گرفته ام من گناهم را نمیدانم. صدای وجدانم مرا و امیدارد تا قصه سر نوشت تلخ خویش را برای اعضای کمیسیون بیان دارم. زیرا داستان سر نوشت من چکیده از سر نوشت زنان افریقای جنوبی است. روز دوم سپتا مبر در حالیکه من بصوب سوا نیا روان بودم پولیس موتر حامل مرا متوقف و من و دیگر همراهانم را پیاده ساخته بدستها یمان دست بند آهنین زده ما را تسلیم کلانتری کلتپون



زنان نامیبیا در مبارزه بغاطر آزادی .

نمودند . بعد از دور اول شکنجه توسط مأموران امنیتی ما را به یو -
گما نیورک بریاست مرکزی حوزه امنیتی بردند به من دستور دادند تا
برهنه شوم و بالای چوکی قرار گیرم و بالای سرم دو کتاب نمرات تیلیفون
را گذاشتند . افسر موظف آنجا به نگهبان امر کرد که اگر احیاناً من
من بیفتم مرا بباد لت و کوب بگیرد چند دقیقه بعد درد توان فرسای را
در سرا پایم احساس کردم ، همه وجودم میلرزید و نا خود آگاه به
زمین خوردم . آنکله نگهبان به سراغم رسیده با چکمه های خویش به سر
و صورتم کوفت ، آنان انواع مختلف مواد انفلاقیه را به من نشان داده
پرسیدند چیست ؟ منکه نمیدانستم چه میتوانستم بگویم . بعداً مرا به اتاق
دیگر رهنمایی کردند : آنجا چهار پولیس ایستاده بود و هیچگونه
اثاثیه در اتاق وجود نداشت دیوارهای خون آلود نمای اتاق را وحشت
ناك ساخته بود پولیس ها سگرت میکشیدند ، به من حکم کردند که دو
بازه برهنه شوم ، بازهم به لت و کوب من پرداخته بازها سگرت خویش
را به بازوان و سینه ام چسپا نیلده و سرم را به دیوار میکوفتند .

این زن قهرمان پنج ماه را در عقب میله های وحشت ناك خاشیست های
افریقای جنوبی سپری نموده انواع واقسام شکنجه های غیر انسانی را
تحمل کرده است . بدن او را می سوختا نند ، سپس لین برق را
داخل زخم ها یش میکردند روی بدنش آب جوش میریختند ، چنین
است واقعیت زندگی صد ها زن در افریقای جنوبی .

کشور نامیبیا هنوز در تحت پاشنه های رسیستها بسر میبرد . زنا ن
نامیبیایی بردگان (خارجی) در کشور اصلی خود اند . اطفال شانرا از تیغ
میکشند دهات و سر پناهای شانرا میسو زانند ، همین اکنون بیش از
نیمه نفوس آن کشور در اردو گاه های مخصوص بسر میبرند .

ولی اراده خلقها را نمیتوان درهم شکست مردم نامیبیا شکست ناپذیراند . زنان دو شاد و شوی مردان به خاطر استقلال ملی و آزادی مبارزه میکنند .

در نواحی آزاد شده نامیبیا همزمان با انجام عملیات مسلحانه و جنگ رویا روی با دشمن ، تدابیر فراوان جهت رفع عقب ماندگی ، مبارزه با بیسوادی و پرورش اطفال در معرض اجرا قرار میگیرد مکاتب موقت و سیار در جنگلات ایجاد میکنند تا در صورت لزوم آغاز عملیات به مناطق دیگر منتقل گردد . در ایالت کنزا نسوان ۱۸۰۰۰ نفر از آنجمله ۳۰۰۰ طفل در بین جنگل زیر خیمه ها بسر میبرند در مکتب موقت آن اطفال به تحصیل میپردازند . هزار طفل در کودکان های این جنگل تحت پرورش اند در کشور های دیگر امریکای لاتین نظیر چلی ، یوز و گویا پرا گویا ، بولیویا ، گواتی ، مالاوئیریه در شرایط بیدادگری رژیم های وابسته به امپریا لیزم زنان در شرایط دشوار بسر برده ولی علی - الرغم آن همه دشواری هادر مبارزات مخفی مردمی اشتراك فعال دارند .

در نتیجه کودکان تائی خونین ۱۹۷۳ از مامامور کشور یورو گویا رانیروهای فاشیست بدست گرفتند هزا زان وطنپرست ، منجمله زنان روانه شکنجه گاه ها وزند انهم ————— شدند فضای ترور و اختناق در کشور چیره شده همه حقوق و آزادی های دموکراتیک و مدنی سلب گردید موسسات تولیدی مسدود گردیده و کارگران سبک دوش گردید . زنان که ۴۴ فیصد مجموع کارگران را میسازند به خانه ها برگشتانده شده و از دریافت حتی دست مزد ناچیز محروم گردیدند .

زنان یورو گویا با ثبات و دلیرانه به خاطر رهایی محبوبین سیاسی و اعاده حقوق و آزادی های دموکراتیک و کسب حق شرکت در اتحادیه ها بی امان میرز مند . آنها در شرایط مبارزه مخفی به خانواده های محبوبین سیاسی کمک می رسانند .

زنان کشور های روبه انکشاف در مبارزه بر حق و دشوار خویش علیه اژدهای امپریالیزم و استعمار جدید تنها نیستند . آنان پشتیبانی نیرومند فدرا سیون دموکراتیک زنان را با گوشت و پوست خویش لمس مینمایند .

با تدویر میتنگهای همبستگی و ارسال پیام ها ، اعزام هیئت جهت بررسی شرایط زندگی و کار زنان و ده ها ابتکار دیگر عملادر پیکار رهایی بخشی خلقها و زنان کشور های در حال رشد سهیم است .

فعالیت سازانهای ملی عضو در اسیران مکرراتیک
مین اسلامی زنان در مثال :

سازمان مکرراتیک زنان افغانستان اهداف و وظایف آن در شرایط کنونی

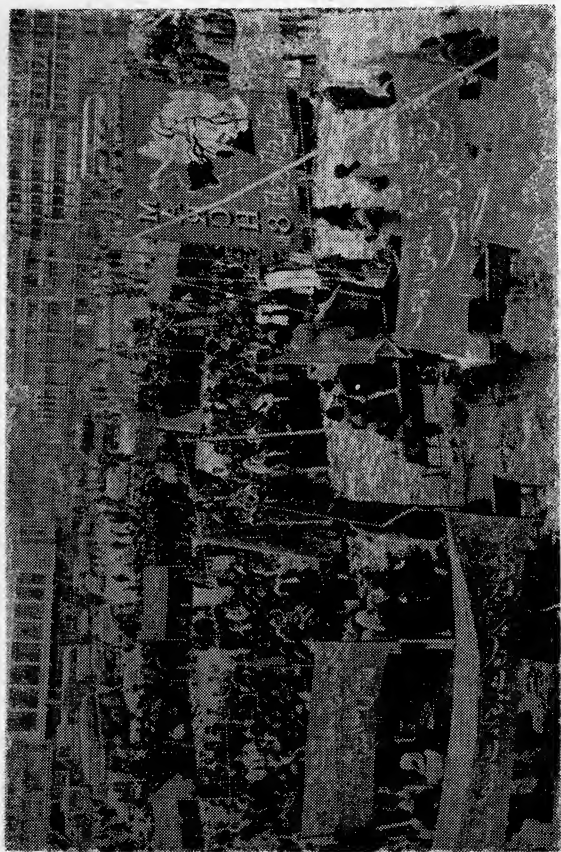
سازمان دهو کراتیک زنان افغانستان (۱۶) سال قبل بر مبنای ضرورت تاریخی و اجتماعی کشور ما بر اساس تکامل وضع عینی جامعه و به مثابه پی آمد قانونمند تکامل جنبش زن در کشور بخاطر تشکل ورهبری مبارزات زنان در عرصه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و صنفی وارد فعالیت و عمل انقلابی گردید .

سازمان مادر شرایطی با فرصه وجود گذاشت که چهره اقتصادی - اجتماعی کشور ما را یک فرنا سیون اجتماعی فیو دالی و ماقبل فیو دالی تشکل میداد .

در تحت چنین مناسباتی خلق و وطن ماسالیان متوازی تحت سیر نتیجه های استبداد قرون وسطایی اسیر بدترین اشکال جور و ستم گشته وبا انواع خرافات ، رسوم و عادات عقب مانده دست به گریبان بوده اند و آماج انواع توطئه و دسایس زیر کانه ارتجاع و نیروهای سیاه ملی ، منطقه ای و بین المللی قرار گرفتند .

بنابر تسلط همین مناسبات فرتوت ، زنان در درازنای تاریخ از محکومترین و محرومترین گروه های اجتماعی بوده اند . زنان نه تنها از کوچکترین حقوق انسانی مدنی بی بهره بودند بلکه بنابر موجودیت همین مناسبات منسوخ و کهنه ارباب رعیتی از شرکت در اکثریت ساحات تولیدی و حیات اجتماعی محروم و بدور نگهداشته شده بودند .

پس از حصول استقلال در سال ۱۹۱۹ تحت فشار ضرورت زمان و در نتیجه مبارزات پیگیر نیروهای ترقی پسند و پیشرو جامعه ما امیران الله دست به انجام ریفورمهایی در کشور زد که بانجام این تغییرات بنایستی دگرگونی های ترقی را در وضع زنان همراه میداشت .



تجلیل هشت مارچ روز جهانی زن

برای اولین بار زنان عقب میزهای مکاتب قرار گرفتند ، یکده زنان جهت کسب دانش بخارج کشور اعزام گردیدند . جریده «ارشاد نسوان» به نشرات آغاز نمود و ریفرم رفح حجاب روی دست گرفته شد . ولی با کمالات آساف از آنجا یکه با تدارکات و آمادگی های قبلی مادی و ذهنی در جامعه همراه نبود و از جانب دیگر مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی در جامعه مستقر بود ، نهضت دوره امانی همانند جنبش مشروطه خواهی اول و دوم با سرپیجه های خونین و آلوده استبداد شوم فیودالی به پشتیبانی استعمار به نشیب گاه ناکامی موق داده شد و وحشیانه سر کوب گردید .

طوفان تبیگری و سفاکی های ارتجاع و استبداد خاطره نسلهای کنونی محو نگشته و مردم مستضعف ما بخاطر دارد که ارتجاع سیاه به همدستی استعمار امپریالیستی حیل گرا نه عطیه جنبش توده ای مردم مان موضع گرفته با دادن لغافه مکارانه تلاش و وزید نهضت زنان را بوسیله تحریف و تشویر اذهان مردم پا گذاشتن ناکامی و واجه سازد ، چنانکه موفق هم گشت و برای دوران کوتاهی سیاهی و ظلمت بر سر زمین ما دامن سنگین خویش را گسترده با سقوط خاندان حکومت امیران الله در اثر تحریکات فرستادگان و کما شنگان امپریالیزم ، بلا فاصله استبداد و اخناق بر کشور چیره گردید . ولی جوخ تاریخ را که نمیتوان به عقب گشتاد همه تلاشها و دسایس دشمنان مین در اثر مبارزات بیگن خلق ما و تسلیم ناپذیری شمر مردان این سر زمین آزاده ، عقیم گذاشته شد .

نمونه ظفر نمون تسلیم ناپذیری مردم و منجمله زنان کشور ما ایجاد امکان رفح حجاب بتاریخ (۳) سنبله ۱۳۳۸ و اشتراک زنان در پروژه تولیدی و استفاده از خدمات اجتماعی و تحصیل به طور نسبی بوده است .

ولی با آنهم فیضی زنان شاغل در سادات تولیدی معدود و ناچیز باقی مانده بود . آمار و احصایه های رسمی نشان میدهد که تعداد زنان شاغل در کارخانجات و مؤسسات در سال ۱۳۶۵ جمعا به (۸۳۷) نفر میرسید . و این رقم در سال قبل از انقلاب به مشکل تا (۵۰۰) نفر میرسید .

هیچ قانونی رسما از کار و حقوق زنان کار و حمایت نمی نمود ، دستمزدشان عملا کمتر از مردان بود و عمدا در رشته های غیر اختصاصی و کار های شاقه گماشته میشدند .

گروه ظاهر آ زمینه تحصیل برای زنان وجود داشت ولی با هیچگونه تضمین اجتماعی و اقتصادی توأم نبود .

علی الرغم اشتراک فعال و همه جانبه در کار تولید زراعتی در دهات و قراء کشور زنان از هیچگونه امتیاز مادی و معنوی بهره مند نمیگردیدند . کار آنان به مثابه کار تکمیل

کننده مردان نشان در زراعت تلقی میگردد و مردی از آن دریافت نمی نمودند . در شرایط حکمرانی نادر ، ظاهر و داود هیچگونه مواظبت جدی و بیگیر در حق زنان ، خانواده و طفل رو داشته نشده و وضع زنان کشور رقتبار و ناگوار بود و این وضع کماکان از سالهای ۱۹۲۹ الی سقوط حکومت آخرین نماینده خانواده نادری ادامه داشت .

دستهای استخوانی زحمتکش زنان بازتاب کار پر مشقت و دشوار روزانه بوده است ، زندگی آنان بارنج و محنت آغاز میشد و بی فرجام می انجامید .
زنان کوچی مزدور ، زنان کارگری و گدا های طفل به آغوش کشیده ای سرکویه هاموجودات سرگردان و در بدری هستند که زندگی تراژدیک آنان قلب هر انسان با احساس را میشکافت .

اگر زنان و اطفال ما عمر ها در کوچه ها ، مغاره ها ، گراج های نمناک و دیگر بیشه های محقری خزیده اند ، این واقعیت تلخ و غم انگیز میراث شوم سردمداری اشرافیت طفیلی محسوب میگردد .

ولی سنن پرافتخار مبارزه و پایداری مردم آزاده ما را استبداد وحشی نتوانست از میان بردارد ، زنان به مثابه مادران و هموطنان دوشا دوش پدران و فرزندان خویش حتی در سیاه ترین و تنگ ترین روز ها ، آنگاهیکه یک مشت هوای آزاد برای تنفس وجود نداشت پرچم پرافتخار مبارزه را همواره بلند و در اهتزاز نگه داشته اند .

حزب دمو کراتیک خلق افغانستان - حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ، از همان لحظه تاسیس و آغاز فعالیت خویش کار آموزشی ، پرورشی و سازماندهی را در بین زنان یکی از وظایف مهم خود دانسته و به مساله جلب زنان به جنبش ملی و دمو کراتیک کشور توجه دایمی داشته و اصولا برای نخستین بار در تاریخ کشور مساله زنان را بطور علمی و همه جانبه طرح نمود . طوریکه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح . د . خ . ۱۰ ، در بیانیه افتتاحیه کنفرانس سر تاسری زنان کشور به تاریخ (۲۸) نوامبر ۱۹۸۰ گفتند : «حزب در- اولین برنامه خود پیوند ارگانیک جنبش زنان را با جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی توفیق نموده و بایگیری در راه تحقق این اصل پیکار نموده است .»

ضرورت مبارزه بخاطر آزادی زن از قید و بند ها و سنت های فرتوت که سیر جوامع طبقاتی و بخصوص مناسبات فیودالی و ماقبل آن برای زنان کشور ایجاد نموده بود و ضرورت پیکار مشترک با جنبش ملی و دمو کراتیک در کشور که دور نمای روشنی برای زنان کشور و برای رسیدن آنها به آزادیهای نسبی اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی محسوب میگردد ، ایجاد سازمان مستقل را برای زنان کشور حکم مینمود . سازمانیکه نیرو های پراگنده زنان را به طور استوار بهم پیوند دهد و آنانرا در راه انجام تحولات ملی و دمو کراتیک پیگیرانه پیش هدایت نماید .

سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان - بنابر ضرورت عینی درپای یک پیکار تاریخی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و در نتیجه کار و پیکار خستگی ناپذیر دکتور انا هیتاراتب زاده عضو بیروی سیاسی و رئیس سازمان صلح همبستگی و دوستی ج ۱۰۵۰۰ و رئیس س ۱۰۵۰۰ در سال ۱۹۶۵ بنیاد گذاشته شد طی (۱۶) سال حیات پرافتخار خویش همواره مظهر پیوند ارگانیکی و منطقی جنبش دمو کراتیک زنان با جنبش رهایی بخشی ملی بوده است .

تاریخچه سازمان ما مشحون از مبارزات قهرمانانه اعضای این سازمان بغاطر دفاع از منافع مردم ستم دیده ما و رهایی کامل زن از قید محرومیت ها و نابسامانیها بوده است . سالهای بعد از ۱۳۴۴ برای زنان آگاه و مترقی افغانستان سالهای آزمایش و تجربه ، سالهای مبارزه متشکل دموکراتیک ، سالهای بسط و توسعه سازمانی بوده است . تشکیل سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان به ابتکار رهبر جنبش زن و شخصیت برجسته سیاسی کشور ماریف دکتورس انا هیتا راتب زاده در وجود یک محفل کوچک در سال ۱۳۴۴ گام ارزنده و مفید بست که در راه رهایی نصف نفوس کشور و رسا ساختن صدای آزادی ، حقوق و مطالبات ایشان ، برداشته شد .

بلافاصله بعد از تشکیل سازمان ، انتخابات دوره دوازدهم پارلمان آغاز یافت که با وجود سلطه و تحریکات ارتجاع سیاه و رژیم فیودالی سلطنتی وقت ، تعداد قابل ملاحظه زنان و دختران آگاه در میتنگهای انتخاباتی کاندیدان حزب و سازمان فعالانه و باشعور و شفاف انقلابی سهم گرفتند و در رأی دهی اشتراک ورزیدند و در موفقیت کاندیدان حزب و سازمان بحیث نماینده های شهر کابل رول قابل ملاحظه را ایفا کردند و برای اولین بار نماینده سازمان دمو کراتیک زنان در پارلمان یک چوکی بدست آورد و صدای نیرومند زن برای دفاع از حقوق و آزادیهای دمو کراتیک در پارلمان کشور بلند شد .

در جریان مبارزات انتخاباتی و بعد از آن از طریق واحد های اساسی سازمان و فعالین آن حتی الامکان با قشرهای مختلف زنان تماس برقرار گردید ، همچنان به موازات آن سازمان در زمینه های دفاع از حقوق و آزادیهای دمو کراتیک زنان ، توضیح وضع رقتبار زنان در کشور و نظامهای مختلف اجتماعی کشور های جهان ارائه راه ها و وسایل مبارزه نجات بخشی زنان افغان و مسوولیت های جهانی آنان ، وظایف مقدماتی خود را ایفا کرد و در حدود امکان اقدام به فعالیت سازمانی ، آموزشی و تبلیغی نمود و واحدهای سازمان را تحت عنوان «انجمن» تشکیل داد .

در جواز سال ۱۳۴۵ بغاطر تجلیل نخستین سالگرد تاسیس سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان اجتماع قابل ملاحظه از زنان و دختران روشنفکران از معلمان ، کارمندان

و شاگردان تشکیل شد که روی اصول و عوازلین مرامی و سازمانی ، رهبری و مشی سازمان بحث آزاد و تبادل نظر دمو کراتیک صورت گرفت که در نتیجه آن تصامیم ثمر بخشی اتخاذ گردید .

سازمان ما همواره کار دربین توده های زن را با شرکت در جنبش مردمی موفقانه تلفیق نموده است .

در ذیل چکیده از بحر بیکران کار و پیکارشانزده ساله سازمان را نمونه و اراده میکنیم :
- اشتراک وسیع سازمان در مظاهره سه عترب ۱۳۴۵ با شرکت سازمانهای سیاسی تحت درفش مبارزه در راه تامین آزاد یهای دمو کراتیک خلق افغا نستان گام برجسته دیگر سیاسی بود که سازمان مادر بدو تشکل خود برداشت .

- همچنان طرح موقف و حقوق اکثریت زنان افغان در زندگی اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی به وسیله نماینده ح . د . خ . ۱۰ و سازمان دمو کراتیک زنان افغا نستان انعکاس وسیع در جامعه نمود و سازمان ما را استحکام و اعتبار بخشید .

- اشتراک وسیع سازمان در تظاهر بسزرگنده ها هزار نفری و میتنگهای روز ۹ قوس ۱۳۴۵ در شهر کابل که بغاطر اعتراض علیه توطئه ترور فر کسیون (ح . د . خ . ۱۰) در برابر و کلا ی مرتجع و حکومت میوند والو دسایس سلطنت صورت گرفت ، از افتخارات پیکار چویانه دیگر سازمان ماست که ثبت تاریخ نهضت کشور است .

- اشتراک وسیع و همه جانبه سازمان در اولین برگزاری روز (کارگری) اول می ۱۳۴۷ در وطن ما و منجمله دفاع از زنان کارگر کشور و اشتراک همه ساله سازمان در یک صف واحد تحت درفش حزب دموکراتیک خلق افغانستان درین روز جهانی باوصف حملات وحشیانه ارتجاع سیاه علیه نهضت و جنبش بطور عام و علیه نهضت زنان به طور خاص خصلت کارگری سازمان را متبازر ساخت .

- اشتراک وسیع و همه جانبه سازمان تحت درفش پرافتخار ح . د . خ . ۱۰ برای اولین بار در روز پشتونستان ۱۳۴۶ و اشتراک هر چه وسیعتر و همه جانبه سازمان در تجلیل این روز در تمام سالهای بعد .

- ابتکار بر گزاری و تجلیل هشت مارچ روز بین المللی زنان در سال ۱۳۴۶ توسط سازمان برای نخستین بار در کشور و تصویب مرام نجاتبخش سازمان و نشر گزارش این روز بامتن مرام سازمان در ارگان مرکزی ح . د . خ . ۱۰ نقش مؤثری در بیداری و تشکل زنان آگاه ایفا نمود .

- اشتراک در تظاهرات ، مارشها ، میتنگها و سخنرانیها علیه قانون ارتجاعی پوهنتونها .
- اشتراک همه ساله سازمان در بزرگداشت روز سوم عترب روز جوانان وطن .

- تشکیل میتنگ های اعتراضیه سازمان به اشتراك وسیع دختران پوهنتون و مارش اعتراض
آميز نامجل عمارت پارلمان عليه پيشنهاده وکلای مرتجع به غرض تجدید حقوق قانونی
زنان .

- ایجاد تظاهر و میتنگ عظیم زنان به وهبری سازمان در اعتراض علیه دسایس و ترور
ارتجاع سیاه در برابر آزادی زنان .

- اشتراك وسیع در تظاهرات شدید دوشادوش ح.د.خ. ۱۰ عليه اگنیو معاون ریاست
جمهوری امریکا هنگام مسافرت وی به کابل .

- اشتراك فعال سازمان در حادثه (۶) غرق روز شهادت رفیق عبدالرحمن شهید .

- برگزاری وسیع (۸) مارچ ۱۳۴۸ و نشر قطعنامه سازمان بخاطر رهایی اعضای رزمنده
حزب از زندان .

- اشتراك سازمان در استقبال از اولین زن فضا نورد شوروی در افغانستان .

- اشتراك پیگیر در تظاهرات (۵۲) روزه پوهنتون و معارف علیه حملات وحشیانه ارتجاع
وپولیس به حریم پوهنتون، دارالمعلمین کابل و لک و کوب دختران و زنان محصل .

- اشتراك وسیع سازمان در انتخابات دوره سیزدهم پارلمان باوصف دسایس و فتنه گری
های ارتجاع داخلی و خارجی در زمینه .

- برگزاری هشتم مارچ سال ۱۳۵۰ و دعوت نمایندگان جراید غیر دولتی که گزارش آن
وسیعاً در جراید انعکاس یافت و همچنان مارش در جاد عمومی .

- میتنگ و تظاهر با شکوه (۸) مارچ ۱۳۵۱ در شهر کابل در پارک زنگار و طرح عضویت
سازمان در فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان .

- اشتراك سازمان در میتنگ اعتراضیه علیه سفر هویدا نماینده ژاندارم منطقه به کابل .

- اشتراك نماینده سازمان در میتنگ جبهه متحد بخاطر آب هیر مند .

- اشتراك سازمان در میتنگ اعتراضیه علیه دولت پاکستان بخاطر انحلال حکومت های قانونی
محلی پشتو نستان و بلوچستان .

- شرکت فعال سازمان در میتنگ همبستگی ح.د.خ. ۱۰ با جنبش بلوچستان و پشتو نستان
به مناسبت تجلیل خاطره شهیدان بابر .

- تشکیل کنفرانس های متناوب محلی جهت دادن شعور و آگاهی بیشتر بزنان در راه مبارزه
صنفی و سیاسی شان .

- ایجاد یکتعداد کورسهای سواد آموزی از طرف سازمان و تبلیغات وسیع زبانی و شفاهی
بزبان ساده برای بیداری زنان .

- انتشار نشریه دو هفتگی در (۶۵) شماره زیر عنوان «گزارش» از سال ۱۳۴۶ تا اواسط ۱۳۴۹ .

- نشر و پخش ماهنامه بنام «زنان افغانستان» بعنوان ارگان مرکزی سازمان ۱۳۵۰ الی ۱۳۵۱ - ترجمه ، تکثیر و توزیع يك سلسله مواد و مقولات تیوریکي و معلوماتي در باره حیات زنان افغان و جهان و شیوه های مبارزه آنان .

همه اینها و صد ها فعالیت انقلابی دیگر نمونه های از سهمگیری فعال س.د.ز. ۱۰ در مبارزات اجتماعی و طبقاتی تا پیروزی انقلاب شکوهمند نور در کشور ماست .

بنیان گذاران و سپاهیان این جنبش بغویی میدانستند که جنبش دمو کراتیک زنان از جنبش‌رهایی بخش ملی در کشور ما جدا بوده نمیتواند و رهایی کامل زنان از قید ظلم و ستم ، جهل و خرافات تنها و تنها از طریق وحدت عمل همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد فیودالی میسر است و بس . در پیام ک.م.ح.د.خ.۱۰ خطاب به کنفرانس سرتاسری زنان افغانستان در مورد نقش سازمان دمو. کراتیک زنان افغانستان چنین گفته شده است : «سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان که بیشتر از ۱۵ سال از تأسیس آن میگذرد از همان آغاز فعالیت خود در تمام عرصه های مبارزه علیه ارتجاع ، استبداد ، استعمار و امپریالیزم بغاطر صلح ، آزادی ، استقلال ملی ، دموکراسی و ترقی اجتماعی و اقتصادی چون شیر زنان گذشته این وطن دوش بدوش حزب دمو کراتیک خلق افغانستان در نهضت رهایی بخش خلق ما بپیراس از تهدیدها ، شکنجه ها و زندا نهایی رژیم های استبداد و ترور گذشته باتقوا و شجاعانه و قهرمانانه شرکت داشته است .

نقش حماسه آفرین گروه دهبری ، کادرها و صفوف سازمان دمو کراتیک زنان در انقلاب نور بخصوص مرحله نوین آن در تاریخ نهضت انقلابی کشور مان جاویدان خواهد ماند .»
انقلاب نور به مثابه نقطه عطف عظیم در تاریخ کشور ماکه متکی به اراده خلقهای افغانستان در چار چوب قانون بندی های تکامل جامعه ما و در نتیجه تشدید پیایی تضاد های آشتی ناپذیر بین مستی از استعمار گسران و توده های ملیونی زحمتکشان افغانستان به پیروزی رسید افقهای تازه در برابر خلق کشور در جهت اعمار جامعه ایکه در آن استعمار انسان به وسیله انسان و تمام انواع ستم ملی و اجتماعی اثری نباشد گشود رهایی کامل زن از قید ظلم ، خرافات و بقایای مناسبات فیودالی و طرد هر آنچه که به حقارت اسارت ، تحقیر و توهین زن می انجامد و تأمین شرایط هر چه مساعد تر برای رشد همه جانبه شخصیت زنان افغانستان که نیمی از جمعیت و قوای بشری بالقوه را تشکیل میدهند یکی از آرمانهای ملی، دموکراتیک، ضد فیودالی و ضد امپریالیستی انقلاب ماست .

در اصول اساسی جمهوری دمو کراتیک افغانستان که پس از مرحله جدید انقلاب نور یعنی پس از (۲۷) دسامبر ۱۹۷۹ اعلام گردید نه تنها اصل برابری زنان با مردان

انعکاس یافته بلکه راه ها و شیوه های تشدید تقویت مواظبت دولت از وضع زنان به مثابه زحمتکشان و مادران وطن نشان داده شده است .

در مرحله فعلی انقلاب چرا باید سازمان دموکراتیک زنان افغانستان نیرو مندی خاص کسب نماید و چرا باید یکی از پایه های مهم جبهه ملی پدروطن را تشکیل دهد ؟

رفیق بېرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی دموکراتیک پس از پیروزی مرحله نوین انقلاب نور طرح جبهه ملی پدروطن را به مثابه عملی ترین و ممکن ترین شکل هماهنگ ساختن فعالیت نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه ما در دفاع از دست آورد های انقلاب نور و مبارزه تبلیه ارتجاع و امپریالیزم و اعمار جامعه نوین پیش کشید و اندکی بعد در تظاهرات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت دو مین سالگرد انقلاب نور اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان انعکاس یافت . پیروزی مرحله جدید انقلاب نور اشکالات مساعد اشتراک همه جانبه زنان افغانستان را در چهار چوب سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در جبهه ملی پدروطن در سطح عاقلتر فراهم نمود . و این امر برای حل مسئله زن در افغانستان ارزش بس بزرگ دارد .

بنابر آن سیاست اصولی و خلاق حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جهت تامین اتحاد طبقات و اقشار ملی و دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فئودالی جامعه در رأس اتحاد کارگران، دهقانان، روشنفکران، روحانیون و وطنپرست ، کسبه کاران ، سرمایه داران تجارتی و صنفی ملی، کوچی ها، قبایل و اقوام در چهار چوب جبهه ملی پدروطن تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بخاطر مبارزه در راه محو و طرد بقایای فئودالی ، عقب ماندگی فقر، بیکاری ، بیسوادی ، و امراض خانها ناسوز، در راه تامین شرایط انسانی کار و ارتقای سطح زندگی مردم تشکیل میدهد و واضح است که زنان کشور میتوانند و باید هم بتوانند نقش شایسته خود را در این مبارزه بخاطر تادین سعادت و خوشبختی فرزندان شان یعنی نسلهای آینده کشور ایفا نمایند . ما معتقدیم که در بین ما زنان افغان نیرو ، استعداد ، و توانایی کافی برای انجام این وظایف تاریخی وجود دارد برای بسیج نمودن و متشکل ساختن این نیرو و وظیفه عمده بلوش زنان آگاه و در گام نخست بدوش سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که تحت رهبری دایهانه دکتر اناهیتا راتب زاد عضو بیروی سیاسی ، رئیس سازمان صلح، دوستی و همبستگی فعالیت مینماید می باشد .

کنفرانس سر تاسری زنان افغانستان که بتاريخ ۲۸ - ۳۰ نوامبر ۱۹۸۰ در کابل دایر گردید و در کار آن اعضای عالیقدر حزبی و دولتی در راس رفیق بېرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان اشتراک ورزیدند ، نمایانگر ارج بزرگیست که رهبر

حزب به مبارزه زن در کشور و نقشی زنان افغان در پروسه نو سازی قابل اند .
اشتراک وسیع و فعال زنان از تمام طبقات، اقشار و گروه های ملی و دموکراتیک جامعه
از مرکز و ولایات کشور خود نمایانگر قدرت جاذبه بیش از پیش این سازمان توده ای
دربین زنان کشور است و یکبار دیگر کنفرانس ثابت ساخت زنان باچه شور و شوق برای انجام
وظایف بزرگ و خطیری که انقلاب وطن در برابر آنها قرار داده است از خود آماده می نشان
میدهند .

کنفرانس سر تاسری زنان افغانستان شورای مرکزی جدید س ۱۰۲۰ را که در پر گیرانه
زنان کارگر و کشاورز، زنان روشنفکر و وطنپرست اهل کسبه و غیره بود انتخاب نمود این خود
گام مهم و پرازش بسیج همه نیروهای زنان در تحت رهبری سازمان دمو کراتیک زنان
افغانستان به مثابه یگانه پیشهنگ جنبش زنان افغان نستان محسوب میگردد .

اشتراک بیش از (۱۹) سازمان زنان از سر اسر جهان در راس آن کنفرانس بود -
کراتیک بین المللی زنان در کار کنفرانس سر تاسری زنان افغان نستان نهاده جدید
پیونده اوگا نیک و ناگستنی زنان جهان با زنان افغان نستان انقلابی بشمار میرود .

اشتراک شصت و شش هیات برجسته جنبش جهانی زنان (والنتینا نیکولایا ترشکوا) عضو
هیات رئیس شورای عالی اتحاد شوروی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونسنت اتحاد شوروی و
اولین زن کیهان نورد جهان و ده هاجره برجسته از رهبران نهضت زنان در جهان خود نمایانگر
ارزش است که جهان مرفی و صالح خواه به پیشکار مردم افغان نستان بخصوص به جنبش
زنان آن میزول میدارند .

کنفرانس سر تاسری زنان افغان نستان نقطه عطف در تاریخ جنبش زن در کشور و
محسوب میگردد که با تدویر آن جنبش دموکراتیک زنان افغان نستان وارد مرحله جدید
کیفی نگاهل خویش گردید .

بعد از تدویر اولین کنفرانس سر تاسری زنان کشور شورای مرکزی س ۱۰۲۰ کار
وسیع و پرتهری را در بین توده های زنان انجام داده است .

در سرتاسر ولایات کشور و منجمله شهر کابل شیوه های جدید کار تشکیلاتی در عدل
پیاپی گردیده است که در نتیجه آن شورای های ولایتی (۷) شورای شهری ، (۱۹) شورای
ناحیوی ، (۲۰۹) سازمان اولیه زنان ایجاد گردیده است . همچنان سترو کتور جدید
تشکیلاتی شوراهای ولایتی ، شهری و ناحیوی تنظیم گردیده که موافقان دوشهر کابل و ولایات
بلخ، جوزجان ، هرات ، غور ، فغانز و دیگر ولایات کشور بکار بسته شده است .

کمیسیون تشکیلات کمیته اجرایی سازمان رهنمود های سرشماری اعضای سازمان ، فورم
های احصایی ، فورمهای ثبت انفرادی ، فورم های جمع آوری حق العضویتها ، معرفی

خط تدوین شده و به تمام سازمانها در سرتاسر کشور ارسال گردیده است و سر شماری اعضای سازمان آغاز گردیده است .

پلان کار دورنمای سازمان برای سال ۱۹۸۱ تنظیم شده است . همچنان بودجه سازمان تدوین و تصویب گردیده است .

همچنان سازمان ما بخاطر جلب هر چه بیشتر زنان وطنپرست و مرفعی کشور به صفوف سازمان همزمان با کارهای وسیع و سیستماتیک جلب و جذب اوراق تبلیغاتی که حاوی پیام به زنان افغانستان و دعوت آنان بصرفوف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان است تهیه دیده با تیراژ فراوان آماده بخش گردانیده است .

عمارت جدیدی در کابل برای تعمیر سازمان دموکراتیک زنان افغانستان اختصاص داده شده است که دارای اطاق بزرگ کنفرانس و همچنان کتابخانه مستقل میباشد .
باساس فیصله دولت انقلابی ما یکی از سینما تیاترهای مرکزی کابل «زینب ننداری» و دستگاههای صنعتی و سوزن دوزی زنان به ملکیت سازمان زنان در آمده است .

یکی از جهات محوری کار ما را بر گردان دقیق کادر هابه مسئولیت شورا های ولایتی شهری و ناحیوی تقسیم درست کار در بین آنان و سیستم آموزشی و ارتقای سطح دانش توده آنان تشکیل میدهد. بدین منظور سیمیه سیستماتیک و دوامدار برای اعضای شورای مرکزی ، ولایتی و شهری کابل در چوکات شورای مرکزی سازمان تدویر میگردد .

علاوه بر آن برای اعضای شورا های نواحی و مسئولین سازمانهای اولیه کورسهای رشد سریع در چوکات انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ماه فبروری و مارچ تنظیم گردیده بود .

همچنان کورسهای اختصاصی جهت آشنایی با تاریخچه فدراسیون و جهات فعالیتها و عملکرد آن طی ۳۰ سال در دو حلقه برای کادرهای رهبری و فعالین سازمان دایر گردید که حلقه وسیع اعضای سازمان در آنها اشتراک ورزیدند .

طی مدت بعد از کنفرانس سرتاسری زنان افغانستان سازمان استحکام قابل ملاحظه یافته دایره فعالیتهای آن وسیع گردیده و صفوف آن گسترش بی سابقه یافته است .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان یکی از اجزای متشکله جبهه ملی پدروطن بوده (۱۰) تن از اعضای آن در ترکیب کمیته ملی جبهه ملی پدروطن بر گزیده شده اند .

سازمان مابه کار سیاسی ، تئوری و آموزش در بین کتله های زنان توجه خاصی را مبذل میدارد .

مواد اولین کنفرانس سرتاسری بشکل نشریه پرتیراژ از طبع برآمده و در بین توده های وسیع زنان بخش گردیده ، همچنان جهت فراگیری این مواد رهنمود ها، پلان سیمینار

های آموزشی و در برنامه های تنظیم گردید که آموزگاران سازمانهای اولیه بعد از شرکت در سیمینارهای اختصاصی و دریافت رهنمودهای معین در سازمانهای اولیه خویش به تدریس آغاز کرده اند .

در برنامه ها حاوی مواد ذیل اند :

- ۱- اهمیت تاریخی کنفرانس سر تاسیری زنان افغانستان .
 - ۲- انقلاب ثور به مثابه نقطه عطف در تاریخ کشورما، فاکتور عمده تعیین کننده حل مسئله زن.
 - ۳- دفاع از دست آورد های انقلاب ثور و بخصوص مرحله جدید تکاملی آن وظیفه مقدس جمهوری دموکراتیک افغانستان .
 - ۴- اهداف و وظایف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در شرایط کنونی .
 - ۵- جنبش دموکراتیک بین المللی زنان ، س ۵۰ ز ۱۰ به مثابه عضو فعال فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان .
 - ۶- نقشی زنان در مبارزه بخاطر صلح و خلع سلاح .
 - ۷- کنسفرجه جهانی زنان و هشتمین کنگره فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان
 - ۸- حل مسئله زن در کشورهای سوسیالیستی
 - ۹- تاریخچه کنگره های ف ۵۰ ب ۰ ز .
 - ۱۰- حل مسئله زن در شوروی و دیگر در برنامه ها .
- امسال بشکل بی سابقه هشتم مارچ روز بین المللی زن در سر تاسر کشور برگزار گردید .

تنهادر شهر کابل بمناسبت بزرگداشت از بین جشنواره با عظمت (۱۸) میتنگ وسیع و بزرگ تشکیل گردید و (۷۰۰) زن شایسته که کار و تلاش شان در زندگی اجتماعی و جبهات تولیدی برای همه مثال و آموزنده بوده است ، برجسته گردیده و مورد تقدیر قرار گرفتند . جشنواره های با عظمتی بدین مناسبت در ولایات بلخ، ننگرهار ، جوزجان ، هرات قندز ، غزنی ، فاریاب ، سمنگان، بغلان و دیگر ولایات کشور تصویر گردید .

به افتخار هشتم مارچ اولین نمایشگاه صنایع و محصولات ساخته دستان زنان در کابل افتتاح گردید که مورد توجه و علاقمندی فراوان قرار گرفت .

کار وسیعی را سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در جهت شرکت هر چه فعالتر و گسترده تر زنان در جشن سومین سالگرد انقلاب ملی و دموکراتیک ثور انجام داده است ، سهم زنان در رژه های زحمتکش قابل ملاحظه بوده است .

تزیین و دیكور گروههای تظاهر کنندگان نمایشگر نقش عظیم زنان افغانستان در عرصه های مختلف زندگی مردم ، افاده گر روحیه همبستگی زنان کشور ما با خلقها و زنان آسیا، افریقا ، امریکای لاتین و همه آنانی که بخاطر آینده مسعود کودکان ، صلح و ترقی میروند

بوده و سهم فعال زنان افغان نستان را در جنبش مرفی و دموکراتیک بین المللی زنان تمثیل مینمود .

سازمان دموکراتیک زنان افغان نستان در همکاری با مرکز فرهنگی اتحاد شوروی محافل لکچرها و ملاقاتها تنظیم نموده است .

شورا های مرکزی ، ولایتی و شهری سازمانها از وسایل و رسانه های جمعی استفاده وسیع بعمل میاورند چنانچه درین اواخر مجله «زنان افغانستان» به نشرات خویش آغاز کرده است .

همچنان از طریق رادیو پروگرامهای خاص تئوری و آموزشی برای زنان تهیه و نشر میگردد . اعضای سازمان مادر ترکیب میزهای مدور اشتراک ورزیده از طریق رادیو و تلوویزیون واقعیشهای زندگی زنان کشور ، سهم آنان را در انجام دگر گوزیهای اجتماعی ، اقتصادی و دفاع از دست آورد های انقلاب ثور و بخصوص مرحله جدید تکاملی آن باز گو مینمایند .

شورا های ناحیوی و سازمانهای اولیه به طور منظم جراید دیواری تهیه مینمایند . بطور مثال در چوکات شوروی ناحیه پنجم سازمانهای اولیه مربوط آن ، این ما توال به طور گسترده بر آورده میشود . با نشر جراید دیواری اختصاصی ، دیواری در موسسات مختلف بطور مثال ، سیلوی مرکز ، پولی تخنیک ، ترانسپورت زمینی و غیره تحت شانین نقشی زنان در تولید ، زنان پاسداران صلح اند ، صدای زن ... زنان را در ارتباط رسالت ها و وظایف شان در برابر وطن ، دست آوردهای بشریت نیاز مندی به تحکیم صلح و ثابین سعادت کودکان آگاهی میدهد .

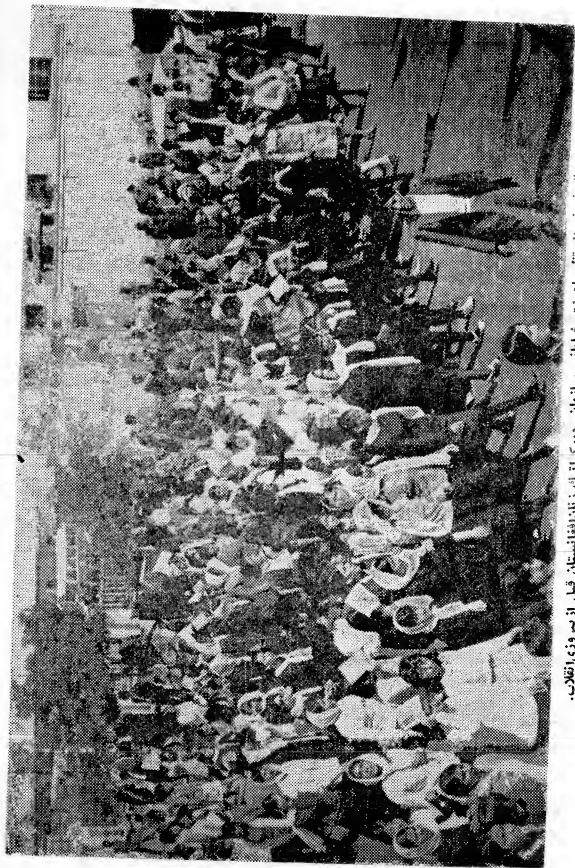
سازمان ما به منظور انجام کار تئوری شیوه های مشور دیگر را نیز بکار می بندد . با تشکیل کورسهای هنری مانند کورسهای رسامی ، خطاطی ، سوزن دوزی ، در شکل و بلند بردن سطح دانش مسلکی زنان نقش قابل ملاحظه را دارا میباشد .

یکی از جهات عمده دیگر کار سازمان ما شرکت فعال آن در پروژه همکاری مبارزه با بیسوادی است . به ابتکار سازمان ما کارو سیح درین جهت تحت شعاع «هر با سواد دو بیسواد را خواندن و نوشتن می آموزد» آغاز گردیده است (۱۵۰) کورس سواد آموزی توسط شورا های سازمان ما تشکیل گردیده است ، همچنان با زنان کار انفرادی با اساس محل زیست شان در این جهت نیز صورت میگیرد .

همچنان اعضای سازمان در کورسهای اختصاصی تدریس میشوند تا با شیوه های کار در بین زنان بیسواد و ترویج سواد در بین آنان آشنا شوند .

باید متذکر شد که تدریس درین کورسها با انجام کار تئوری و آموزش سیاسی همراه میباشد . که در ارتقای سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی زنان خیلی موثر واقع میگردد .

پك نمونه از تظاهرات خیابانی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان قبل از پیروزی انقلاب.



اکثریت زنان بعد از ختم این کورسها به صفوف سازمان می پیوندند . بطور مثال در ولایت غزنی از جمله (۱۳۰) زن سواد آموز (۲۲) تن آن در خواست عضویت در سازمان را نموده اند ، چنین مثالهایی کم نیست .

گسترش وسیع کار سیاسی وتوده ای در بین زنان ، تشکل واستحکام پایه های اجتماعی سازمان مارا تامین نموده ، نقش زنان رادرانجام دگر گو نیهای بنیادی در جامعه و دفاع از دست آوردهای انقلاب ثور ارتقاء میبخشد .

زنان کشور مابادگیری وسر سپردگی حماسه زابه جبهات گرم وپیکار رویا روی بادشمن رفته در پهلوی شوهران ، فرزندان ، برادران و پدران خویش در عملیات محو قطعی ضد انقلاب قهرمانی های فراوان بجا گذاشته اند .

نام های پر آوازه دختران جوان چون فاضله ، شمیره ولطیفه برای همه آشنا و قابل احترام است . آنان گلهای ناشگفته هستی خویش را در پای انقلاب ریخته وجاویدانه گردیده اند .

بخاطر بزرگداشت قهرمانی های این شهدای راه مردم پوستر های اختصاصی عنقریب انتشار خواهد یافت .

شورای مرکزی سازمان ما جهت انجام کار تبلیغی ، احیای سازما نهاو سهم گیری در عملیات پاک کاری ولایات از وجود دشمنان مردم گروپهای اعضای خویش رابه ولایات کشور اعزام نموده است . که نتایج کار آنان از طرف ارگانهای محلی حزبی عالی ارزیابی شده است .

سمت اساسی وعده کار سازمان مارا شرکت در جنبش دمو کراتیک بین المللی زنان بخاطر صلح ، ترقی اجتماعی واستقلال ملی تشکیل میدهد .

سازمان مابه مثابه عضو فدراسیون همه تلاشهای خویش را بکار بسته است تا با همه سازمانهای ملی عضو فدراسیون تماس نزدیک ودوستانه بر قرار نماید .

در حال حاضر سازمان ما با (۳۶) سازمان ملی و منطقوی زنان مناسبات نزدیک دوستانه داشته و هم با سازمانهای بین المللی مانند سازمان ملل ، یونسکو ویونسف تماس وروابط همکاری ایجاد نموده است .

بعد از تدویر کنفرانسی سر تاسری زنان افغانستان در ارتباط با استحکام مواضع انقلاب ، واقعیتهای زندگی زنان کشور ، نقش زنان در ساختمان جامعه نوین مواد تهیه وبه سازمانهای زنان جهان ارسال گردیده است .

هیأت نمایندگی سازمان ما در کار دومین کنگرس فدراسیون ملی زنان کوبا ودهمین کنگره فدراسیون ملی زنان هند، همچنان در جلسه بیروی فدراسیون دموکراتیک بین المللی

زنان و کنفرانس کوپنهاگن جلسات پارلمان صلح جهانی در صوفیه و جلسه بیروی سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا در عدن اشتراک ورزیده اند .

نمایندگان سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در مارچ سالجاری همچنان سازمانهای ملی زنان مکزیکو و کوبا بوده اند .

همچنان هیات دیگر سازمان در ماه جون جهت فرا گرفتن و مطالعه تجارب اتحاد شوروی در ارتباط با حل مسأله زن به ویژه در جمهوریهای آسیای میانه شوروی از کشورها بازدید بعمل آورده است .

هیات سازمان مادر کار کنفرانس نقش کلچر در پرورش اطفال و نو جوانان منعقد صوفیه اشتراک ورزیده است .

زنان افغانستان از پیشنهادات ابتکاری صلح آمیز اتحاد شوروی باشعف و شور انقلابی قاطعانه پشتیبانی مینمایند .

پیام کمیته زنان شوروی به زنان جهان که حامل وانعکاس دهنده این پیشنهادات بود در جریده «حقیقت انقلاب ثور» نشر گردید .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با ارسال پیام جوابیه اراده خویش را مبنی بر اشتراک فعال در مبارزه خلقها بخاطر صلح با قاطعیت ابلاغ داشته است .

سازمان ما از مبارزه عادلانه زنان جهان بخاطر آزادی ، مساوات ، زندگی بهتر تا مین سعادت کودکان پشتیبانی نموده و خود را مستقیماً در این مبارزه سهیم میداند .

روحیه همبستگی سازمان ما با زنان رزمنده جهان در پیکار عادلانه شان علیه استعمار ، تبعیض نژادی ، استثمار ، امپریالیزم و اپارتاید در پیامهای سازمان ما عنوان زنان اسلواکوه ، چلی ، کوریای جنوبی ، گرینادا و انگولا وسیعاً انعکاس یافته است .

سازمانهای اولیه س ۱۰۰ و به صورت مجموع در بین توده های زنان همین اکنون کمپاین وسیع تبلیغی به پیشمواز هشتمین کنگره جهانی زنان و اهداف آن آغاز گردیده است . کمیته ملی جهت تدارکات برای کنگره سازمان ایجاد گردیده است . سیمینار های متعدد برای فعالین و کادر های سازمان درین ارتباط تدویر گردیده است .

در باره کنگره و اهداف آن فعالیتهای فدراسیون و تاریخچه مبارزات پر ثمر آن مواد آموزشی تهیه و به ولایات و شوراهای نواحی ارسال گردیده است و هم در مکاتب دختران بصورت حتمی این مواد تدریس میگردد . کمیته ملی تدارک کنگره هشتم جهانی زنان مصمم است پروگرام های خاص رادیویی و تلویزیونی بدین مناسبت در آینده خیلی نزدیک تنظیم نماید .

در جراید کشور منجمله جریده «حقیقت انقلاب ثور» ستون خاصی تحت عنوان به پیشمواز کنگره هشتم جهانی زنان ایجاد میگردد .

بعد از کنفرانس سر قاسری زنان افغانستان کمیسو نه‌ای امور تولیدی شوراهای مربوطه سازمان کاروسیع سازماندهی را انجام داده اند بر بسیاری از فابریکه ها و موسسات تولیدی شرایط کار زنان مطالعه شده است .

به افتخار روز جهانی کودک به ابتکار و مصرف سازمان مغازه فروش کالا های مورد نیاز اطفال افتتاح گردید . پول که ازین مدرک جمع آوری میشود به فامیل های شهدای راه انقلاب مدد می گردد .

عنقریب اولین کلوب زنان در کابل افتتاح خواهد شد .

در یک عده از ولایات کشور مانند بلخ ، ننگرهار ، جوزجان ، نغمان ، کلوپهای ایجاد شده و موفقانه فعالیت مینماید .

جهت ارتقای سطح دانش مسلکی زنان در بسیاری از نواحی کورسهای اختصاصی ایجاد شده است .

سازمان در جهت تامین همه جانبه حقوق اجتماعی زنان حمایت طفل و مادر بادت انقلابی ما همکاری همه جانبه به عمل می آورد در چوکات کمیسون امور اجتماعی سازمان کمیته زنان حقوقدان ایجاد گردیده است که دوسیه های یک عده زنان معجوس را آرزبایی نموده و در جهت رهایی آنان از قید با مقامات مسوول به تفاهم رسیده اند . به افتخار (۸) مارچ یک عده آنان مورد عفو قرار گرفته و از بند رها گردیدند

همچنان شرایط زندگی اطفال و زنان در مرستون و دارالتادیب مورد مطالعه قرار گرفته و ششصد و سی زده مستحق از کمکهای مادی کشورهای دوست مستفید گردیده اند . از خانواده های شهدای راه انقلاب عیادت بعمل آمده و به (۲۰۰) خانواده کمک مادی شده است .

به ابتکار سازمان کنسرتهایی به اشتراک هنرمندان کشور تنظیم گردیده است که پولی جمع شده ازین مدرک به صندوق معیوبین انتقال یافته است . همچنان در تنظیم و پاک کاری شفاخانه ها و کودکانها اشتراک میورزد . در ختم سالجاری پلینوم شورای مرکزی دایر خواهد شد که نتایج کار سازمان را جمع بندی نموده و وظایف بعدی را مشخص میسازند .

سازمان مابه مشابه یگانه سازمان توده ای دموکراتیک و کتلوی در کشور که بغاطر انجام وظایف تاریخی و مشترک گروه های وسیع زنان کشور را صرف نظر از موقف اجتماعی و وابستگی های قومی ، قبیله ای ، معتقدات مذهبی واید یولوژیک و سیاسی جهت مبارزه و کار مشترک بغاطر دفاع از وطن ، تامین حقوق زنان ، حمایت کودکان ، دفاع از مواضع صلح ،

دمو کراسی واستقلال ملی به صورت داوطلبانه در صفوف خویش متشکل میسازد ، وظیفه خود میدانند تا بطور دوامدار و خستگی ناپذیر در جهت توحید و تشکل همه زنانیکه حاضرند به مبارزه مقدس بخاطر دفاع از دست آوردهای انقلاب ثور علیه ارتجاع و امپریالیزم بپا خیزند ، تلاش میورزد .

سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان پرور شکاه زنان وطنپرست باروحیه آگاهی اجتماعی احساس مسوولیت در برابر مادر وطن و سهمگیری در پروسه تکامل انقلابی جامعه ما احترام و پاسداری از گنجینه های فرهنگی مردم افغانستان ، یابندی به سنن عالی و احترام به عقاید مذهبی مردم ما محسوب میگردد. و از امکانات دورنمای وسیعی که پیروزی انقلاب ثور در برابر مردم ما گشوده در جهت رهایی زنان از قید ستم و طرد بقایای نظام فیودالی و مبارزه با - برخورد ارتجاعی در قبال نقش زنان در جامعه و خانواده استفاده همه جانبه نموده و در رفع عقب ماندگی اجتماعی زنان با جلب آنان به زندگی سیاسی تولیدی و فرهنگی همکاری بعمل میاورد .

سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان وظایف مشخص ذیل را در برابر خود میگذارد :

در ارتباط با تضمین حق زن به مثابه مادر انسان زحماتش و تبعه افغانستان :

تأمین حق کار و دستمزد مساوی با مرد در برابر کار مساوی ، ایجاد شرایط لازم بخاطر جلب زنان به کار تولید اجتماعی از طریق ایجاد و رکشاپها ، دستگاه ها و موسسات صنعتی مخصوص زنان .

بهبود شرایط زندگی زنان دهقان و تأمین پرداخت دستمزد در برابر کار آنان .

تکامل بعدی قوانین در ارتباط با مراقبت از کار و صحت زنان ، تأمین حق رخصتی قبل و بعد از وضع حمل برای همه زنان کارمند و زحماتش با حفظ دستمزد و ایجاد شبکه های وسیع خدمات بهداشتی و صحتی برای زنان و اطفال .

توسعه پروسه سواد آموزی در بین زنان و ایجاد شرایط مساعد برای زنان و دختران در جهت کسب تحصیل و دانش حرفی .

در ارتباط با حمایت کودک :

- ایجاد شرایط مساعد زندگی برای همه کودکان، دفاع از آنان در برابر امراض، فقر و دیگر فاکتور های ناغوار که از گذشته برای ما به میراث مانده است .

- مواظبت جدی از وضع صحت اطفال، ایجاد و توسعه شبکه های خدمات رایگان صحتی و بهداشتی برای کودکان .

— همکاری به منظور ارتقای سطح مادی فامیلها ، تربیه اطفال ، تامین حق تحصیل و کسب مسلک برای اطفال به زبان مادری بدون تبعیض نژادی ملی و جنسی .
— تامین طرق استفاده وسیع از رادیو ، تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی جهت تربیت اطفال با روحیه وطنپرستی، صلح جویی و دوستی و همبستگی خلقها .

در ارتباط با دفاع از صلح پایدار و تحکیم استقلال ملی:

خواسته های زنان افغان نستان دادر ارتباط با دفاع از صلح ، تامین خلع سلاح عام و تام خاتمه بخشیدن به مسابقات تسلیحاتی و خطرات جنگ سوم جهانی انعکاس و سازمان میدهد .

مناسبات همکاری نزدیک را با شورای صلح افغان نستان ایجاد و تحکیم میدهد .
به مثابه عضو فعال فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در کارزار های تبلیغاتی ،
کنگره ها ، اسامبله های جهانی و منطقه ای ، حلقه های جهانی اشتراک میورزد .
استحکام همبستگی عمیق و پشتیبانی از زنانیکه یکجا بطور مساویانه با مردان بخاطر آزادی و استقلال ملی میروند ، و یکجا با همه خلق افغان نستان به طور خستگی ناپذیر در جهت عادی شدن اوضاع در قاره آسیا ، تحکیم مناسبات حسن همسایگی و همزیستی مسالمت آمیز بین کشور ها به منظور مبدل ساختن منطقه بحر هند و خلیج فارس به منطقه صلح و دوستی تلاش میورزد

تحکیم مناسبات دوستی و همکاری با زنان شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه سازمانهای دموکراتیک زنان و نیروهای مترقی جهان ، به منظور آشنایی و آگاهی بیشتر از کار ، زندگی و تجربه زنان در ارتباط با حل مسائل و پروا بله های مربوط به زنان در این کشور ها .

چهارت اساسی فعالیت های سازمان دموکراتیک زنان افغانستان :

تحقق اهداف و آرمانهای فوق را کار در این ساحات میسر میسازد :
کار جدی به منظور جلب زنان به ساختمان جامعه نوین ، مواظبت و مراقبت از شرایط کار و زندگی زنان ، بهبود توسعه مراکز تغذیه و دسته جمعی و مراکز صحن و غیره .
تشدید کار پرورشی در بین زنان و جلب آنان به زندگی اجتماعی و به این منظور در جنب شوراهای سازمان مراکز و کلوپ ها برای زنان ایجاد میگردد .
به منظور مبارزه با عواقب و اثرات منفی رژیم های گذشته کورسهای متنوع از قبیل کورسهای برش خیاطی ، تدبیر منزل ، آشپزی ، وقایه و حفظ الصحه و همچنین مراکز مشورتی حقوقی ، پیدا گوژیک و طبی ایجاد میگردد .

یکجا با اتحادیه های کارگری وارگا نهادهای مقامات مسئول به منظور کمک به مادران و تربیه اطفال به مرا جمع مربوط پیشنهاد تکمیلی و تکامل: هدی قوانین کار و کارگری و حمایت مادر و طفل را ۱ را تهیه می دارد در تو سعه شبکه های خدمات آموزشی و صحتی برای اطفال همکاری می نماید .

اتخاذ تدابیر لازم بمنظور ایجاد شرایط لازم کار برای زنان و اشتراک در کمپاین محو بیسوادی وار تقای سطح دانش عمومی و حرفه ای زنان .

کنترول و تطبیق قانون کار و کارگری در مورد کار زنان یکجا با اتحادیه های کارگری و جلو گیری از گمراه شدن زنان به کار های شاقه .

سهیم گیری فعال در کار فد راسیون دمو کراتیک بین المللی زنان بخاطر تدویر سیمینار های منطوقی و بین المللی در ارتباط با مسائل دفاع از صلح ، حقوق زنان و حمایت کودکان . تبادل نمایندگان و همکاری متقابل بخاطر مطالعه و بررسی تجارب کار در بین زنان و ارتقای فعالیت های اجتماعی و سیاسی زنان .

توحید و سازمان دادن زنان در مبارزه بخاطر صلح ، خلع سلاح ، دینانیت و منع استعمال سلاح ذروی و تحکیم استقلال ملی کشورها و بر گزار نمودن و تنظیم جلسات و اجتماعات زنان و صدور ابلاغیه ها و تصمیم در موارد مشخص مربوط به فعالیت های سازمان . انعکاس موضع گیری و موقف زنان افغانستان از طریق رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط دسته جمعی در قبال پرابلیم های حاد و دستور روزها و فعالیت های زنان افغان جهت تحکیم همبستگی و وحدت نیروهای متفرقی در مبارزه بخاطر دفاع از موضع صلح و رفع تشنج .

ساختار تشکیلاتی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان:

عالیترین مقام سازمان دموکراتیک زنان افغانستان کنگره است که هر سه سال یکبار دایر می گردد . کنگره پروگرام فعالیت های سازمان را تصویب و وظایف آنرا مشخص میسازد ، از بین نمایندگان ، کنگره شورای مرکزی را انتخاب و گزارش آنرا استماع نموده فعالیت های سازمان را مورد بررسی قرار می دهد .

در فاصله بین دو کنگره شورای مرکزی عالیترین مقام رهبری کننده سازمان بشمار می رود ، شورای مرکزی در برابر کنگره مسئولیت دارد و شیوه ها و طرق کار را جهت تحقق فیصله ها و تصمیمات کنگره جستجو نموده فعالیت کمیته اجرایی را رهبری و کنترول می نماید .

ساختار تشکیلاتی ابرار شورای مرکزی را تعیین و فعالیت آنرا رهبری می کند . در برابر ارگانها و موسسات دولتی و همچنان دیگر سازمانهای اجتماعی از سازمان دمو -

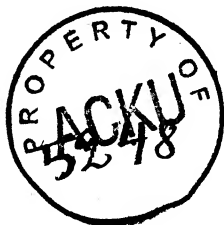
کراتیک ز نان نمایندگی نموده و ارتباط سازمان را با مجامع بین المللی و ساز مان های دموکراتیک ملی زنان کشور های دیگر تامین می نماید .

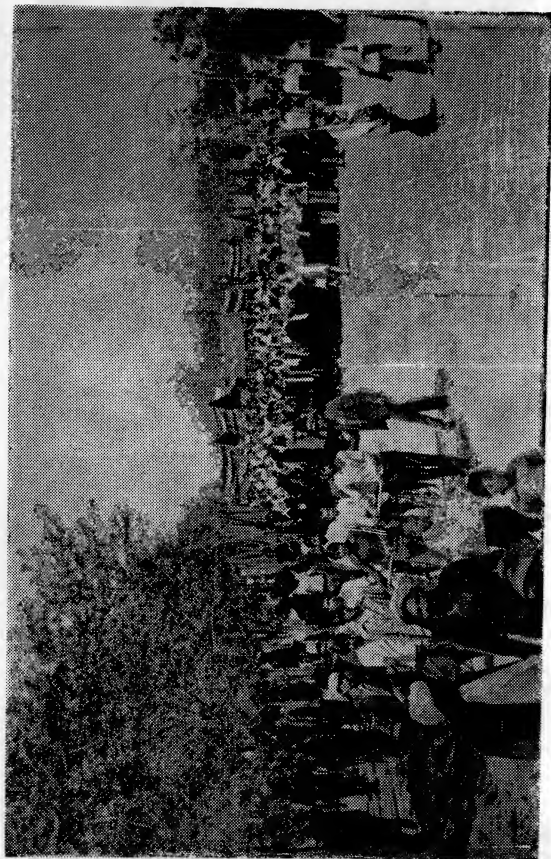
در فاصله بین دو جلسه شورای مرکزی کمیته اجرا ئیه فعالیت های ساز مان د مو- کراتیک ز نان افغانستان را رهبری می نماید. کمیته اجرائیه کمیسیونهای دایمی سازمان را ایجاد می کند .

مسئو لین کمیسیونها می توانند از بین اعضای شورای مرکزی انتخاب گردند . در ولایات بخشهای ولایتی سازمان فعالیت می نمایند . در رأس این بخشها شورا های ولایت قرار دارد . اعضای شوراها در کنفرانس ولایتی زنان انتخاب می شوند . شورا ها جهت پیشبرد فعالیت های خویش به حلقه های وسیع فعالین ساز مان ا تکاء دارد .

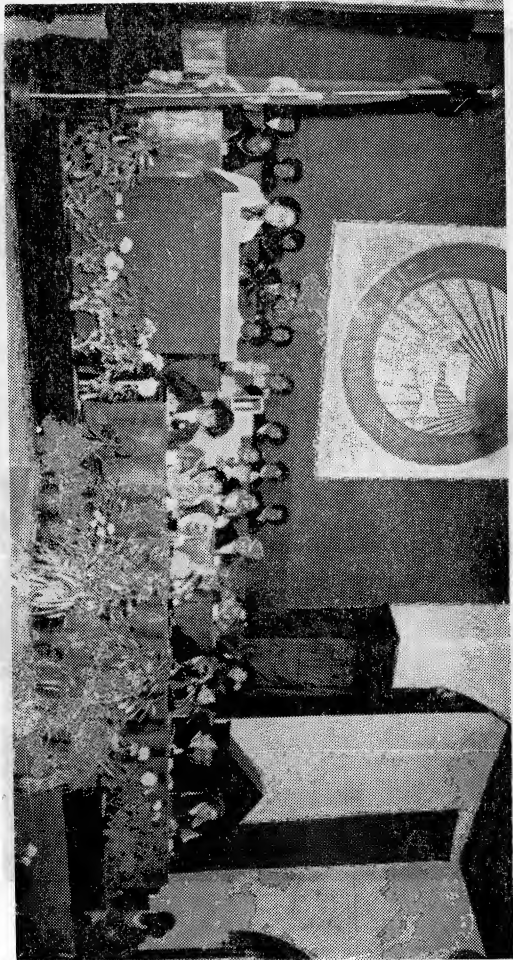
میتود ها و شیوه های کار ساز مانی و تشکیلاتی ساز مان دمو کراتیک زنان افغانستان در نواحی و نقاط مختلف کشور با در نظر داشت شرایط مشخص ز مانی و مکانی و خصوصیات وضع زن اهداف و وظایف جنبش دمو کراتیک ز نان تعیین میگردد .

ساز مان دمو کراتیک ز نان افغانستان بمنظور تحقق اهداف و وظایف خویش با ساز مان دمو کراتیک جوانان، اتحادیه های کارگری و دیگر ساز مانهای اجتماعی همکاری می نماید .





مارش خیابانی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان قبل از انقلاب .



یك خاطره از كنفرانس سر قاسمی ز نشان افغانستان



يك صحنه از مارشهای نظم‌نمون سازمان دموکراتیک زنان افغانستان قبل از انقلاب شور

***Women International
Democratic Movement
In the Present Stage***

Author : Nelofer

October 5, 1981
Government Printing Press
KABUL-AFGHANISTAN